

صاحب امتیاز:
جامعه حسابداران رسمی ایران

مدیر مسئول:
فرهاد پناهی

شورای سیاست گذاری
(به ترتیب الفبا):
مرتضی اسدی
فرهاد پناهی

محمدتقی رضایی
رحمت‌اله صادقیان
حجت‌اله صیدی

همکار تحریریه:
مژده کدخدایی

امور اجرایی:
سمیرا آرين‌نژاد

طراح و صفحه‌آرا:
علی قاصدی

لیتوگرافی و چاپ:
ایران چاپ



شماره شصت و هشت | زمستان ۱۴۰۳
انتشار: اسفند ۱۴۰۳

نظرات و دیدگاه‌های مطرح‌شده،
در مقالات الزاما دیدگاه جامعه
حسابداران رسمی ایران نیست؛
مگر در مواردی که قید می‌شود.

نشریه‌ی حسابدار رسمی در ارزیابی
مقالات، حسب مورد، از نظرگاه‌های
اعضای جامعه‌ی حسابداران
رسمی ایران و سایر خبرگان حرفه
حسابداری و حسابرسی سود می‌برد.
نشریه در اصلاح و ویرایش مطالب آزاد است.

نشانی: تهران، خیابان سپهبد
قرنی، نرسیده به پل کریم‌خان زند
خیابان شهید امانی، پلاک چهار،
جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران

تلفن: ۴۲۹۲۵ نمابر: ۸۸۸۰۱۹۱۰

www.iacpa.ir
hesabdarrasmi@iacpa.ir

@iacpainfo

مقرء



چالش‌های حسابداری و حسابرسی دارایی‌های دیجیتال
فرهاد پناهی

۴



میز تشریح



رمزوراز حسابداری و حسابرسی دارایی‌های دیجیتال
الهام حمیدی، بهروز خدارحمی، محمد سیرانی

۵



ارزش‌گذاری رمز ارزها یا دارایی‌های رمزنگاری شده
بهروز خدارحمی

۲۳



نگاهی از درون



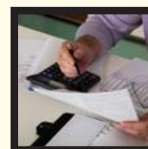
«اصل پیتر»: چرا اغلب شرکت‌ها پراز افراد بی‌ریشه شده‌اند؟
همایون مشیرزاده

۳۱



تصمیمات سرمایه‌گذاری با دانش پیچیده‌ی حسابداری
محمد نورزاد دولت‌آبادی

۳۸



آسیب‌شناسی حرفه‌ی حسابرسی در ایران
محمد حسین زواریان

۴۴





کنکاش



به کارگیری تفکر سیستمی در شرایط پیچیده‌ی حسابرسی
وحید منتی، محمد ارمغان

۴۶

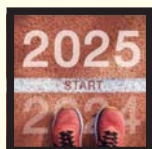


اثرات مدیریت زمان بر تسریع جریان نقدشوندگی دارایی‌های جاری در واحدهای تجاری
مرتضی ادیبی

۵۳



دور دنیا



دور دنیا
مژده کدخدایی

۵۷



اطلاع‌رسانی



خبرهای حرفه‌ی حسابرسی در ایران

۷۱



فهرست مؤسسات حسابرسی عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران
(یکم اسفند ماه ۱۴۰۳)

۷۵



فرهاد پناه‌ی

چالش‌های حسابداری و حسابرسی دارایی‌های دیجیتال

انقلاب فناوری اطلاعات نه تنها روش‌های حسابداری را از روش‌های سنتی به روش‌های مکانیزه تغییر دارد بلکه فراتر از آن طیف متنوعی از دارایی‌ها را در صورت‌های مالی اشخاص و بنگاه‌ها وارد کرد که بعضاً ماهیت منحصر به فردی دارند و حسابداری و حسابرسی آن علاوه بر تسلط بر دانش فنی نیازمند نوآوری و خلاقیت در چارچوب قوانین و مقررات و استانداردهای موجود است.

حسابداری و حسابرسی دارایی‌های دیجیتال در مقایسه با دارایی‌های سنتی تفاوت‌های قابل توجهی دارد. باید به چند ویژگی متمایز دارایی‌های دیجیتال در مقایسه با سایر دارایی‌ها توجه و بر آن تأکید کرد.

نخست، برخلاف دارایی‌های سنتی مانند ساختمان و زمین و تجهیزات که ماهیت فیزیکی و ملموس دارند، دارایی‌های دیجیتال ماهیتی غیرفیزیکی و غیرمتمرکز دارند. از سوی دیگر برخلاف دارایی‌های سنتی در ترازنامه که ارزش‌گذاری آن‌ها نسبتاً پایدارتر است و براساس روش‌های شناخته شده تری مانند ارزش بازار، هزینه‌ی جایگزینی و یا ارزش دفتری انجام می‌شود، ارزش دارایی‌های دیجیتال پرنوسان است و منوط به عوامل مختلفی مانند قوانین نظارتی، پیشرفت‌های فناوری، پذیرش عمومی و تقاضای بازار است و از این‌رو ارزش‌گذاری آن‌ها پیچیده‌تر و پرریسک‌تر می‌شود.

دوم، ماهیت غیرمتمرکز دارایی‌های دیجیتال باعث می‌شود که شناسایی و ثبت آن‌ها در دفاتر حسابداری نیازمند سیستم‌های حسابداری پیشرفته‌تری باشد که قادر به ثبت تراکنش‌های دیجیتال باشد. برخلاف ثبت دارایی‌های سنتی در دفاتر حسابداری معمولاً ساده‌تر است.

سوم، چالش و ریسک ناشی از امنیت این دارایی‌هاست. امنیت دارایی‌های فیزیکی معمولاً با روش‌های سنتی و مرسوم و سیستم‌های امنیتی و بیمه تأمین می‌شود. اما دارایی‌های دیجیتال می‌تواند در معرض هک، سرقت، ... قرار بگیرد و ذخیره‌سازی و حفظ آن نیازمند فناوری‌های خاص است.

چهارم، برخلاف دارایی‌های سنتی که استانداردهای حسابداری برای آن به خوبی تعریف شده‌اند و سال‌هاست مورد استفاده قرار می‌گیرند، اگرچه استانداردهای موجود قادر است برخی نیازهای حسابداری دارایی‌های دیجیتال را تأمین کند اما کماکان ابهاماتی در این زمینه وجود دارد. همچنین قوانین مرتبط با دارایی‌های دیجیتال با توجه به طیف گسترده‌ی این دارایی‌ها نیاز به توسعه دارد. این ابهام و عدم قطعیت می‌تواند چالش‌هایی در گزارش‌گیری و حسابرسی ایجاد کند.

پنجم، برخلاف دارایی‌های سنتی که قوانین مالیاتی برای آن تعریف شده و اجرا می‌شود، مالیات‌گذاری بر دارایی‌های دیجیتال نیز ابهاماتی دارد و ممکن است قوانین متفاوتی برای آن تدوین شود.

ششم، چالش‌های ناشی از فناوری دارایی‌های دیجیتال برای حسابداران است. حسابداری و حسابرسی برخی از این دارایی‌ها نیازمند دانش فنی بالا در زمینه‌ی فناوری‌های مرتبط مانند بلاک‌چین، رمزنگاری و کیف پول‌های دیجیتال است. این در حالی است که حسابداری دارایی‌های سنتی ساده‌تر است و نیازمند دانش فنی کمتر.

سرانجام آن که اگرچه برخی فناوری‌ها مانند بلاک‌چین باعث شده تراکنش‌های دیجیتال شفاف و قابل ردیابی باشد اما ناشناس بودن طرفین معامله و پیچیدگی‌های فناوری می‌تواند فرایند حسابرسی آن را دشوار کند، در حالی که حسابرسی دارایی‌های سنتی عموماً براساس اسناد فیزیکی مانند فاکتورها، قراردادها و مدارک و گواهی‌های مالکیت انجام می‌شود.

بدین ترتیب مشاهده می‌کنیم که حسابداری و حسابرسی دارایی‌های دیجیتال به دلیل ماهیت نو و فناورانه محور بودن آن‌ها، نیازمند رویکردهای جدید، ابزارهای پیشرفته و دانش تخصصی است. از همین رو، با توجه به گسترش روزافزون دارایی‌های دیجیتال نهادهای حرفه‌ای و استاندارددگذار لازم است با همیاری کارشناسان فناوری اطلاعات و متخصصان مالی‌ی دیجیتال به چالش‌های این عرصه بپردازند. در همین چارچوب، تشکیل کارگروه‌های تخصصی، برگزاری دوره‌های آموزشی، سمینارها و آموزش‌های مرتبط با حسابداری و حسابرسی دارایی‌های دیجیتال ضروری است. روشن است که برای آن که حسابرسان قادر به ایفای تعهد خود برای اطمینان بخشی به صورت‌های مالی باشند باید با زیربوم این طیف جدید دارایی‌ها آشنا باشند و بر فناوری‌های مرتبط با آن تسلط یابند.

رمزوراز حسابداری و حسابرسی دارایی‌های دیجیتال



محمد سیرانی



بهروز خدارحمی

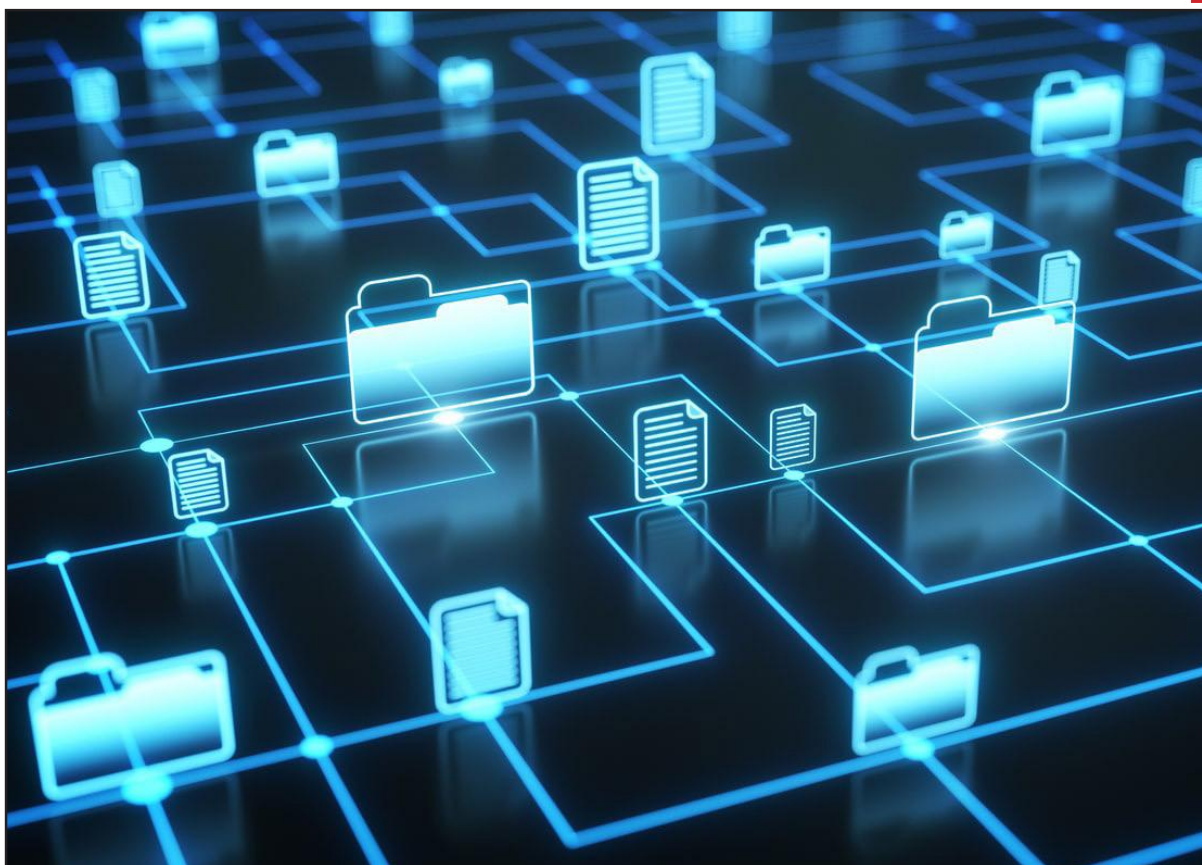


الهام حمیدی

در سال‌های اخیر و در پی انقلاب فناوری اطلاعات شاهد تغییرات شگرف و شگفت‌انگیزی در عرصه‌ی اقتصاد و اجتماع بوده‌ایم و تکوین دارایی‌های نوین‌یادی تحت عنوان دارایی‌های دیجیتال در مجموع دارایی‌های بنگاه‌های اقتصادی و افراد پی‌آمد همین تحول است.

دارایی‌های دیجیتال هر چیزی است که فقط به صورت دیجیتالی وجود داشته باشد و دارای حق استفاده‌ی مشخص یا مجوز مجزا برای استفاده باشد. نسل نخست دارایی‌های دیجیتال شامل مواردی مانند اسناد دیجیتال، محتوای صوتی، تصاویر متحرک و سایر داده‌های دیجیتال مرتبط که در حال حاضر در گردش هستند یا در وسایل دیجیتال ذخیره می‌شوند، مانند رایانه‌های شخصی، لپ‌تاپ، پخش‌کننده‌های رسانه‌ای قابل حمل، تبلت‌ها، دستگاه‌های ذخیره‌سازی داده، و دستگاه‌های مخابراتی و هر دستگاهی است که در حال حاضر وجود دارد یا در آینده به وجود آید و با پیشرفت فناوری قادر به حمل دارایی‌های دیجیتال هستند. این امر بدون توجه به مالکیت دستگاه فیزیکی که دارایی دیجیتال در آن قرار دارد صادق است. نسل جدید دارایی‌های دیجیتال نیز به‌ویژه ارزش‌های مجازی هستند که در سال‌های اخیر در دنیا وسعت گسترده‌ای یافته است.

دارایی‌های دیجیتال جدید و سرعت تغییر آن‌ها به این معنی است که ما باید به طور فعال در توسعه روش‌ها و ابزارهای جدید شرکت کنیم. ما، به عنوان حساب‌رسان، باید تخصص خود را به کار بگیریم و با همه‌ی ذی‌نفعان همکاری کنیم تا رویکردی جامع برای ارزیابی، حسابداری و حسابرسی دارایی‌های دیجیتال ایجاد کنیم. از همین رو، موضوع محوری شماره‌ی جدید فصلنامه‌ی حسابداری را به تأمل در ابعاد «حسابداری و حسابرسی دارایی‌های دیجیتال» اختصاص داده‌ایم.



نامشهود»، موجودی کالا در دامنه‌ی کاربرد استاندارد حسابداری ۸ «موجودی مواد و کالا» یا ابزار مشتقه در دامنه‌ی کاربرد استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ «ابزارهای مالی» طبقه‌بندی شوند. چنانچه دارایی‌های دیجیتال و ارزهای رمزنگاری‌شده، به عنوان دارایی نامشهود در دامنه‌ی کاربرد استاندارد حسابداری ۱۷ «دارایی‌های نامشهود» طبقه‌بندی شوند، در زمان شناخت اولیه به بهای تمام‌شده اندازه‌گیری می‌شوند. در زمان اندازه‌گیری پس از شناخت اولیه، دارایی مزبور ممکن است به بهای تمام‌شده (مدل بهای تمام‌شده) یا به ارزش منصفانه (مدل تجدید ارزیابی) اندازه‌گیری گردد. با توجه به اینکه عمر مفید دارایی‌های دیجیتال و ارزهای رمزنگاری‌شده نامعین است، در صورت استفاده از مدل بهای تمام‌شده، استهلاك شناسایی نمی‌شود؛ اما هرگونه هزینه کاهش ارزش، طبق استاندارد حسابداری ۳۲ «کاهش ارزش دارایی‌ها» در صورت سود و زیان شناسایی می‌گردد. اما در صورت استفاده از مدل تجدیدارزیابی، ارزش منصفانه‌ی این دارایی‌ها باید تعیین گردد.

تعیین ارزش منصفانه‌ی دارایی‌های دیجیتال و ارزهای رمزنگاری‌شده به‌عنوان دارایی‌های نامشهود، چالش‌های

از آن جایی که دارایی‌های دیجیتال و ارزهای رمزنگاری شده از زمره‌ی دارایی‌های ملموس نیستند، به‌طور کلی در مقوله‌ی دارایی‌های نامشهود قرار می‌گیرند. با توجه به چالش‌هایی که حساب‌رسان در ارزشیابی دارایی‌های نامشهود همواره با آن مواجه بوده‌اند، به نظر شما کدام رویکرد یا مجموعه رویکردها برای ارزشیابی دارایی‌های دیجیتالی مناسب‌تر است؟

◀ **الهام حمیدی:**

دارایی‌های دیجیتال و ارزهای رمزنگاری‌شده، بر اساس کارکردی که دارند ممکن است به‌عنوان دارایی نامشهود در دامنه‌ی کاربرد استاندارد حسابداری ۱۷ «دارایی‌های

منحصربه‌فردی را برای حساب‌برسان و متخصصان مالی ایجاد می‌کند. این چالش‌ها می‌تواند ناشی از ماهیت نامشهود، نوسانات قیمتی بالا و نبود بازارهای نقدشونده در برخی موارد باشد. برای تعیین ارزش منصفانه‌ی این دارایی‌ها، رویکردهای مختلفی وجود دارد که هر کدام مزایا و معایب خود را دارند. در ادامه به برخی از رویکردهای مناسب برای ارزش‌گذاری دارایی‌های دیجیتال اشاره می‌کنم:

۱. رویکرد بازار

این رویکرد مبتنی بر قیمت‌های معاملات در بازارهای فعال ارزهای دیجیتال است. در این روش، ارزش دارایی بر اساس قیمت‌های جاری بازار یا میانگین قیمت‌های معاملات در یک بازه‌ی زمانی مشخص تعیین می‌شود. این رویکرد، نسبتاً ساده و شفاف و مبتنی بر داده‌های واقعی بازار است؛ اما نوسانات قیمت ممکن است ارزش‌گذاری را دشوار کند. همچنین، برای دارایی‌هایی که بازار نقدشونده ندارند، این روش چندان مناسب نیست.

۲. رویکرد درآمدی

این رویکرد، ارزش دارایی را بر اساس جریان‌های نقدی آتی مورد انتظار محاسبه می‌کند. برای ارزهای دیجیتال، این جریان‌های نقدی می‌تواند شامل پاداش شبکه^۱ یا سایر مکانیسم‌های درآمدزایی باشد. این رویکرد مناسب برای دارایی‌هایی است که جریان نقدی ایجاد می‌کنند. اما به‌هرحال، پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی این دارایی‌های دیجیتال می‌تواند بسیار دشوار و توأم با عدم‌اطمینان باشد.

۳. رویکرد بها

این رویکرد مبتنی بر مخارج ایجاد یا جایگزینی دارایی دیجیتال است. برای مثال، در مورد ارزهای استخراج‌شده (ماین‌شده)، مخارج مرتبط با استخراج (مانند مخارج سخت‌افزار و برق) می‌تواند مبنای ارزش‌گذاری قرار گیرد. این رویکرد برای دارایی‌هایی که مخارج ایجاد آن‌ها مشخص است، مناسب است. اما ممکن است ارزش واقعی در بازار را، به‌ویژه در مواقعی که قیمت‌های بازار به‌طور قابل‌توجهی بالاتر یا پایین‌تر از مخارج ایجاد است، منعکس نکند.

۴. رویکرد ترکیبی

در برخی موارد، ترکیبی از رویکردهای بالا می‌تواند بهترین نتیجه را ارائه دهد. برای مثال، به‌کارگیری رویکرد بازار برای دارایی‌هایی با نقدشوندگی بالا و رویکرد درآمدی یا بها برای دارایی‌هایی با نقدشوندگی پایین‌تر می‌تواند مطلوب باشد. این امر با انعطاف‌پذیری بیشتر و امکان تطبیق با شرایط مختلف همراه است، اما از پیچیدگی بیشتری برخوردار است و مستلزم قضاوت حرفه‌ای است.

از دیگر رویکردهایی که برای ارزش‌گذاری دارایی‌های دیجیتال و ارزهای رمزنگاری‌شده می‌توان استفاده کرد،

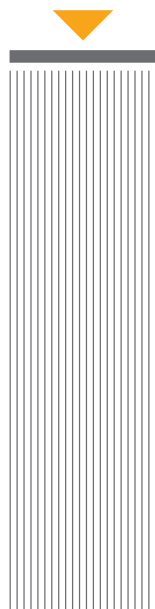
رویکرد مبتنی بر مدل‌های اقتصادی و توکنومیکس^۲ و رویکرد مبتنی بر مقایسه با پروژه‌های مشابه^۳ است.

نکته‌ی مهم این است که هیچ رویکرد واحدی برای ارزش‌گذاری دارایی‌های دیجیتال وجود ندارد و انتخاب رویکرد مناسب، به ماهیت دارایی و شرایط بازار بستگی دارد. در بسیاری از موارد، استفاده از یک رویکرد ترکیبی که شامل تحلیل بازار، جریان‌های نقدی و عوامل اقتصادی باشد، می‌تواند بهترین نتیجه را به دست دهد.

❖ بهروز خدارحمی:

در ارزش‌یابی دارایی‌های دیجیتال، و به‌طور خاص ارزهای رمزنگاری‌شده، رویکردهای مختلفی وجود دارد که می‌تواند به حساب‌برسان و حسابداران کمک کند. ازجمله روش ارزش منصفانه (Fair Value Method) که به حسابداران اجازه می‌دهد تا ارزش دارایی‌ها را برابر قیمت‌های فعلی بازار تعیین کنند. با توجه به تلاطم‌های بعضاً شدید قیمت در بازار ارزهای دیجیتال (خصوصاً آلت‌کوین‌ها)، این رویکرد می‌تواند به‌عنوان یک روش مؤثر و مربوط برای ارائه‌ی یک تصویر دقیق از ارزش واقعی دارایی‌ها استفاده شود. به‌عنوان مثال برای ارزهایی همچون بیت‌کوین یا اتریوم، که بازار نقدشونده‌ای دارند حساب‌برسان می‌توانند از قیمت‌های بازار به‌عنوان انعکاسی از ارزش‌های منصفانه در زمان گزارش‌دهی استفاده کنند. رویکرد دیگر، روش بهای تاریخی (Historical Cost Method) است که بر مبنای بهایی است که برای خرید یا تولید رمزارز (از طریق ماینینگ) صرف شده است. اگرچه این روش ممکن است در شرایط نوسانی بازار، ربط‌پذیری کمتری داشته باشد، اما اغلب به‌عنوان مبنایی برای ارزش ذاتی (پایه‌ای) یا کمیته‌ی قیمت در گزارش‌گری محل اتکا است. روش سوم رویکرد درآمدی (Income Approach) که بر اساس پیش‌بینی درآمدهای آتی حاصل از دارایی دیجیتال عمل می‌کند. این روش به‌ویژه برای ارزش‌یابی دارایی‌هایی که درآمدزایی دارند، همچون توکن‌های غیرمثلی (غیرقابل تعویض) (NFTs)، که پتانسیل درآمدزایی از طریق فروش مجدد یا حق امتیاز را دارند) مناسب است. رویکرد بعدی روش اختیار واقعی (Real Options Method) است که به حسابداران اجازه می‌دهد تا ارزش بالقوه‌ی دارایی‌ها را با توجه به اختیارات موجود برای استفاده یا فروش آن‌ها ارزیابی کنند. این رویکرد به‌ویژه در مورد ارزش‌گذاری دارایی‌های دیجیتال با ویژگی‌های خاص مناسب است (به‌عنوان مثال زمانی که یک شرکت تصمیم به نگهداری یا فروش یک NFT خاص و انعکاس ارزش آن بر مبنای اختیارهای موجود می‌کند).

گفتنی است که با توجه به پیچیدگی و تنوع گسترده‌ی دارایی‌های دیجیتال، استفاده‌ی ترکیبی از روش‌های مذکور،



دارایی‌های دیجیتال طیف متنوعی از دارایی‌ها را دربرمی‌گیرند، چه تفاوت‌هایی در حسابداری و حسابرسی انواع مختلف دارایی‌های دیجیتال وجود دارد؟ در مقایسه با حسابرسی سایر دارایی‌های نامشهود با کدام ویژگی‌های متمایز در حسابداری و حسابرسی دارایی‌های دیجیتال مواجه هستیم که باید مورد توجه حسابداران و حسابرسان قرار بگیرد؟

◀ الهام حمیدی:

دارایی‌های دیجیتال به دلیل ماهیت منحصر به فرد و فناوری محور، چالش‌هایی را در امر حسابداری و حسابرسی ایجاد می‌کنند. در مقایسه با دارایی‌های نامشهود سنتی، این تفاوت‌ها ناشی از ویژگی‌هایی مانند غیرمتمرکز بودن، تغییرات سریع ارزش، وابستگی به فناوری، و ناشناس بودن تراکنش‌ها است. از جمله موضوعات مورد توجه در حسابداری دارایی‌های دیجیتال، بحث طبقه‌بندی دارایی‌های دیجیتال است. دارایی‌های دیجیتال ممکن است به‌عنوان دارایی‌های نامشهود، موجودی کالا، یا حتی دارایی‌های مالی (ابزارهای مشتقه) طبقه‌بندی شوند که این طبقه‌بندی به ماهیت دارایی و نحوه‌ی استفاده از آن بستگی دارد. برای مثال، رمز ارزی مانند بیت‌کوین، با توجه به کارکردی که دارد ممکن است به‌عنوان دارایی نامشهود در دامنه‌ی کاربرد استاندارد حسابداری ۱۷ «دارایی‌های نامشهود» یا موجودی کالا در دامنه‌ی کاربرد استاندارد حسابداری ۸ «موجودی مواد و کالا» طبقه‌بندی شود یا یک دارایی دیجیتال مانند توکن ممکن است به‌عنوان ابزار مالی (مشتقه) طبقه‌بندی گردد. تفاوت در طبقه‌بندی، رویه‌های اندازه‌گیری متفاوتی را نیز به دنبال دارد. برای مثال، همان‌طور که در سؤال اول اشاره شد، طبقه‌بندی به‌عنوان دارایی نامشهود می‌تواند اندازه‌گیری به بهای تمام‌شده یا ارزش منصفانه را در پی داشته باشد. اما چنانچه دارایی مزبور به‌عنوان موجودی کالا در دامنه‌ی کاربرد استاندارد حسابداری ۸ «موجودی مواد و کالا» طبقه‌بندی شود، به اقل بهای تمام‌شده و خالص ارزش فروش اندازه‌گیری می‌شود. با وجود این، برای موجودی کالای واسطه‌ها/معامله‌گران، روش حسابداری متفاوت است. در بند ۵ استاندارد بین‌المللی حسابداری ۲ «موجودی‌ها»، واسطه‌ها/معامله‌گران به‌عنوان

اغلب تصویر جامع‌تری از ارزش واقعی دارایی رمز ارزی ارائه دهد به‌عنوان مثال یک پلتفرم مالی ممکن است همزمان از روش درآمدی برای پیش‌بینی درآمدهای آینده و نیز روش ارزش منصفانه برای تعیین ارزش فعلی دارایی‌های دیجیتال خود استفاده کند.

بدیهی است با توجه به چالش‌هایی که حسابرسان در ارزش‌یابی دارایی‌های نامشهود دارند، انتخاب رویکرد مناسب بستگی به نوع دارایی دیجیتال و شرایط بازار خواهد داشت. هر یک از این رویکردها نقاط قوت و ضعف خاص خود را دارند و باید با دقت انتخاب شوند تا اطمینان‌دهی حاصل اتکا و اعتمادپذیر باشند.

◀ محمد سیرانی:

ارزش‌یابی دارایی‌های دیجیتال و رمز ارزها به‌دلیل ویژگی‌های خاص آن‌ها، چالش‌های خاصی را برای حسابرسان ایجاد می‌کند. در این راستا، رویکردهای مختلفی وجود دارد که می‌تواند برای ارزش‌یابی این نوع دارایی‌ها مناسب باشد:

۱. رویکرد هزینه‌ای: این رویکرد بر اساس هزینه‌های تاریخی و سرمایه‌گذاری‌های انجام شده برای ایجاد یا خرید دارایی‌های دیجیتال عمل می‌کند. این رویکرد ممکن است به‌خوبی ارزش واقعی دارایی را منعکس نکند، اما می‌تواند نقطه‌ی شروع خوبی باشد.

۲. رویکرد بازار: این رویکرد بر اساس مقایسه با معاملات مشابه در بازار عمل می‌کند. برای رمز ارزها، می‌توان از قیمت‌های روزانه و حجم معاملات در صرافی‌های مختلف استفاده کرد تا ارزش فعلی دارایی‌ها را تعیین کرد.

۳. رویکرد درآمدی: این رویکرد بر اساس پیش‌بینی درآمدهای آتی ناشی از دارایی‌ها عمل می‌کند. برای مثال، در مورد توکن‌های غیرقابل تعویض (NFT)، می‌توان به درآمدهای حاصل از فروش یا اجاره آن‌ها توجه کرد.

۴. مدل‌های تحلیلی: استفاده از مدل‌های ریاضی و تحلیل داده‌ها برای پیش‌بینی ارزش دارایی‌های دیجیتال می‌تواند مفید باشد. این مدل‌ها ممکن است شامل تحلیل روندها، رفتار بازار و عوامل اقتصادی باشند.

۵. رویکرد ترکیبی: ترکیب چندین رویکرد مختلف می‌تواند به حسابرسان کمک کند تا تصویر جامع‌تری از ارزش دارایی‌های دیجیتال به‌دست آورند. این رویکرد می‌تواند شامل استفاده از داده‌های تاریخی، مقایسه با بازار و تحلیل درآمد باشد.

به‌طور کلی، انتخاب بهترین رویکرد بستگی به نوع دارایی دیجیتال، شرایط بازار و هدف ارزش‌یابی دارد. همچنین، ضرورت تطابق با استانداردهای حسابداری و مقررات مربوطه نیز باید در نظر گرفته شود.



چالش‌هایی در تأیید مالکیت و صحت تراکنش‌ها ایجاد کند. به‌هرحال، حساب‌برسان باید اطمینان حاصل کنند که دارایی‌های دیجیتال متعلق به شرکت است و مالکیت آن‌ها به‌درستی ثبت شده است. موضوع دیگر مورد بحث، تأیید صحت داده‌ها است. برای این منظور، حساب‌برسی دارایی‌های دیجیتال ممکن است نیاز به ابزارهای تخصصی و فناوری‌های پیشرفته مانند تحلیل داده‌های بلاک‌چین داشته باشد یا حتی ممکن است حساب‌برسان نیاز داشته باشند موجودی دارایی‌های دیجیتال را از طریق روش‌های مستقیم (مانند بررسی کیف پول‌ها) تأیید کنند.

◀ بهروز خدارحمی:

اگرچه بسیاری از این دارایی‌های دیجیتال ویژگی‌هایی مشابه دارایی‌های نامشهود سنتی دارند، اما ویژگی‌هایی چون نوسان بالای قیمت، اتکا به فناوری بلاک‌چین و سطح نقدشوندگی متفاوت در بازار، چالش‌های منحصربه‌فردی برای حساب‌داری و حساب‌برسی ایجاد می‌کنند. در زمینه تفاوت‌های کلیدی این طبقه از دارایی‌ها با سایر دارایی‌های نامشهود می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: نوسان بالا و تغییرات سریع قیمت: در روش ارزش منصفانه قیمت ممکن است از تاریخ صورت مالی دچار تغییرات معناداری شده باشد و در روش مبتنی بر بها، دفعات کاهش

اشخاصی تعریف شده‌اند که کالاها را برای دیگران یا به حساب خودشان، اساساً با هدف فروش در آینده‌ی نزدیک و ایجاد سود از نوسان قیمت، می‌خرند یا می‌فروشند. واسطه‌ها/معامله‌گران، این موجودی‌ها را طبق بند ۳(ب) استاندارد بین‌المللی حسابداری ۲، به ارزش منصفانه پس از کسر مخارج فروش اندازه‌گیری می‌کنند و تغییرات ارزش را در سود یا زیان دوره شناسایی می‌نمایند. در نهایت، چنانچه دارایی مزبور به‌عنوان ابزار مالی (مشتقه) طبقه‌بندی گردد، باید به ارزش منصفانه اندازه‌گیری شود.

در خصوص حساب‌برسی دارایی‌های دیجیتال، ازجمله موضوعات مهم، بحث کنترل‌های داخلی و امنیت سایبری است. دارایی‌های دیجیتال به دلیل ماهیت دیجیتالی، در معرض ریسک‌های امنیتی نظیر هک، سرقت، یا از دست رفتن کلیدهای خصوصی هستند. لذا، حساب‌برسان باید کنترل‌های داخلی مربوط به امنیت سایبری و مدیریت کلیدهای خصوصی را با دقت بررسی کنند. همچنین، ذخیره‌سازی دارایی‌های دیجیتال (مانند کیف پول‌های سرد یا گرم) و کنترل دسترسی به آن‌ها باید با دقت مورد ارزیابی قرار گیرد. موضوع مهم دیگر، بحث شفافیت و ردیابی تراکنش‌ها است. البته بسیاری از دارایی‌های دیجیتال برپایه‌ی فناوری بلاک‌چین هستند که شفافیت و قابلیت ردیابی تراکنش‌ها را افزایش می‌دهد. اما ناشناس بودن برخی تراکنش‌ها ممکن است



بسیاری از حوزه‌های قضایی هنوز در حال تدوین است که این مسئله می‌تواند بر طبقه‌بندی و افشا تأثیر بگذارد.

قراردادهای پیچیده: دارایی‌های دیجیتال می‌توانند در پروتکل‌های مالی غیرمتمرکز، قفل، مشارکت یا قرض داده شوند، که سؤالاتی درباره‌ی تداوم کنترل توسط شرکت یا انتقال ریسک و منافع ایجاد می‌کند. حساب‌سازان باید ارزیابی کنند که آیا این نوع قراردادها منجر به ایجاد ابزار مشتقه، جریان درآمد یا تعهدات دیگری می‌شوند که نیازمند شناسایی یا افشای خاصی است.

تداوم فعالیت و رویدادهای پس از تاریخ ترازنامه: افت شدید قیمت یا وقایع سایبری می‌تواند بر نقدشوندگی و توان تداوم فعالیت شرکت‌هایی که به‌شدت در دارایی‌های دیجیتال سرمایه‌گذاری کرده‌اند یا مدل کسب‌وکارشان بر آن استوار است، تأثیر بگذارد. حساب‌سازان باید رویدادهای بعدی همچون ورشکستگی صرافی‌های بزرگ یا حملات هکری را که ممکن است بر صورت‌های مالی تأثیرگذار باشد، مدنظر قرار دهند. این موضوع در مورد دارایی‌های نامشهود سنتی چندان رایج نیست. برای ورود بنیادی‌تر به این چالش‌ها لازم است ویژگی‌های ماهیتی متمایز این طبقه از دارایی‌ها بیشتر و اشکافی شود و وجوه تمایزی همچون ماهیت غیرمتمرکز (این که تراکنش‌های بسیاری از دارایی‌های دیجیتال، در محیط‌های غیرمتمرکز و

ارزش می‌تواند زیاد باشد.

نقدشوندگی یا فقدان بازار فعال: برخلاف بسیار دارایی‌های نامشهود چون علائم تجاری، برخی رمزدارایی‌ها فاقد نقدشوندگی کافی هستند و ارزش آن‌ها به‌راحتی قابل دست‌کاری است.

راستی‌آزمایی وجود و مالکیت: برای دارایی‌های نامشهود سنتی (مثلاً پتنت)، اسناد قانونی و حق مالکیت شفاف وجود دارد. اما در دارایی‌های دیجیتال، اثبات مالکیت نیازمند تأیید کنترل کلید خصوصی یا اتکا به گواهی‌های سپرده‌گذاری است. حساب‌سازان باید از روش‌های اثبات کنترل مانند تراکنش آزمایشی یا تأیید کیف پول استفاده کنند که به‌مراتب فنی‌تر (پر چالش‌تر) از بررسی مالکیت علامت تجاری است.

ریسک نگهداری و امنیت: دارایی‌های دیجیتال را می‌توان در کیف‌پول‌های روی زنجیره، کیف پول‌های سخت‌افزاری، صرافی‌های سپرده‌گذار یا نزد متولیان شخص ثالث نگهداری کرد. خطر سرقت، هک یا گم‌شدن کلیدهای خصوصی منحصربه این نوع خاص از دارایی بوده و در سایر دارایی‌های نامشهود چندان مطرح نیست. لذا حساب‌سازان باید کنترل‌های داخلی مربوط به مدیریت کلید خصوصی، قراردادهای امانی و حفاظت سایبری را بررسی کنند.

ابهامات مقرراتی: قوانین مرتبط با دارایی‌های دیجیتال در

اغلب بدون نظارت است و طبیعتاً چالش‌های خاصی را در زمینه اثبات مالکیت و ارزش دارایی‌ها برای حساب‌سازان ایجاد می‌کند، نیاز به دانش تخصصی (ضرورت دستیابی به دانش کافی در مورد فناوری‌های نوپدید همچون بلاک‌چین، اینترنت اشیا و رایانش کوانتومی توسط حسابداران و حساب‌سازان در راستای رسیدن به ارزیابی‌های معتبرتر)، پروفیل ریسک جدید (سپهر متاورسی و اتمسفر دارایی‌های دیجیتال، فرصت‌های جدیدی برای تولد انواع تقلب همچون بیش‌نمایی ارزش دارایی‌های دیجیتال از طریق پامپ و دامپ و غیره ایجاد کرده که لازم است حساب‌سازان نسبت به ریسک‌های جدید حادث شده هوشیار باشند)، مشاهدات مجازی (کسب مهارت‌های جدید و تجهیز به ابزارهای لازم برای انجام مشاهدات در فضای مجازی، واقعیت مجازی، و متاورسی توسط حساب‌سازان در جهت راستی‌آزمایی و صحت‌سنجی مطلوب‌تر)، چالش‌های فنی (تجهیز مؤسسات حساب‌رسی به سخت‌افزار لازم و پهنای باند و سایر بسترهای لازم برای پشتیبانی از سامانه‌های حساب‌رسی نوین) و تغییرات سریع فناوری (چابکی لازم در همراهی با تغییرات سریع و پویای فناوری برای مقابله با چالش‌های جدید توسط حسابداران و حساب‌سازان) مد نظر قرار گرفته و متناسب با زیست‌بوم جدید چاره‌اندیشی شود.

بحث بعدی طیف متنوع انواع دارایی دیجیتال و طبقه‌بندی حساب‌داری آن‌هاست. این که توکن‌های پرداخت یا مبادله مانند بیت‌کوین، لایت‌کوین و سایر رمزارزها که عمدتاً به‌عنوان وسیله‌ای مبادله یا ذخیره‌ای ارزش طراحی شده‌اند، در هر دو استاندارد GAPP آمریکایی و IFRS، معمولاً به‌عنوان دارایی نامشهود با عمر نامعین (مگر در موارد نادر و به‌عنوان ابزار مالی) شناسایی شوند؛ که ماهیتاً و اغلب چنین نیستند، زیرا معمولاً قراردادهای پرداخت جریان‌های نقدی ندارند یا مالکیت بر یک کسب‌وکار نیستند. رویکرد ارزش‌گذاری معمولاً ارزش منصفانه است، اما ممکن است بنا به شرایط از بهای تمام‌شده با کسر کاهش ارزش نیز استفاده شود.

استیبل‌کوین‌هایی همچون USDT که به ارزش فیات متصل هستند، اگر شرایط دارایی مالی را نداشته باشند و یا در کسب‌وکار مربوطه در مسیر فروش نباشند ممکن است دارایی نامشهود تلقی شوند. برخی استیبل‌کوین‌ها ممکن است قابلیت بازخرید یا حقوق قراردادی داشته باشند، در این حالت به سمت طبقه‌بندی ابزار مالی سوق پیدا می‌کنند (به‌ویژه اگر حق بازخرید قانونی و قابل اجرا وجود داشته باشد).

توکن‌های کاربردی مانند توکن‌هایی که دسترسی به خدمات پلت‌فرم را فراهم می‌کنند (مثلاً در برخی نرم‌افزارها یا بازی‌های مبتنی بر بلاک‌چین). اغلب همچنان به‌عنوان دارایی نامشهود شناسایی می‌شوند، هرچند اقتصاد زیربنایی هر توکن کاربردی می‌تواند بسیار متفاوت باشد. در صورتی که حقوق

(منافع) قابل‌اجرای دریافت جریان نقدی وجود نداشته باشد، بعید است این توکن‌ها به‌عنوان دارایی مالی طبق IFRS 9 یا استانداردهای مشابه در نظر گرفته شوند.

از سویی توکن‌های اوراق بهادار مانند توکن‌هایی که نشان‌دهنده مالکیت بخشی از یک شرکت یا دارایی‌های واقعی هستند (مثلاً سهام توکنیزه‌شده، ابزار بدهی توکنیزه‌شده). ممکن است به‌عنوان ابزار مالی یا اوراق بهادار تلقی شوند، مشروط به آن که حقوق قراردادی برای دریافت جریان‌های نقدی داشته باشند یا نشان‌دهنده سهام مالکانه باشند. در چنین مواردی IFRS 9 یا استانداردهای مربوط به ابزار مالی در GAPP اعمال می‌شود (به‌جای استانداردهای دارایی نامشهود).

توکن‌های غیرقابل تعویض (NFTs) مانند آثار هنری دیجیتال، کلکسیون‌ها، توکنیزه کردن املاک و مستغلات؛ عموماً در دسته‌ی دارایی‌های نامشهود قرار می‌گیرند. اگر NFT حقوق قراردادی مشخصی (مانند اشتراک‌گذاری درآمد حاصل از استفاده از مالکیت) می‌توان استدلال کرد که به‌عنوان دارایی مالی تلقی شوند.

به‌طور خلاصه در موضوع طبقه‌بندی صحیح دارایی‌های دیجیتال در صورت‌های مالی همچنان چالش‌ها و ابهامات فراوانی وجود دارد. برای مواجهه با این چالش‌ها، حسابداران و حساب‌سازان لازم است رویکردهای تحولی جدیدی را همچون استفاده از روش‌های ارزش‌گذاری نوآورانه، توسعه‌ی استانداردهای جدید برای گزارشگری مالی دارایی‌های دیجیتال، و آموزش مداوم در زمینه‌ی فناوری‌های نوظهور اتخاذ کنند. به‌علاوه، همکاری نزدیک با متخصصان فناوری و استانداردگذار و سیاست‌گذار برای ایجاد چارچوب‌های مناسب برای حسابداری و حساب‌رسی دارایی‌های دیجیتال ضروری به نظر می‌رسد.

محمد سیرانی:

دارایی‌های دیجیتال شامل انواع مختلفی از دارایی‌ها مانند ارزش‌های رمزارز، توکن‌های غیرقابل تعویض (NFTs)، و دارایی‌های دیجیتال مبتنی بر بلاک‌چین هستند. این دارایی‌ها ویژگی‌های خاصی دارند که آن‌ها را از سایر دارایی‌های نامشهود متمایز می‌کند و در نتیجه، چالش‌ها و نیازهای خاصی را در حسابداری و حساب‌رسی ایجاد می‌کند. در ادامه به برخی از این تفاوت‌ها و ویژگی‌ها اشاره می‌شود:

۱. طبیعت غیرمتمرکز و غیرقابل تغییر

- تفاوت: دارایی‌های دیجیتال معمولاً بر اساس فناوری بلاک‌چین عمل می‌کنند که به‌دلیل ساختار غیرمتمرکز و غیرقابل تغییر خود، شفافیت و امنیت بالایی را فراهم می‌کند.
- حسابداری و حساب‌رسی: حساب‌سازان باید به‌دقت زنجیره‌ی معاملات را بررسی کنند و اطمینان حاصل کنند که داده‌ها دقیق و معتبر هستند. همچنین، نیاز به بررسی پروتکل‌های

در شرایط کنونی، که فاقد استانداردهای لازم برای حسابرسی دارایی‌های دیجیتال هستیم و حتی در سطح بین‌المللی نیز کاستی‌هایی در این زمینه وجود دارد، چه راهکارهایی برای حل مشکلات حسابداران و حسابرسان دارایی‌های دیجیتال وجود دارد؟ در سطح بین‌المللی، نهادهای حسابداری کارگروه‌هایی راه‌اندازی کرده‌اند که به‌طور خاص بر مدیریت فناوری‌های نوظهور از جمله دارایی‌های دیجیتال متمرکز شده‌اند. اقداماتی که تاکنون در ایران انجام شده تا چه حد پاسخ‌گوی نیازهای ذی‌نفعان و به‌طور مشخص حسابداران و حسابرسان بوده است؟

◀ الهام حمیدی:

در وهله‌ی نخست ممکن است این‌گونه به نظر برسد که برای ارزش‌های رمزنگاری‌شده یا دارایی‌های دیجیتال استاندارد حسابداری وجود ندارد و با نقص استانداردها در این حوزه مواجه هستیم. اما بررسی‌های دقیق‌تری که توسط نهاد بین‌المللی تدوین‌کننده‌ی استانداردهای حسابداری صورت گرفته است، نشان می‌دهد استانداردهای حسابداری فعلی پاسخ‌گوی نیازهای گزارشگری مالی در خصوص دارایی‌های دیجیتال هستند. فرایندی که ما را به این نتیجه می‌رساند که حسابداری دارایی‌های دیجیتال با استفاده از استانداردهای فعلی حسابداری قابل انجام است، می‌تواند به شرح زیر باشد: قبل از ارزیابی این موضوع که کدام استاندارد حسابداری باید برای ارزش‌های رمزنگاری‌شده مورد استفاده قرار گیرد، نخست این سؤال مطرح می‌شود که آیا ارزش‌های رمزنگاری‌شده، تعریف دارایی طبق چارچوب مفهومی گزارشگری مالی را احراز می‌کنند یا خیر. در چارچوب مفهومی گزارشگری مالی هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، دارایی به شرح زیر تعریف شده است:

«منابع اقتصادی فعلی واحد تجاری که در نتیجه‌ی رویدادی در گذشته، تحت کنترل واحد تجاری است.»

«منبع اقتصادی، حقی است که پتانسیل ایجاد منافع اقتصادی را دارد.»

با توجه به تعریف دارایی، ارزش‌های رمزنگاری‌شده تعریف

امنیتی و روش‌های ذخیره‌سازی اطلاعات وجود دارد.

۲. نوسانات قیمت

• تفاوت: قیمت رمزارزها و سایر دارایی‌های دیجیتال می‌تواند به شدت نوسان کند.

• حسابداری و حسابرسی: این نوسانات می‌توانند تأثیر زیادی بر ارزش‌گذاری دارایی‌ها داشته باشند. حسابرسان باید روش‌هایی برای ارزیابی ارزش منصفانه در شرایط نوسانی بازار پیدا کنند.

۳. عدم وجود استانداردهای حسابداری مشخص

• تفاوت: هنوز استانداردهای جهانی مشخصی برای حسابداری دارایی‌های دیجیتال وجود ندارد.

• حسابداری و حسابرسی: این عدم‌وضوح می‌تواند منجر به تفسیرهای مختلف در مورد نحوه ثبت و گزارش‌دهی دارایی‌ها شود. حسابرسان باید با توجه به قوانین محلی و بین‌المللی، رویکردهای مناسب را انتخاب کنند.

۴. مسائل قانونی و مالیاتی

• تفاوت: قوانین مربوط به دارایی‌های دیجیتال هنوز در حال توسعه هستند و ممکن است در کشورها متفاوت باشند.

• حسابداری و حسابرسی: حسابرسان باید از قوانین مالیاتی و الزامات قانونی مربوط به دارایی‌های دیجیتال آگاه باشند تا از رعایت آن‌ها اطمینان حاصل کنند.

۵. تنوع در نوع دارایی‌ها

• تفاوت: انواع مختلف دارایی‌های دیجیتال (مانند رمزارزها، NFTها، و توکن‌های کاربردی) ویژگی‌های متفاوتی دارند.

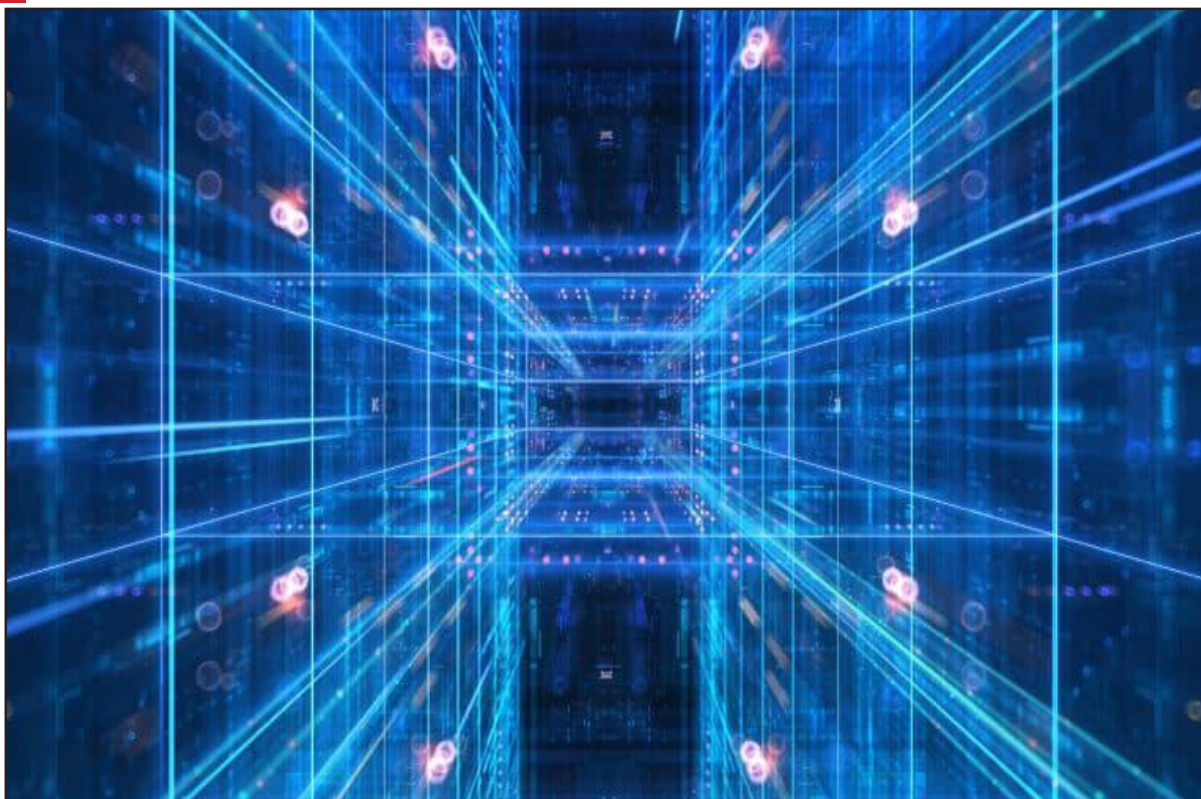
• حسابداری و حسابرسی: هر نوع دارایی ممکن است نیاز به رویکرد خاصی در حسابداری و حسابرسی داشته باشد. برای مثال، NFTها معمولاً به‌عنوان آثار هنری یا کالاهای کلکسیونی شناخته می‌شوند که می‌تواند بر نحوه‌ی ارزش‌گذاری آن‌ها تأثیر بگذارد.

۶. مسائل امنیتی

• تفاوت: خطرات امنیتی مانند هک و سرقت در زمینه دارایی‌های دیجیتال بیشتر است.

• حسابداری و حسابرسی: حسابرسان باید به ارزیابی سیستم‌های امنیتی و کنترل‌های داخلی مرتبط با مدیریت دارایی‌های دیجیتال بپردازند تا از محافظت مناسب از دارایی‌ها اطمینان حاصل کنند.

نتیجه‌گیری می‌کنم که در مجموع، حسابداری و حسابرسی دارایی‌های دیجیتال نیازمند رویکردهای خاص و آگاهی از ویژگی‌های منحصر به فرد این نوع دارایی‌ها است. حسابرسان باید با چالش‌ها و ریسک‌های مرتبط با این دارایی‌ها آشنا باشند و از ابزارها و تکنیک‌های مناسب برای ارزیابی آن‌ها استفاده کنند تا اطمینان حاصل کنند که گزارش‌های مالی به‌طور دقیق منعکس‌کننده وضعیت واقعی دارایی‌ها هستند.



ب. دارایی‌های مالی غیر از نقد (استاندارد حسابداری ۳۶ «ابزارهای مالی: ارائه»؛ استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹: ابزارهای مالی)

پ. سرمایه‌گذاری در املاک (استاندارد بین‌المللی حسابداری ۴۰ سرمایه‌گذاری در املاک)

ت. دارایی‌های نامشهود (استاندارد حسابداری ۱۷ «دارایی‌های نامشهود»)

ث. موجودی مواد و کالا (استاندارد حسابداری ۸ «موجودی مواد و کالا»)

بیشتر ارزش‌های رمزنگاری‌شده، تعریف دارایی‌های قسمت‌های الف تا پ را احراز نمی‌کنند؛ اما در دامنه‌ی کاربرد استانداردهای حسابداری ۱۷ و ۸ برخی انواع آن‌ها از جمله توکن‌ها در دامنه‌ی کاربرد استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹: ابزارهای مالی قرار می‌گیرند.

آیا دارایی‌های دیجیتال و ارزش‌های رمزنگاری‌شده، می‌توانند تعریف دارایی‌های نامشهود را احراز می‌کنند؟

«دارایی نامشهود یک دارایی غیر پولی قابل تشخیص است که ماهیت فیزیکی ندارد.» برخی از دارایی‌های دیجیتال و ارزش‌های رمزنگاری‌شده، نیز دارایی‌های قابل تشخیصی هستند که ماهیت فیزیکی ندارند و تعریف دارایی‌های پولی مندرج در استاندارد حسابداری ۱۷ را احراز نمی‌کنند. بنابراین، به

دارایی را احراز می‌کنند. بنابراین، سؤال بعدی این است که کدام استاندارد حسابداری، باید برای حسابداری ارزش‌های رمزنگاری‌شده مورد استفاده قرار گیرد؟

طبق استاندارد حسابداری ۳۴ «رویه‌های حسابداری، تغییر در برآوردهای حسابداری و اشتباهات»، در صورتی که یک استاندارد حسابداری مشخص در مورد یک رویداد مالی کاربرد داشته باشد، به‌کارگیری آن استاندارد ضروری است. اگرچه در استانداردهای حسابداری به‌صراحت به ارزش‌های رمزنگاری‌شده و دارایی‌های دیجیتال اشاره نشده است، اما ممکن است دامنه‌ی کاربرد یک استاندارد، دربردارنده‌ی اقلامی با ویژگی ارزش‌های رمزنگاری‌شده باشد و بنابراین، بتوان استاندارد مزبور را مورد استفاده قرار داد.

با فرض احراز تعریف دارایی در خصوص ارزش‌های رمزنگاری‌شده و با توجه به اینکه استانداردهای زیر در خصوص حسابداری طبقات مختلف دارایی‌ها رهنمود ارائه می‌کنند، باید مشخص شود که کدام استاندارد می‌تواند دربردارنده‌ی اقلامی با ویژگی‌های ارزش‌های رمزنگاری‌شده باشد. استانداردهای حسابداری زیر، استانداردهایی است که در آن‌ها یک دارایی مورد بررسی قرار گرفته است:

الف. نقد (استاندارد حسابداری ۲ «صورت جریانهای نقدی»؛ استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹: «ابزارهای مالی»)



توکن‌ها، به اتکای دارایی‌های پایه ایجاد شده‌اند و تغییرات ارزش آن‌ها متناسب با تغییرات ارزش دارایی پایه مربوط تغییر می‌کند. لذا به نظر می‌رسد این گروه از دارایی‌های دیجیتال تعریف ابزار مشتقه را احراز کنند و در دامنه‌ی کاربرد استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ قرار گیرند.

با توجه به موارد اشاره‌شده در بالا، نهاد استاندارد‌گذار بین‌المللی، تدوین استانداردهای حسابداری مختص دارایی‌های دیجیتال و ارزش‌های رمزنگاری شده را ضروری نمی‌داند.

◀ بهروز خدارحمی

با توجه به شرایط خاص و محیط اقتصادی حاکم بر کشور (هم از جهت محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های بین‌المللی برای تبادل در این فضا و هم به لحاظ ابهام موجود در رویکردهای نهادهای ناظر داخلی از جمله بانک مرکزی و شفاف نبودن سیاست‌های کلان کشور در این زمینه) قبل از هر اقدامی توسط نهادهای تخصصی ذی‌ربط (همچون جامعه‌ی حسابداران رسمی و سازمان حسابرسی) لازم است نهادهای تقنینی و مقررات‌گذار از مجلس شورای اسلامی گرفته تا بانک مرکزی و سایر ذی‌نفعان، اسناد بالادستی و قوانین و مقررات کلان را نهایی و به تصویب برسانند تا امکان تدوین استانداردها و دستورالعمل‌های خاص حسابداری و حسابرسی مبتنی بر آن

نظر می‌رسد این گروه از دارایی‌های دیجیتال و ارزش‌های رمزنگاری شده، تعریف دارایی‌های نامشهود را احراز می‌کنند و در دامنه‌ی کاربرد استاندارد حسابداری ۱۷ قرار می‌گیرند.

آیا دارایی‌های دیجیتال و ارزش‌های رمزنگاری شده، می‌توانند تعریف موجودی‌ها را احراز کنند؟

در بند استاندارد حسابداری ۱۷ اشاره شده است که: «چنانچه نحوه‌ی حسابداری نوع خاصی از دارایی‌های نامشهود در استاندارد دیگری تعیین شده باشد، واحد تجاری استاندارد مزبور را به جای این استاندارد به کار می‌گیرد. برای مثال، این استاندارد در موارد زیر کاربرد ندارد:

الف. دارایی‌های نامشهودی که در روال عادی فعالیت‌های تجاری، به قصد فروش نگهداری می‌شود (به استاندارد حسابداری ۸ «موجودی مواد و کالا» مراجعه شود) ...

بنابراین برخی دارایی‌های دیجیتال و ارزش‌های رمزنگاری شده، می‌توانند تعریف موجودی‌ها را احراز کنند و در دامنه‌ی کاربرد استاندارد حسابداری ۸ قرار گیرند؛ هر چند برای موجودی کالای واسطه‌ها/معامله‌گران، روش حسابداری به شرح توضیحاتی که در سؤالات قبل ارائه شد، متفاوت است.

آیا دارایی‌های دیجیتال و ارزش‌های رمزنگاری شده، می‌توانند تعریف ابزارهای مالی را احراز کنند؟

برخی از دارایی‌های دیجیتال و ارزش‌های رمزنگاری شده، مانند

فراهم شود. لازم به ذکر است که چارچوب سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری بانک مرکزی در حوزه‌ی رم‌پول‌ها در قالب ۱۹ بند کلی در آذرماه سال جاری به تصویب رسیده که هرچند الزامات، دستورالعمل‌ها و شیوه‌نامه‌های عملیاتی و اجرایی آن همچنان به تصویب نرسیده ولی نویددهنده‌ی بستر اولیه‌ای برای حرکت به نظم‌دهی و مقررات‌گذاری در این حوزه تلقی می‌شود.

ولی به هر تقدیر و تا رسیدن به شرایط مطلوب می‌توان راهکارهای میانی را در حرفه‌ی حسابداری و حسابرسی تدبیر کرد. از آن جمله تدوین دستورالعمل‌ها و شیوه‌نامه‌های داخلی (در زمینه‌های مختلف از جمله ارزیابی و گزارشگری دارایی‌های دیجیتال)، آموزش و به‌روزرسانی مهارت‌ها (برگزاری دوره‌های کارگاهی تخصصی برای آشنایی حسابداران و حسابرسان با فناوری‌های نوظهور مانند بلاک‌چین و ارزهای دیجیتال و انتقال تجربیات مشابه)، همکاری با متخصصان فناوری (در راستای درک بهتر ماهیت و ریسک‌های طبقه‌ی دارایی‌های دیجیتال) تشکیل کارگروه‌های تخصصی (ایجاد کارگروه‌های متشکل از حسابداران، حسابرسان و متخصصان فناوری برای تدوین رویه‌های مناسب و تبادل تجربه و نیل به رویکردی چند منظوره) و استفاده از تجربیات بین‌المللی (بهره‌گیری از تجربیات و دستورالعمل‌های نهادهای بین‌المللی حسابداری در زمینه‌ی دارایی‌های دیجیتال و آشنایی با تجربیات موفق و کاربردی در این زمینه).

محمد سیرانی:

در شرایط کنونی که استانداردهای حسابداری و حسابرسی برای دارایی‌های دیجیتال به‌طور کامل توسعه نیافته‌اند، می‌توان به چندین راهکار برای حل مشکلات حسابداران و حسابرسان این حوزه اشاره کرد:

راهکارهای پیشنهادی

۱. توسعه‌ی چارچوب‌های حسابداری

- ایجاد استانداردهای ملی: نهادهای حسابداری و مالی کشورها می‌توانند اقدام به تدوین استانداردهای خاص برای دارایی‌های دیجیتال کنند. این استانداردها باید شامل روش‌های ارزیابی، ثبت و گزارش‌دهی دارایی‌های دیجیتال باشند.

- مشارکت با نهادهای بین‌المللی: همکاری با نهادهای بین‌المللی مانند IFRS و FASB برای ایجاد استانداردهای جهانی می‌تواند به یکپارچگی و شفافیت در گزارش‌دهی کمک کند.

۲. آموزش و توانمندسازی حسابداران و حسابرسان

- برگزاری دوره‌های آموزشی: نهادهای حرفه‌ای می‌توانند دوره‌های آموزشی ویژه‌ای در زمینه دارایی‌های دیجیتال و بلاک‌چین برگزار کنند تا حسابداران و حسابرسان با مفاهیم و

چالش‌های این حوزه آشنا شوند.

- توسعه‌ی محتوای آموزشی: ایجاد منابع آموزشی آنلاین و کتاب‌های مرجع در زمینه‌ی حسابداری دارایی‌های دیجیتال می‌تواند به افزایش دانش حرفه‌ای کمک کند.

۳. استفاده از فناوری‌های نوین

- ابزارهای نرم‌افزاری: توسعه‌ی نرم‌افزارهای خاص برای حسابداری و مدیریت دارایی‌های دیجیتال می‌تواند به تسهیل فرآیندهای حسابداری و حسابرسی کمک کند.

- تحلیل داده‌ها: استفاده از تحلیل داده‌ها و هوش مصنوعی برای شناسایی الگوها و ریسک‌ها در معاملات دارایی‌های دیجیتال می‌تواند به تصمیم‌گیری بهتر کمک کند.

۴. ایجاد کارگروه‌های تخصصی

- تشکیل کمیته‌های تخصصی: نهادهای حرفه‌ای می‌توانند کارگروه‌هایی را تشکیل دهند که به‌طور خاص بر روی مسائل مربوط به دارایی‌های دیجیتال تمرکز کنند و راهکارهای عملی ارائه دهند.

- تبادل نظر با ذی‌نفعان: برگزاری جلسات و کنفرانس‌ها برای تبادل نظر میان حسابداران، حسابرسان، قانون‌گذاران و سایر ذی‌نفعان می‌تواند به شفافیت و هم‌افزایی کمک کند.

در ایران نیز اقدامات مختلفی در زمینه‌ی مدیریت دارایی‌های دیجیتال صورت گرفته است، اما هنوز چالش‌هایی وجود دارد:

۱. تدوین قوانین و مقررات

- قوانین مربوط به رم‌زارزها: برخی از نهادهای دولتی اقدام به تدوین قوانین مرتبط با رم‌زارزها کرده‌اند، اما این قوانین هنوز نیاز به تکمیل دارند تا بتوانند به‌طور کامل پاسخ‌گوی نیازهای بازار باشند.

۲. برگزاری دوره‌های آموزشی

- آموزش حسابداران: برخی از نهادهای حرفه‌ای در ایران دوره‌های آموزشی در زمینه‌ی دارایی‌های دیجیتال برگزار کرده‌اند، اما تعداد این دوره‌ها محدود است و نیاز به گسترش دارد.

۳. تشکیل کارگروه‌ها

- تشکیل کمیته‌های تخصصی: برخی نهادها اقدام به تشکیل کمیته‌هایی برای بررسی مسائل مرتبط با دارایی‌های دیجیتال کرده‌اند، اما هنوز نیاز به فعالیت بیشتر در این زمینه وجود دارد.

در نهایت، نیاز است که نهادهای حرفه‌ای، دولت‌ها و دانشگاه‌ها همکاری بیشتری در زمینه‌ی توسعه‌ی استانداردها، آموزش و پژوهش در حوزه دارایی‌های دیجیتال داشته باشند تا بتوانند به نیازهای ذی‌نفعان پاسخ دهند و چالش‌های موجود را کاهش دهند. با توجه به سرعت تغییرات در این حوزه، تطابق با تحولات جدید و ایجاد زیرساخت‌های مناسب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

دولت‌ها و نهادهای ناظر رویکردهای متفاوتی در امر نظارت بر دارایی‌های دیجیتال دنبال کرده‌اند و در طول زمان شاهد تغییراتی در رویکرد آن‌ها بوده‌ایم و به نظر می‌رسد هنوز در این زمینه شاهد مقررات منسجمی نیستیم. برای مثال، لوکزامبورگ با معرفی اولین صرافی بیت‌کوین دارای مجوز ملی، تا حدی تلاش کرده است تا استفاده از دارایی‌های دیجیتال را تشویق کند. در مقابل، در هند، یک کمیته‌ی بین‌وزارتی در مقطعی پیشنهاد جرم‌انگاری معامله با ارزهای دیجیتال خصوصی را داشته است. مقررات نظارتی کنونی در ایران تا چه حد در تنظیم بازار دارایی‌های دیجیتال موفق بوده است؟ چه ضعف‌هایی در این زمینه مشهود است؟

◀ الهام حمیدی:

نظارت بر دارایی‌های دیجیتال در ایران با چالش‌ها و فرصت‌های متعددی همراه بوده است. در حال حاضر، مقررات نظارتی در ایران به‌طور کلی بر دو محور اصلی متمرکز است: (الف) مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم و (ب) تنظیم فعالیت‌های مرتبط با ارزهای دیجیتال. با وجود این، مقررات مزبور هنوز به بلوغ کامل نرسیده و نکات زیر در این خصوص، قابل توجه و بررسی است:

در ایران، به‌طور رسمی وجود و اهمیت ارزهای دیجیتال پذیرفته شده و تلاش بر این بوده است که چارچوب‌هایی برای تنظیم بازار ارزهای دیجیتال ایجاد شود.

از نظر سوابق مقرراتی مرتبط با رمزارزها، باید اشاره کنم که بانک مرکزی در سال ۱۳۹۶، به‌طور رسمی همه‌ی مؤسسات مالی را از کار با ارزهای دیجیتال منع کرد. بانک مرکزی در سال ۹۷، طی یک اعلامیه‌ی رسمی، خرید و فروش بیت‌کوین در ایران را ممنوع اعلام کرد. همچنین، بر اساس اطلاعیه‌ی بانک مرکزی در سال ۱۳۹۸، تشکیل و فعالیت اشخاص برای ایجاد و اداره‌ی شبکه‌ی پولی و پرداخت مبتنی بر فناوری زنجیره‌ی بلوک، از نظر این بانک، غیرمجاز محسوب شد و بانک مرکزی حق پیگرد قانونی اشخاصی که با نادیده گرفتن مقررات، شبکه‌ای ایجاد و آن را تبلیغ می‌کردند را برای خود محفوظ می‌داند. اما در سال ۲۰۱۹ باتوجه به مشکلاتی که به دلیل تحریم‌ها ایجاد شد، دولت شروع به لغو محدودیت‌ها در این زمینه کرد و آیین‌نامه‌ی اجرایی

استخراج فرآورده‌های پردازشی رمزنگاری شده را ابلاغ و مالکیت و استخراج ارز دیجیتال در ایران را با اخذ مجوز از وزارت صمت، قانونی دانست که این اقدام می‌تواند به ایجاد شفافیت و نظارت بر این بخش کمک کند. علی‌رغم این که استخراج ارزهای دیجیتال تا حدی قانونی شده، اما معاملات و استفاده از ارزهای دیجیتال، تاکنون در یک چارچوب مشخص و شفاف قرار نگرفته است که این عدم قطعیت می‌تواند مانع رشد بازار شود. همچنین، به دلیل نبود نظارت کافی، بازار دارایی‌های دیجیتال در ایران مستعد کلاهبرداری و فعالیت‌های غیرقانونی است که به اعتماد عمومی آسیب می‌زند. در مجموع، نبود قوانین شفاف و جامع، وجود ضعف در نظارت و اجرای قوانین و عدم هماهنگی بین نهادهای نظارتی مربوط به دارایی‌های دیجیتال نظیر بانک مرکزی و وزارت صمت از جمله مواردی هستند که زمینه‌ی افزایش ابهام و کاهش اعتماد عمومی به سازوکارهای اجرایی مربوط را ایجاد می‌کنند.

◀ بهروز خدارحمی:

در ایران به‌رغم تلاش‌هایی که صورت گرفته هنوز قانون مشخصی مبنی بر ممنوعیت یا قانونی بودن کامل تراکنش‌های رمزارزها تصویب نشده است. در نتیجه خریدوفروش این نوع ارزهای دیجیتال نه به‌طور قطعی غیرقانونی است و نه این که سازوکار صدور مجوز و نظارت بر آن شفاف و جامع به نظر می‌رسد. البته به دنبال رشد و علاقه‌ی روزافزون کاربران و مبادلات دارایی‌های دیجیتال در ایران، صرافی‌های متعددی هم در این زمینه شروع به کار کرده‌اند. بانک مرکزی نیز دستورالعمل‌هایی برای تأسیس و فعالیت صرافی‌ها دارد.

هر چند در سند سیاست‌گذاری بانک مرکزی در حوزه‌ی رم‌پول‌ها، که اخیراً منتشر شده به مسائلی مثل ریسک تحریم، ممنوعیت پرداخت با رم‌پول، نیاز به مجوز برای نهاد امین (Custodian) و همین‌طور اخذ مجوز برای عرضه‌ی اولیه‌ی رم‌پول اشاره شده، اما این سند هنوز خیلی کلی است و در بخش‌هایی هم به نظر می‌رسد وارد حوزه‌ی نظارتی سازمان بورس شده که خود به ابهام بیشتر دامن زده است. از سوی دیگر سازمان بورس درباره‌ی توکن‌سازی دارایی‌ها در بازار سرمایه جهت‌گیری‌های مثبتی دارد و اخیراً هم رئیس این سازمان گفته به‌زودی شیوه‌نامه‌ای برای آن منتشر خواهد شد. با این حال، چون هنوز تعریف دقیقی از رمزارزها و توکن‌ها در چارچوب قوانین موجود ارائه نشده، نمی‌دانیم این توکن‌ها دقیقاً چه جایگاهی دارند و چه‌طور قرار است از آن‌ها حمایت قانونی صورت پذیرد.

با وجود این که نهادهای مختلفی در ایران همچون بانک مرکزی، سازمان بورس و وزارت صمت هر یک دستورالعمل‌ها یا مصوبه‌هایی در مورد رمزارز و استخراج آن منتشر کرده‌اند، نبود یک قانون جامع و هماهنگ باعث شده بازار تاحدی در ابهام و بلاتکلیفی بماند. برای نمونه مشخص نیست رمزارز



همان‌گونه نبودن نهادهای مختلف، صدور مجوزهای پراکنده و ضعف نظارت بر صرافی‌های غیررسمی، از مهم‌ترین ضعف‌های فعلی در مقررات‌گذاری به‌شمار می‌رود. افزون بر این، چون فرهنگ‌سازی و آموزش عمومی هم در حد کافی صورت نگرفته، بسیاری از مردم بدون آگاهی و دانش فنی و شناخت نسبت به ریسک این‌گونه محصولات وارد بازار می‌شوند و گاه در معرض ریسک بالاتر از محدوده‌ی اشتباهی خود و یا تحمل زیان‌های خارج از انتظار قرار می‌گیرند. بنابراین، کشور برای رسیدن به یک بازار شفاف و سامان‌یافته در حوزه‌ی رمزارزها، نیازمند قانون‌گذاری یکپارچه، تعیین دقیق وظایف نهادهای نظارتی، تعریف شفاف حقوق مالکیت دیجیتال، تدوین مقررات مالیاتی و آموزش گسترده‌ی مردم دارد. تنها در این صورت است که می‌توان از ظرفیت‌های نوین دارایی‌های دیجیتال بهره برد و در عین حال از حقوق فعالان و سرمایه‌گذاران هم محافظت کرد.

◀ محمد سیرانی:

مقررات نظارتی در حوزه‌ی دارایی‌های دیجیتال در ایران، مانند بسیاری از کشورها، هنوز در مراحل ابتدایی خود قرار دارد و با چالش‌های متعددی مواجه است. در این‌جا به بررسی وضعیت کنونی مقررات و نقاط ضعف آن می‌پردازیم:

وضعیت کنونی مقررات نظارتی در ایران

دقیقاً چه ماهیتی دارد: آیا شبیه پول است، یک کالا است، نوعی اوراق بهادار است، یا دارایی جدید (طبقه‌ی جدیدی از دارایی) به حساب می‌آید. همین موضوع باعث می‌شود اختلافاتی درباره‌ی مسئولیت نظارتی، نحوه‌ی صدور مجوز یا حتی پیگیری تخلفات به وجود بیاید. به علاوه، وقتی مالکیت یک دارایی دیجیتال به طور رسمی در قوانین ایران به رسمیت شناخته نشده باشد، اگر کسی قربانی هک یا کلاهبرداری شود، روند پیگیری قضایی‌اش می‌تواند بسیار پیچیده و مبهم باشد. در زمینه‌ی استخراج هم با این‌که وزارت صمت و شرکت توانیر مجوزهایی صادر می‌کنند، اما تعرفه‌های بالا، ممنوعیت‌های مقطعی در زمان کمبود برق و نبود زیرساخت منسجم باعث شده فعالان ماینینگ با نااطمینانی کار کنند و گاهی حتی این صنعت وارد فضای زیرزمینی شود. در حوزه‌ی مالیات هم وضعیت روشنی وجود ندارد: از یک سو دولت می‌تواند بر درآمد حاصل از مبادلات رمزارزی مالیات بگیرد، اما هنوز چارچوب مشخصی برای آن تعیین نشده است. همین خلأ قانونی ممکن است به فرار مالیاتی منجر شود و امکان رصد جریان مالی را برای حاکمیت سخت کند.

با این تفصیل، می‌توان گفت که هرچند گام‌هایی برای نظارت بر دارایی‌های دیجیتال برداشته شده، اما نبود قانون مشخص و جامع، تعریف نشدن صریح و روشن و عاری از ابهام رمزارزها،



• عدم وجود سازوکارهای مناسب برای حمایت از سرمایه‌گذاران در برابر ریسک‌های مرتبط با دارایی‌های دیجیتال، به‌ویژه در شرایطی که بازار دچار نوسانات شدید می‌شود، یکی از نقاط ضعف اصلی است.

۳. کمبود آموزش و آگاهی:

• بسیاری از سرمایه‌گذاران و حتی برخی از نهادهای دولتی هنوز با مفهوم دارایی‌های دیجیتال و فناوری بلاک‌چین آشنا نیستند. این کمبود آگاهی می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های نادرست منجر شود.

۴. عدم همکاری بین نهادها:

• نبود همکاری مؤثر بین نهادهای مختلف دولتی، مانند بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و سایر نهادهای نظارتی، می‌تواند به ایجاد خلأهای قانونی و عدم هماهنگی در سیاست‌گذاری منجر شود.

۵. عدم تطابق با استانداردهای بین‌المللی:

• قوانین موجود در ایران به‌طور کامل با استانداردهای بین‌المللی همخوانی ندارد و این امر می‌تواند مانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی و همکاری‌های بین‌المللی شود.

نتیجه می‌گیریم که به‌طور کلی، مقررات نظارتی کنونی در ایران در تنظیم بازار دارایی‌های دیجیتال موفق نبوده و نیاز به بازنگری و اصلاحات اساسی دارد. برای ایجاد یک محیط امن و شفاف

۱. عدم وجود چارچوب قانونی جامع:

• در حال حاضر، قوانین و مقررات مشخصی برای مدیریت و نظارت بر دارایی‌های دیجیتال وجود ندارد. این امر باعث ایجاد ابهام و عدم شفافیت در بازار می‌شود و سرمایه‌گذاران را در معرض ریسک‌های بالا قرار می‌دهد.

۲. سیاست‌های متناقض:

• دولت ایران در برخی موارد به دنبال تشویق استفاده از فناوری بلاک‌چین و رمزارزها بوده است، اما در عین حال با محدودیت‌هایی در زمینه فعالیت صرافی‌ها و تبادل ارزهای دیجیتال مواجه هستیم. این سیاست‌های متناقض می‌تواند به سردرگمی فعالان بازار منجر شود.

۳. محدودیت‌های عملیاتی:

• برخی از نهادها، مانند بانک مرکزی، محدودیت‌هایی برای استفاده از ارزهای دیجیتال در معاملات تجاری و مالی وضع کرده‌اند که این امر می‌تواند مانع از رشد و توسعه بازار شود. نقاط ضعف مقررات نظارتی

۱. عدم شفافیت:

• نبود قوانین روشن و شفاف باعث می‌شود که فعالان بازار نتوانند به‌طور دقیق بر اساس مقررات عمل کنند و این امر می‌تواند منجر به سوءاستفاده و کلاهبرداری شود.

۲. عدم حمایت از سرمایه‌گذاران:

برای سرمایه‌گذاران و فعالان بازار، لازم است که نهادهای دولتی اقدام به تدوین قوانین جامع، شفاف و هماهنگ کنند. همچنین، آموزش و افزایش آگاهی عمومی درباره‌ی دارایی‌های دیجیتال باید در اولویت قرار گیرد تا بتوان به توسعه پایدار این بازار کمک کرد.

۵

در نهایت، مسئولیت حسابرس برای جمع‌آوری شواهد مربوط به ادعاهای مدیریت در خصوص ارائه‌ی منصفانه صورت‌های مالی، پابرجاست. به‌عنوان جمع‌بندی، ایفای مسئولیت حسابرس در این خصوص چه الزاماتی دارد؟ تشکلهای حرفه‌ای حسابداری و حسابرسی و به‌طور مشخص جامعه‌ی حسابداران چه وظایفی برای یاری به حسابرسان در این خصوص برعهده دارند؟ اگر در همین چارچوب طرح نکات دیگری را نیز برای مخاطبان این بحث لازم می‌دانید این نکات را طرح فرمایید؟

◀ الهام حمیدی:

مسئولیت حسابرس برای جمع‌آوری شواهد مربوط به ادعاهای مدیریت در خصوص ارائه‌ی منصفانه‌ی صورت‌های مالی، یکی از پایه‌های اساسی حسابرسی است. این مسئولیت مستلزم رعایت الزامات و استانداردهای حرفه‌ای است. حسابرس باید استانداردهای حسابرسی مرتبط با جمع‌آوری شواهد حسابرسی را با در نظر گرفتن ماهیت خاص دارایی‌های دیجیتال، شناخت محیط معاملاتی این دارایی‌ها و ریسک‌های متعددی که این دارایی‌ها در معرض آن هستند، رعایت کند. حسابرس باید ادعاهای مدیریت در مورد منصفانه بودن صورت‌های مالی را ارزیابی کند. این امر شامل بررسی صحت و کامل بودن اطلاعات مالی (آشنایی با تحلیل داده‌های بلاک‌چین)، رعایت استانداردهای حسابداری مربوط (تشخیص استاندارد حسابداری مناسب) و انطباق با قوانین و مقررات است. ارزیابی کنترل‌های داخلی مربوط به امنیت سایبری، مدیریت کلیدهای خصوصی، ذخیره‌سازی دارایی‌های دیجیتال و کنترل دسترسی به آن‌ها نیز موضوع بالاهمیتی است که باید با دقت صورت پذیرد.

یکی از مهم‌ترین نقش‌های تشکلهای حرفه‌ای می‌تواند فراهم کردن بستر مناسبی برای برنامه‌های آموزشی باشد، به ویژه درباره‌ی دارایی‌های دیجیتال و ارزهای رمزنگاری‌شده که هیچ بیان صریحی در استانداردهای حسابداری در خصوص آن‌ها وجود

ندارد. این امر موجب توسعه‌ی حرفه‌ای حسابرسان و حسابداران شود. نقش دیگر تشکلهای حرفه‌ای می‌تواند ارائه‌ی خدمات پشتیبانی فنی و مشاوره به حسابرسان باشد تا در مواجهه با چالش‌های پیچیده‌ی حسابرسی از راهنمایی‌های لازم برخوردار شوند.

◀ بهروز خدارحمی:

حسابرسی دارایی‌های دیجیتال، به‌ویژه رمزارزها، توکن‌ها، ان‌اف‌تی‌ها و سایر دارایی‌های مبتنی بر بلاک‌چین، به دلیل نوظهور بودن و پیچیدگی‌های فنی‌شان، با چالش‌های منحصر به فردی مواجه است. نخستین گام در این زمینه، کسب شناخت عمیق از ماهیت این دارایی‌های دیجیتال است. برای نمونه، رمزارزهایی مانند بیت‌کوین و اتریوم به شکلی غیرمتمرکز کار می‌کنند و انتقال مالکیت آن‌ها از طریق کلیدهای خصوصی و عمومی صورت می‌پذیرد. اگر فرد یا شرکتی، کلید خصوصی یک کیف پول را در اختیار داشته باشد، می‌تواند بدون نیاز به تأیید طرف دیگر، وجوه دیجیتال داخل کیف پول را جابه‌جا کند. همین ویژگی غیرمتمرکز و رمزنگاری‌شده، از سویی جذابیت این دارایی‌ها را افزایش داده و از سوی دیگر، خطرهای امنیتی و حقوقی فراوانی پدید آورده است.

آگاهی از زیرساخت فنی و نیز شناخت ریسک‌های بالقوه، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای حسابرسی چنین دارایی‌هایی، به نظر می‌رسد. هر حسابرسی که به حسابرسی دارایی‌های دیجیتال مشغول است، لازم است ابتدا بداند این دارایی‌ها چگونه نگهداری می‌شوند. نگهداری در کیف پول سرد یا وجود این که امنیت بالایی فراهم می‌کند، ممکن است سرعت انتقال یا تسویه را کاهش دهد. در مقابل، کیف پول گرم که به اینترنت متصل است خطر هک یا حملات سایبری را بیشتر می‌کند. صرافی‌های دیجیتالی نیز که به‌عنوان واسطه برای خرید و فروش و نگهداری رمزارز استفاده می‌شوند، نقاط آسیب‌پذیری خاصی دارند. به‌عنوان نمونه در ماجرای ورشکستگی صرافی ژاپنی مت‌گاکس در سال ۲۰۱۴، نگهداری بخش زیادی از بیت‌کوین‌های مشتریان در کیف پول‌های گرم باعث شد هکرها بتوانند میلیون‌ها دلار دارایی را سرقت کنند. همین رخداد به شکل‌گیری پرونده‌های حقوقی پیچیده و ورشکستگی صرافی یادشده انجامید و نشان داد فقدان کنترل‌های داخلی مناسب، می‌تواند چه ابعاد فاجعه‌باری به همراه داشته باشد.

ارزیابی کنترل‌های داخلی در شرکت یا نهادی که دارایی دیجیتال در اختیار دارند جزئی مهم از وظیفه‌ی حسابرس محسوب می‌شود. کنترل داخلی شامل نحوه‌ی تفکیک وظایف، سطح دسترسی پرسنل به کلیدهای خصوصی، روش‌های ثبت و ضبط تراکنش‌ها در دفاتر حسابداری و سازوکارهای مدیریت ریسک امنیتی است. یکی از مصادیق بارز این نیاز ماجرای صرافی

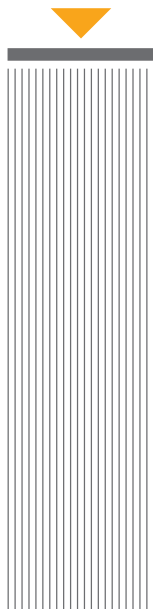
گادریکس در کانادا بود که پس از فوت مدیرعامل و تنها فردی که کلیدهای خصوصی کیف پول‌های اصلی را در اختیار داشت، امکان دسترسی مشتریان به دارایی‌هایشان از بین رفت و عملاً صدها میلیون دلار بلوکه و از چرخه خارج شد. چنین ماجراهایی گواه آن است که حتی در صورت نبود سوءنیت، ناکارآمدی یا عدم وجود سیستم‌های کنترلی کافی می‌تواند موجب زیان‌های قابل توجه و در نهایت ایجاد مسئولیت برای حسابرس در مقام اعتبار دهنده‌ی رعایت اصول کنترلی شود.

یکی از دشوارترین قسمت‌های حسابرسی دارایی‌های دیجیتال، بررسی وجود و مالکیت واقعی آن‌ها است. در حسابرسی سنتی ممکن است از تأییدیه‌ی بانک یا اوراق مالکیت استفاده شود؛ اما در فضای بلاک‌چین سازوکار متفاوتی حاکم است. حسابرس ناگزیر است از طریق مشاهده‌ی تراکنش‌های ثبت‌شده در بلاک‌چین و نیز ارزیابی آدرس‌های کیف پول، به وجود واقعی دارایی پی ببرد. در عین حال تنها مشاهده‌ی بلاک‌چین کافی نیست، چرا که اگر واحد مورد رسیدگی کلید خصوصی را در اختیار نداشته باشد، عملاً کنترلی بر آن دارایی ندارد. بنابراین حسابرس در برخی موارد از شرکت می‌خواهد با یک تراکنش آزمایشی یا امضای دیجیتال پیام، مالکیت حقیقی خود را اثبات کند. چنین رویکردی به‌ویژه در شرکت‌هایی که حجم قابل توجهی از بیت‌کوین یا سایر رمزارزها را در ترازنامه نگهداری می‌کنند رایج است.

ارزش‌گذاری این دارایی‌ها بخش دیگری از چالش‌های حسابرسی به شمار می‌آید. تاکنون استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی (IFRS) دستورالعمل خاصی را صرفاً برای دارایی‌های دیجیتال پیشنهاد نداده است و بیشتر بر اساس استانداردهای موجود و مشابه قبلی عمل می‌شود. در عمل بسیاری از واحدهای تجاری رمزارزها را طبق استاندارد IAS 38 تحت عنوان دارایی نامشهود گزارش می‌کنند. هرچند در برخی شرایط اگر شرکت صرفاً به قصد معامله و فروش کوتاه‌مدت این دارایی‌ها را نگاه دارد، ممکن است از استاندارد موجودی کالا (IAS 2) استفاده شود. روش ارزش منصفانه نیز اغلب مطابق IFRS 13 دنبال می‌شود ولی ویژگی‌هایی نظیر نوسان شدید قیمت و تعدد صرافی‌های مختلف با قیمت‌های متفاوت، دقت تعیین ارزش منصفانه را کاهش می‌دهد. این چالش در استاندارد (GAPP آمریکایی) نیز مطرح است، تا همین اواخر FASB رمزارزها را به‌عنوان دارایی نامشهود شناسایی می‌کرد و شرکت‌ها ناچار بودند در صورت کاهش بلندمدت قیمت، هزینه‌ی کاهش ارزش را ثبت کنند؛ اما اگر ارزش‌شان دوباره افزایش می‌یافت، امکان برگشت آن کاهش ارزش به‌سادگی وجود نداشت. این روش انتقادهای متعددی را برانگیخت؛ به همین دلیل، اصلاحاتی در حال انجام است تا ارائه‌ی صورت‌های مالی واقع‌بینانه‌تر شود. ارائه و افشای اطلاعات مربوط به دارایی‌های دیجیتال نیز بایستی به شکلی شفاف صورت گیرد تا ذی‌نفعان ریسک‌های

ناشی از نگهداری و معامله‌ی این دارایی‌ها را درک کنند. برای نمونه اگر یک واحد تجاری در کنار خریدوفروش رمزارز به فعالیت استخراج نیز اشتغال داشته باشد، باید اطلاعات مربوط به هزینه‌های برق، استهلاک تجهیزات، استهلاک محل، میزان دارایی‌های تولیدشده و نرخ برآوردی آن‌ها را به‌وضوح در یادداشت‌های صورت‌های مالی توضیح دهد. همچنین در صورت‌هایی که فعالیت‌های سفته‌بازانه یا سفارشی‌سازی توکن‌ها (مانند ان اف تی آثار هنری) وجود دارد، شیوه‌ی قراردادهای مدیریت ریسک قیمت یا نگهداری هم باید مشخص شود. در این زمینه انجمن‌های حرفه‌ای حسابداری و حسابرسی در برخی کشورها رهنمودهایی منتشر کرده‌اند که حسابرسان را به شناسایی و افشای ریسک‌های متفاوتی نظیر تلاطم‌های شدید قیمتی، ریسک‌های امنیتی و ریسک پول‌شویی متعهد می‌کند. به موازات این الزامات، تشکلهای حرفه‌ای حسابداری و حسابرسی مانند جامعه‌ی حسابداران رسمی وظایف مهمی در تهیه‌ی دستورالعمل‌ها و آموزش‌های تخصصی بر عهده دارند. جامعه‌ی حسابداران رسمی می‌تواند با تشکیل کارگروه‌های مشترک از میان متخصصان بلاک‌چین، فناوری و کارشناسان حسابداری، رهنمودهای بومی ارائه دهد و به حسابرسان بیاموزند که در مواردی مانند اثبات مالکیت یا ارزش‌گذاری چگونه عمل کنند. علاوه بر این برگزاری کارگاه‌های آموزشی دربارۀ نحوه‌ی مدیریت کلیدهای خصوصی، شیوه‌های امنیت سایبری، آشنایی با زیرساخت‌های صرافی‌ها و همچنین ترفندهای بررسی تراکنش‌های بلاک‌چینی باعث ارتقای توان عملیاتی حسابرسان می‌شود. رویدادهایی نظیر هک شدن صرافی‌ها یا پروژه‌های دی‌فای و خسارت‌های میلیاردی مشتریان اهمیت تسلط حسابرس بر سازوکارهای امنیت دیجیتال را بیش از پیش نمایان می‌سازد. به بیان خلاصه، با توجه به سرعت بالای تحولات در حوزه‌ی فناوری بلاک‌چین، نوسان شدید قیمت رمزارزها و ریسک‌هایی همچون هک، پول‌شویی و سرقت کلیدهای خصوصی، حسابرسان لازم است روش‌های سنتی حسابرسی را بازنگری کنند و سازوکارهای جدیدی برای گردآوری شواهد معتبر به کار گیرند. تشکلهای حرفه‌ای نیز باید به‌طور مداوم با استانداردها و گذاران بین‌المللی در ارتباط باشند، تجربه‌های جهانی را بررسی کنند و براساس واقعیت‌های بومی دستورالعمل‌های منسجمی منتشر نمایند. این فرایند تنها به تدوین استاندارد محدود نمی‌شود، بلکه آموزش مستمر، تهیه‌ی ابزارهای عملی برای راستی‌آزمایی تراکنش‌های بلاک‌چینی و ایجاد کانال‌های مشاوره‌ی تخصصی نیز در این مسیر ضروری است.

در نهایت آنچه اهمیت دارد ایفای صحیح مسئولیت حسابرس در قبال ذی‌نفعانی است که به گزارش‌های مالی اتکا می‌کنند. حسابرس باید بتواند با تکیه بر دانش فنی و مقررات حرفه‌ای، وجود و مالکیت دارایی‌های دیجیتال را احراز





شامل مستندات، مصاحبه‌ها و بررسی‌های میدانی باشد.

۲. ارزیابی ریسک:

- حسابرس باید ریسک‌های مرتبط با صورت‌های مالی را شناسایی و ارزیابی کند. این شامل ریسک‌های ذاتی و ریسک‌های کنترلی است که ممکن است بر روی صحت صورت‌های مالی تأثیر بگذارد.

۳. استفاده از رویه‌های حسابرسی مناسب:

- انتخاب رویه‌های حسابرسی متناسب با شرایط خاص شرکت و نوع فعالیت‌های آن ضروری است. این رویه‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که بتوانند شواهد کافی را برای ارزیابی ادعاهای مدیریت فراهم کنند.

۴. مستندسازی:

- حسابرس باید تمامی مراحل و شواهد جمع‌آوری شده را مستند کند. این مستندسازی نه تنها برای ارزیابی کیفیت کار حسابرس مهم است، بلکه به عنوان یک منبع مرجع برای بررسی‌های آینده نیز مفید خواهد بود.

۵. نظارت و ارزیابی مستقل:

- به منظور افزایش اعتبار گزارش حسابرسی، نظارت و ارزیابی مستقل بر روی فرآیند حسابرسی و نتایج آن اهمیت دارد. همچنین وظایف تشکلی‌های حرفه‌ای حسابداری و حسابرسی را می‌توان چنین برشمرد:

کند، ارزش‌گذاری منصفانه و ارائه‌ی شفاف را بررسی نماید و درباره‌ی کفایت کنترل‌های داخلی اظهارنظر کند. نبود چنین رویکرد دقیقی می‌تواند زمینه‌ساز تخلفات، کلاهبرداری‌ها یا همراه شدن استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی باشد. ازاین‌رو ارتقای آگاهی حرفه‌ای و همراهی تشکلی‌های تخصصی در نهایت به نفع شفافیت و اعتماد در بازارهای مالی است و سبب می‌شود ظرفیت‌های بالقوه‌ی داری‌های دیجیتال در چارچوبی قابل‌اتکا و منصفانه شکوفا شوند.

محمد سیرانی:

مسئولیت حسابرس برای جمع‌آوری شواهد مربوط به ادعاهای مدیریت در خصوص ارائه‌ی منصفانه صورت‌های مالی، یکی از جنبه‌های کلیدی در فرآیند حسابرسی است. این مسئولیت نیازمند رعایت الزامات خاصی است که می‌تواند به بهبود کیفیت حسابرسی و افزایش اعتماد به نتایج آن کمک کند. در ادامه، الزامات ایفای مسئولیت حسابرس و وظایف تشکلی‌های حرفه‌ای حسابداری و حسابرسی را بررسی می‌کنیم.

الزامات ایفای مسئولیت حسابرس

۱. جمع‌آوری شواهد کافی و مناسب:

- حسابرس باید شواهد کافی و مناسب برای حمایت از نظر خود نسبت به صورت‌های مالی جمع‌آوری کند. این شواهد باید



۱. تدوین استانداردهای حرفه‌ای:

- تشکیل‌های حرفه‌ای باید استانداردهای لازم برای انجام حسابرسی و جمع‌آوری شواهد را تدوین کنند. این استانداردها باید به‌روز و متناسب با تغییرات بازار و فناوری باشند.
- ۲. آموزش و توسعه‌ی حرفه‌ای:
- ارائه‌ی دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های عملی برای حسابرسان به منظور افزایش دانش و مهارت‌های آنان در جمع‌آوری شواهد و انجام حسابرسی‌های مؤثر.
- ۳. ترویج اخلاق حرفه‌ای:
- تشویق اعضا به رعایت اصول اخلاقی و حرفه‌ای در انجام حسابرسی و جمع‌آوری شواهد، به‌ویژه در مواجهه با فشارهای مدیریتی یا تجاری.
- ۴. پشتیبانی از تحقیق و توسعه:
- حمایت از تحقیقات علمی و کاربردی در حوزه‌ی حسابرسی و جمع‌آوری شواهد، به‌ویژه در زمینه‌های نوظهور مانند فناوری بلاک‌چین و هوش مصنوعی.
- ۵. ایجاد شبکه‌های همکاری:
- ایجاد شبکه‌هایی برای تبادل تجربیات و بهترین شیوه‌ها بین

حسابرسان، که می‌تواند به ارتقاء کیفیت کار آن‌ها کمک کند.

در پایان باید به نکات اضافی زیر اشاره داشت:

- توجه به فناوری‌های نوین: با توجه به پیشرفت فناوری، حسابرسان باید آگاهی بیشتری نسبت به ابزارها و نرم‌افزارهای جدید داشته باشند که می‌تواند به جمع‌آوری شواهد کمک کند.
- گزارش‌دهی شفاف: اهمیت گزارش‌دهی شفاف و دقیق در نتایج حسابرسی، که می‌تواند اعتماد عمومی را افزایش دهد.
- تعامل با مدیریت: ایجاد یک رابطه‌ی سازنده و تعامل مثبت با مدیریت شرکت، که می‌تواند به تسهیل فرآیند جمع‌آوری شواهد کمک کند.
- پاسخ‌گویی به انتقادات: آماده بودن برای پاسخ‌گویی به انتقادات و سؤالات در خصوص فرآیند حسابرسی و نتایج آن، که می‌تواند به افزایش اعتبار گزارش کمک کند.
- در نهایت، ایفای مسئولیت حسابرس در جمع‌آوری شواهد مرتبط با ادعاهای مدیریت نیازمند رعایت الزامات دقیق و همکاری نزدیک با تشکیل‌های حرفه‌ای است تا بتواند کیفیت و اعتبار فرآیند حسابرسی را تضمین کند.

۱. Staking

۲. Token omics

۳. Comparable Analysis

پی‌نوشت‌ها:

1. Staking

2. Token omics

3. Comparable Analysis

ارزشگذاری رمز ارزها یا دارایی‌های رمزنگاری شده

بهروز خدارحمی

مقدمه

در دهه‌ی گذشته، ظهور بازار دارایی‌های رمزنگاری شده یکی از مهم‌ترین پدیده‌های مالی بوده است. ارزش بازار کل دارایی‌های رمزنگاری شده از ۷۹۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ به حدود ۳/۵ تریلیون دلار در فوریه سال ۲۰۲۵ افزایش یافته است. این گزارش به بررسی روش‌های ارزش گذاری دارایی‌های رمزنگاری شده می‌پردازد که در حال توسعه یا استفاده در صنعت هستند.

کسب می‌کند و از مدل تنزیل جریان نقدی (DCF) برای ارزش گذاری استفاده می‌شود.

فرض کنید شما یک پلتفرم قرارداد هوشمند دارید که مثل یک بازار دیجیتال عمل می‌کند. در این بازار، کاربران می‌توانند تراکنش‌های مختلفی انجام دهند، مثلاً خرید و فروش کالا یا خدمات. برای هر تراکنش، پلتفرم شما یک کارمزد کوچک دریافت می‌کند. این کارمزدها درآمد اصلی پلتفرم شما را تشکیل می‌دهند.

مثال عددی ساده:

درآمد سالانه: فرض کنید پلتفرم شما در سال اول ۱۰۰,۰۰۰ تراکنش انجام می‌دهد و برای هر تراکنش ۱ دلار کارمزد دریافت می‌کند. بنابراین، درآمد سالانه‌ی شما ۱۰۰,۰۰۰ دلار خواهد بود.

رشد درآمد: اگر پلتفرم شما در حال رشد باشد، ممکن است در سال دوم تعداد تراکنش‌ها به ۱۵۰,۰۰۰ برسد و درآمد شما به ۱۵۰,۰۰۰ دلار افزایش یابد.

هزینه‌ها: طبیعی است که پلتفرم شما هزینه‌هایی هم دارد، مثل هزینه‌های سرور، توسعه‌ی نرم‌افزار و حقوق کارمندان. فرض کنید این هزینه‌ها سالانه ۵۰,۰۰۰ دلار باشد.

سود خالص: اگر درآمد سالانه شما ۱۰۰,۰۰۰ دلار و هزینه‌ها ۵۰,۰۰۰ دلار باشد، طبیعتاً سود خالص شما ۵۰,۰۰۰ دلار خواهد بود.

ارزش گذاری با مدل تنزیل جریان نقدی (DCF):

حالا می‌خواهیم ببینیم این پلتفرم چقدر ارزش دارد. اگر برای این کار

انواع دارایی‌های رمزنگاری شده

سه نوع اصلی دارایی‌های رمزنگاری شده که در این گزارش بررسی می‌شوند عبارتند از:

- (۱) **پلتفرم‌های قرارداد هوشمند:** بلاک‌چین‌هایی که امکان اجرای برنامه‌های غیرمتمرکز را فراهم می‌کنند. مانند اتریوم و سولانا.
- (۲) **برنامه‌های غیرمتمرکز:** برنامه‌هایی که روی پلتفرم‌های قرارداد هوشمند اجرا می‌شوند و خدمات مالی غیرمتمرکز ارائه می‌دهند. مانند یونی سواپ.

(۳) **بیت‌کوین:** بزرگ‌ترین دارایی رمزنگاری شده از نظر ارزش بازار.

روش‌های ارزش گذاری پلتفرم‌های قرارداد هوشمند

دو دیدگاه اصلی برای ارزش گذاری پلتفرم‌های قرارداد هوشمند وجود دارد:

- (۱) **دیدگاه جریان نقدی:** در این دیدگاه، پلتفرم به‌عنوان یک کسب‌وکار در نظر گرفته می‌شود که از طریق کارمزد تراکنش‌ها درآمد

از مدل دی سی اف (تنزیل جریان نقدی) استفاده کنیم. این مدل می گوید ارزش یک کسبوکار برابر است با مجموع ارزش فعلی سودهای آتی. پیش بینی سودهای آینده: فرض کنید برآورد می کنید پلتفرم شما در پنج سال آینده سودهای ۵۰، ۶۰، ۷۰، ۸۰، ۹۰ و ۱۰۰ هزار دلار را داشته باشد.

برای تنزیل جریان نقد آتی از فرمول زیر استفاده می کنیم:

$$PV = \sum_{t=1}^T \frac{CF_t}{(1+r)^t} + \frac{TV}{(1+r)^T}$$

که در آن

CF_t : جریان نقدی در زمان t

r : نرخ تنزیل

PV : ارزش فعلی

TV : ارزش نهایی^۱

تنزیل سودها: تنها با هدف سادگی محاسبات نرخ تنزیل را ۱۰ درصد فرض می کنیم:

$$\frac{50,000}{(0,1+1)^1} = 45,455 \text{ دلار اول: سود سال اول}$$

$$\frac{60,000}{(0,1+1)^2} = 49,587 \text{ دلار دوم: سود سال دوم}$$

$$\frac{70,000}{(0,1+1)^3} = 52,592 \text{ دلار سوم: سود سال سوم}$$

$$\frac{80,000}{(0,1+1)^4} = 54,641 \text{ دلار چهارم: سود سال چهارم}$$

$$\frac{90,000}{(0,1+1)^5} = 55,883 \text{ دلار پنجم: سود سال پنجم}$$

ارزش نهایی برای سال ششم می تواند از نسبت $\frac{EV}{EBITDA}$ برای صنعت مشابه استخراج گردد. در این جا مقدار آن را ۵ در نظر می گیریم و وجه نقد سال ششم را در آن ضرب کرده و تنزیل می کنیم.

$$\frac{5 \times 100,000}{(0,1+1)^6} = 282,237 \text{ دلار ششم: ارزش نهایی سال ششم}$$

تجميع سودهای تنزیل شده: اگر این اعداد را جمع کنیم، ارزش امروز پلتفرم شما حدود ۵۴۰،۳۹۴ دلار خواهد بود.

این عدد نشان می دهد که پلتفرم شما با توجه به سودهای آینده ای که برآورد می کنید تولید کند، امروز حدود ۵۴۰،۳۹۴ دلار ارزش دارد، به این ترتیب، دیدگاه جریان نقدی به ما کمک می کند تا با نگاه به درآمدها و سودهای آتی، ارزش یک پلتفرم قرارداد هوشمند را محاسبه کنیم. همچنین می توان از مدل رشد گوردون استفاده و فرض کرد که جریان های نقدی سال ششم به بعد با یک نرخ ثابت رشد خواهند کرد.

(۲) دیدگاه شبکه: در این دیدگاه، پلتفرم به عنوان یک شبکه در نظر گرفته می شود که ارزش آن بر اساس تعداد کاربران و فعالیت شبکه تعیین

می شود و از معیارهایی مانند تعداد آدرس های فعال (تعداد کاربرانی که در شبکه فعالیت می کنند) و ارزش قفل شده ی کل (TVL) (مقدار دارایی هایی که کاربران در پلتفرم نگهداری می کنند) برای ارزش گذاری استفاده می شود.

مثال عددی ساده:

فرض کنید شما یک پلتفرم قرارداد هوشمند دارید که کاربران می توانند در آن سرمایه گذاری کنند یا از خدمات آن استفاده کنند. ارزش این پلتفرم به تعداد کاربران و مقدار دارایی هایی که در آن قفل شده است، بستگی دارد.

تعداد آدرس های فعال:

• فرض کنید در ماه اول، ۱۰۰۰ کاربر در پلتفرم شما فعالیت می کنند. این کاربران تراکنش هایی مانند انتقال پول، خرید یا فروش انجام می دهند.

• در ماه دوم، تعداد کاربران به ۱۵۰۰ نفر افزایش می یابد. این رشد نشان می دهد که پلتفرم شما در حال محبوب تر شدن است. هرچه تعداد کاربران بیشتر باشد، شبکه قوی تر و ارزشمندتر می شود، چون فعالیت های بیشتری در آن انجام می شود.

ارزش قفل شده کل (TVL):

• فرض کنید در ماه اول، کاربران شما مجموعاً ۱ میلیون دلار در پلتفرم قفل (نگهداری) می کنند. این پول می تواند برای سرمایه گذاری، وام دهی یا سایر خدمات استفاده شود.

• و در ماه دوم، این مقدار به ۲ میلیون دلار افزایش می یابد. این نشان می دهد که کاربران به پلتفرم شما اعتماد بیشتری دارند و دارایی های بیشتری را در آن قرار می دهند.

بدیهی است هرچه کاربران بیشتری در شبکه فعالیت کنند، پلتفرم شما شلوغ و پررونق تر می شود. این باعث می شود پلتفرم شما برای سرمایه گذاران و کاربران جدید جذاب تر شود همچنین هرچه دارایی های بیشتری در پلتفرم قفل یا نگهداری شود، نشان دهنده اعتماد کاربران و پتانسیل درآمدزایی بیشتر برای پلتفرم است و اگر پلتفرم شما از این دارایی ها کارمزد دریافت کند، درآمد بیشتری خواهد داشت.

حال برای سادگی فرض کنید یک پلتفرم رقیب دارید که ۵۰۰۰ کاربر فعال و ۱۰ میلیون دلار TVL دارد و در مقابل، پلتفرم شما ۱۵۰۰ کاربر فعال و ۲ میلیون دلار TVL دارد. اگر پلتفرم رقیب ۱۰۰ میلیون دلار ارزش گذاری شده باشد، می توانید از نسبت ها برای تخمین ارزش پلتفرم خود استفاده کنید:

$$\text{نسبت کاربران: } \frac{1500}{5000} = 0.3$$

$$\text{نسبت ارزش قفل شده: } \frac{2}{10} = 0.2$$

اگر از میانگین این نسبت ها استفاده کنیم، می توانید تخمین بزنید که ارزش پلتفرم شما حدود ۲۵ درصد ارزش پلتفرم رقیب، یعنی ۲۵



این نسبت نشان می‌دهد که ارزش بازار یک پلتفرم نسبت به مجموع دارایی‌هایی که در آن قفل شده است (TVL)، به چه میزان بزرگ‌تر یا کوچک‌تر است. به عنوان مثال

- پلتفرم الف: ارزش بازار = ۱۰۰ میلیون دلار، تی‌وی‌ال = ۵۰ میلیون دلار

$$\frac{100}{50} = 2 \text{ نسبت ارزش بازار به تی‌وی‌ال: } 2$$

- پلتفرم ب: ارزش بازار = ۱۵۰ میلیون دلار، تی‌وی‌ال = ۱۰۰ میلیون دلار

$$\frac{150}{100} = 1.5 \text{ نسبت ارزش بازار به تی‌وی‌ال: } 1.5$$

نسبت کمتر به منزله‌ی پلتفرم ارزان‌تر یا جذاب‌تر باشد، چون ارزش بازار آن نسبت به دارایی‌های قفل‌شده کمتر است (در این‌جا به جهت نسبت کمتر، پلتفرم ب نسبت به پلتفرم الف جذابیتی بیشتری دارد)

۲) نسبت قیمت به کارمزد (P/F):

این نسبت نشان می‌دهد که قیمت توکن یا سهام پلتفرم چقدر نسبت به کارمزدهایی که پلتفرم از تراکنش‌ها کسب می‌کند، گران یا ارزان‌تر است به عنوان مثال:

- پلتفرم الف: قیمت توکن = ۱۰ دلار، کارمزد سالانه = ۲ دلار

$$\frac{10}{2} = 5 \text{ نسبت قیمت به کارمزد: } 5$$

- پلتفرم ب: قیمت توکن = ۲۰ دلار، کارمزد سالانه = ۵ دلار

میلیون دلار خواهد بود.

همان‌طور که مشاهده شد در دیدگاه شبکه، ارزش یک پلتفرم قرارداد هوشمند به تعداد کاربران فعال و مقدار دارایی‌هایی که در آن قفل شده است (TVL) بستگی دارد. هرچه این دو شاخص بیشتر باشند، شبکه قوی‌تر و ارزشمندتر خواهد بود. این روش به‌خصوص برای پلتفرم‌هایی که بر اساس مشارکت کاربران رشد می‌کنند، بسیار مفید است.

همچنین می‌توان نسبت حجم معاملات و جامع توسعه‌دهندگان را نیز مانند کاربران فعال و TVL در ارزش‌گذاری لحاظ کرد. باید توجه داشت که به دلایلی چون قیمت توکن‌ها، TVL می‌تواند نسبت به پلتفرم‌های رقیب مهاجرت نماید. مواردی چون پایداری شبکه و سرعت تراکنش‌ها نیز در جذب کاربران موثر هستند.

تحلیل نسبی

روش تحلیل نسبی رویکردی ساده و کاربردی برای مقایسه پلتفرم‌های قرارداد هوشمند یا حتی پلتفرم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی است. در این روش ابتدا مجموعه‌ای از معیارهای کلیدی انتخاب می‌شود و سپس مقدار هر یک از این معیارها برای پلتفرم‌های مختلف محاسبه یا برآورد می‌گردد. در نهایت با مقایسه‌ی این معیارها، می‌توان درباره ارزش نسبی هر پلتفرم قضاوت کرد. برخی از مهم‌ترین معیارها عبارت‌اند از:

- نسبت ارزش بازار به TVL
- نسبت قیمت به کارمزد (P/F)
- تعداد آدرس‌های فعال
- تعداد توسعه‌دهندگان
- نرخ تورم توکن
- ظرفیت تراکنش در ثانیه

۱) نسبت ارزش بازار به ارزش قفل‌شده کل (TVL):



$$\frac{20}{5} = 4 = \text{نسبت قیمت به کارمزد: } 4$$

در این جا هم نسبت کمتر به معنی ارزان تر پلتفرم خواهد بود (یعنی پلتفرم مثالی ب ارزنده تر از الف تلقی می شود)، چون قیمت توکن آن نسبت به درآمد حاصل از کارمزدها پایین تر است.

(۳) تعداد آدرس های فعال:

این معیار نشان می دهد که چند کاربر در پلتفرم فعالیت می کنند. بدیهی است هرچه تعداد کاربران بیشتر باشد، شبکه قوی تر و ارزشمندتر خواهد بود. به عنوان مثال:

- پلتفرم الف: ۱۰,۰۰۰ آدرس فعال در ماه
- پلتفرم ب: ۵,۰۰۰ آدرس فعال در ماه

با این شاخص پلتفرم الف به جهت تعداد کاربر بیشتری و نیز فعالیت شبکه بیشتر، ارزشمندتر تلقی می شود.

(۴) تعداد توسعه دهندگان:

این معیار نشان می دهد که چند نفر روی پلتفرم کار می کنند. بدیهی است هرچه تعداد توسعه دهندگان بیشتر باشد، پلتفرم احتمالاً پیشرفت مطلوب تری خواهد داشت به عنوان مثال:

- پلتفرم الف: ۵۰ توسعه دهنده
- پلتفرم ب: ۲۰ توسعه دهنده

با این شاخص پلتفرم الف به دلیل تیم بزرگتری که دارد و احتمالاً نوآوری های بیشتری که ارائه می دهد، ارزشمندتر تلقی می شود.

تعداد توسعه دهندگان و آدرس های فعال می تواند در بلندمدت روی ارزش پلتفرم تأثیر چشم گیری داشته باشد؛ زیرا پروژه های کریپتویی اغلب بر پایه ی اکوسیستم های قوی از برنامه های غیرمتمرکز (dApps) شکل می گیرند.

(۵) نرخ تورم توکن:

این معیار نشان می دهد که عرضه ی توکن پلتفرم چقدر در حال افزایش است که اگر نرخ این تورم بالا باشد، احتمال کاهش ارزش این توکن بیشتر خواهد بود. به عنوان مثال:

- پلتفرم الف: نرخ تورم سالانه = ۵ درصد
- پلتفرم ب: نرخ تورم سالانه = ۱۰ درصد

پلتفرم الف به جهت این که عرضه ی توکن آن، با سرعت کمتری افزایش می یابد و احتمالاً ارزش توکن آن، بهتر حفظ می شود ارزنده تر تلقی می شود.

در برخی پلتفرم ها، توکن سوزی^۲ یا مکانیسم های کاهش عرضه ی توکن وجود دارد که می تواند تورم واقعی توکن را کمتر از مقدار اسمی نشان دهد. به این مورد در ارزیابی نرخ تورم باید توجه کرد.

(۶) ظرفیت تراکنش در ثانیه:

این معیار نشان می دهد که پلتفرم چقدر می تواند تراکنش ها را سریع تر پردازش کند. بدیهی است هرچه این عدد بیشتر باشد، پلتفرم کارآمدتر خواهد بود به عنوان مثال:

- پلتفرم الف: ۱۰۰ تراکنش در ثانیه
- پلتفرم ب: ۵۰ تراکنش در ثانیه

با این شاخص پلتفرم الف به جهت امکان پردازش تراکنش های بیشتر در زمان کمتر ارزشمندتر تلقی می شود.

به صورت خلاصه می توان گفت در تحلیل نسبی، پلتفرم ها را بر اساس معیارهای مختلف با یکدیگر مقایسه می کنیم. مثلاً:

- اگر پلتفرمی نسبت ارزش بازار به TVL کمتری داشته باشد، ارزنده تر خواهد بود.

- اگر پلتفرمی تعداد کاربران فعال بیشتری داشته باشد، شبکه ی قوی تری دارد.

- اگر پلتفرمی نرخ تورم کمتری داشته باشد، ارزش توکن آن بهتر

حفظ می‌شود.

با مقایسه‌ی این معیارهای ساده و کاربردی، می‌توانیم بفهمیم کدام پلتفرم‌ها ارزش سرمایه‌گذاری بیشتری دارند.

لازم به توضیح است که ضروری است معیارها را با هم تفسیر کرد نه به صورت منفرد، به عنوان مثال پلتفرمی که تراکنش در ثانیه‌ی بالایی دارد اما جامعه‌ی توسعه‌دهندگان آن کوچک است، در مقایسه با پروژه‌ای که TPS کمتر اما جامعه‌ی توسعه‌دهنده‌ی بزرگ‌تری دارد، ممکن است در بلندمدت آسیب‌پذیرتر باشد.

در نهایت گاهی پلتفرمی با معیارهای ظاهراً مناسب (TVL بالا، کارمزد خوب، تعداد توسعه‌دهنده‌ی زیاد) ممکن است در معرض ریسک‌های امنیتی یا فشارهای رگولاتوری باشد. بهتر است در کنار معیارهای مالی و فنی، این ریسک‌ها نیز ارزیابی شوند.

قانون مت کالف (Metcalf's Law)

این قانون بیانگر یک مفهوم ساده اما قدرتمند است که می‌گوید ارزش یک شبکه با مربع تعداد کاربران آن رابطه مستقیم دارد. این قانون ابتدا برای شبکه‌های ارتباطی مثل تلفن مطرح شد، اما برخی مطالعات نشان داده‌اند که برای شبکه‌های بلاک‌چین و پلتفرم‌های قرارداد هوشمند نیز کاربرد دارد.

فرض کنید شما یک شبکه مثل یک پلتفرم قرارداد هوشمند دارید. هر چه تعداد کاربران این شبکه بیشتر باشد، ارتباطات و تعاملات بین آن‌ها نیز بیشتر می‌شود. این افزایش تعاملات، ارزش شبکه را به شدت بالا می‌برد. قانون مت کالف می‌گوید ارزش شبکه با مربع تعداد کاربران رشد می‌کند.

پشتوانه‌ی ریاضی ساده

اگر تعداد کاربران یک شبکه n باشد، هر کاربر می‌تواند با $(n-1)$ نفر دیگر ارتباط برقرار کند. در نتیجه تعداد کل تعاملات احتمالی در شبکه تقریباً برابر است با:

$$n \times (n-1)$$

البته در شبکه‌های دوطرفه ممکن است ارتباط دو کاربر را یک تعامل در نظر بگیریم یا دو تعامل؛ بسته به مدل ارتباطی، اما ایده‌ی اصلی تغییر چندانی نمی‌کند. با افزایش نمایی تعداد تعاملات، ارزش شبکه هم رشد چشم‌گیری می‌کند.

مثال عددی ساده:

۱) شبکه‌ی کوچک:

فرض کنید یک پلتفرم قرارداد هوشمند دارید که فقط ۱۰ کاربر دارد.

طبق قانون مت کالف، ارزش شبکه = تعداد کاربران $\times$ تعداد کاربران
 $= 10 \times 10 = 100$ واحد ارزش.

۲) شبکه‌ی بزرگ‌تر:

حالا فرض کنید تعداد کاربران به ۲۰ نفر افزایش یابد.

ارزش شبکه $= 20 \times 20 = 400$ واحد ارزش.

۳) شبکه‌ی خیلی بزرگ:

اگر تعداد کاربران به ۱۰۰ نفر برسد،

ارزش شبکه $= 100 \times 100 = 10,000$ واحد ارزش.

یکی از استدلال‌های پشتوانه‌ی این قانون این است که هر کاربر می‌تواند با سایر کاربران تعامل داشته باشد. مثلاً اگر ۱۰ کاربر داشته باشید، هر کاربر می‌تواند با ۹ کاربر دیگر ارتباط برقرار کند. بنابراین با افزایش تعداد کاربران، تعداد کل ارتباطات احتمالی، به سرعت افزایش می‌یابد:

- در شبکه‌ای با ۱۰ کاربر، تعداد ارتباطات احتمالی $= 10 \times 9 = 90$.
- در شبکه‌ای با ۲۰ کاربر، تعداد ارتباطات احتمالی $= 20 \times 19 = 380$.
- در شبکه‌ای با ۱۰۰ کاربر، تعداد ارتباطات احتمالی $= 100 \times 99 = 9,900$.

بدیهی است که افزایش ارتباطات، ارزش شبکه را به شدت بالا می‌برد به بیانی در دو پلتفرم قرارداد هوشمند، اگر تعداد کاربران پلتفرم ب فقط دو برابر پلتفرم الف باشد، ارزش آن چهار برابر پیش‌بینی می‌شود! باید توجه داشت که برخلاف شبکه‌های تلفنی یا رسانه‌های اجتماعی که صرفاً با ایجاد حساب‌های جدید رشد می‌کنند، شبکه‌های بلاک‌چینی ممکن است به زیرساخت‌های فنی، نرخ کارمزد، سرعت تراکنش و مقیاس‌پذیری هم وابسته باشند. بنابراین رشد تعداد کاربران و رشد ارزش شبکه ممکن است همیشه به صورت دقیق از الگوی n^2 تبعیت نکند. شبکه‌ها معمولاً باید از یک حداقل تعداد کاربر (Critical Mass) عبور کنند تا بتوانند چرخه‌ی فزاینده‌ی جذب کاربر جدید و ایجاد ارزش بیشتر را کلید بزنند. در شبکه‌های بلاک‌چینی، این نقطه عطف می‌تواند زمانی باشد که اکوسیستم از نظر زیرساخت، نقدینگی، یا پذیرش کاربران به حداقل لازم رسیده است.

روش‌های ارزش‌گذاری برنامه‌های غیرمتمرکز مالی (DeFi)

برنامه‌های غیرمتمرکز مالی (DeFi) شامل انواع پروتکل‌ها و خدماتی هستند که در حوزه‌ی ارزش‌های دیجیتال و بلاک‌چین فعالیت می‌کنند؛ از جمله صرافی‌های غیرمتمرکز (DEX)، پروتکل‌های وام‌دهی، بیمه‌ی غیرمتمرکز و پلتفرم‌های مشتقات. دو روش اصلی برای ارزش‌گذاری این دسته از پروژه‌ها عبارت‌اند از: تحلیل نسبی و مدل تنزیل جریان نقدی (DCF).

تحلیل نسبی

تحلیل نسبی یکی از روش‌های اصلی برای ارزش‌گذاری برنامه‌های غیرمتمرکز مالی (DeFi) است. در این روش، نسبت‌های مالی مختلف بین پروژه‌های دیفای DeFi مقایسه می‌شوند تا ارزش آن‌ها تخمین زده شود. نسبت‌های مهم برای مقایسه‌ی برنامه‌های دیفای عبارتند از:

- نسبت ارزش بازار به خالص دارایی‌ها
- نسبت قیمت به فروش (P/S)
- نسبت قیمت به کارمزد (P/F)
- نسبت ارزش بازار به TVL

۱) نسبت ارزش بازار به خالص دارایی‌ها:

این نسبت نشان می‌دهد که ارزش بازار یک پروژه‌ی دی‌فای نسبت به خالص دارایی‌ها به چه میزان بزرگ‌تر یا کوچک‌تر است به عنوان مثال:

- پروژه‌ی الف: ارزش بازار = ۱۰۰ میلیون دلار، خالص دارایی‌ها = ۵۰ میلیون دلار

$$\text{نسبت ارزش بازار به خالص دارایی‌ها: } 2 = \frac{100}{50}$$

- پروژه‌ی ب: ارزش بازار = ۱۵۰ میلیون دلار، خالص دارایی‌ها = ۱۰۰ میلیون دلار

$$\text{نسبت ارزش بازار به خالص دارایی‌ها: } 1.5 = \frac{150}{100}$$

با اتکا به این نسبت پروژه‌ی ب ارزان‌تر یا جذاب‌تر تلقی می‌شود، چون ارزش بازار آن نسبت به خالص دارایی‌های آن کمتر است.

۲) نسبت قیمت به فروش (P/S):

این نسبت نشان می‌دهد که قیمت توکن یا سهام پروژه چقدر نسبت به درآمد فروش آن گران یا ارزان است به‌عنوان مثال:

- پروژه‌ی الف: قیمت توکن = ۱۰ دلار، درآمد فروش سالانه = ۲ دلار

$$\text{نسبت قیمت به فروش: } 5 = \frac{10}{2}$$

- پروژه‌ی ب: قیمت توکن = ۲۰ دلار، درآمد فروش سالانه = ۵ دلار

$$\text{نسبت قیمت به فروش: } 4 = \frac{20}{5}$$

با اتکا به این نسبت نیز پروژه‌ی ب ارزان‌تر یا جذاب‌تر تلقی می‌شود، چون قیمت توکن آن نسبت به درآمد فروش‌اش پایین‌تر است.

۳) نسبت قیمت به کارمزد (P/F):

این نسبت نشان می‌دهد که قیمت توکن یا سهام پروژه در مقایسه با کارمزدهایی که پروژه از تراکنش‌ها کسب می‌کند، چه‌قدر گران یا ارزان است به‌عنوان مثال:

- پروژه‌ی الف: قیمت توکن = ۱۰ دلار، کارمزد سالانه = ۲ دلار

$$\text{نسبت قیمت به کارمزد: } 5 = \frac{10}{2}$$

- پروژه‌ی ب: قیمت توکن = ۲۰ دلار، کارمزد سالانه = ۵ دلار

$$\text{نسبت قیمت به کارمزد: } 4 = \frac{20}{5}$$

با اتکا به این نسبت نیز پروژه‌ی ب ارزان‌تر یا جذاب‌تر تلقی می‌شود، چون قیمت توکن آن نسبت به درآمد کارمزدها پایین‌تر است.

۴) نسبت ارزش بازار به ارزش قفل‌شده‌ی کل (TVL):

این نسبت نشان می‌دهد که ارزش بازار یک پروژه‌ی دی‌فای چقدر نسبت به دارایی‌هایی که در آن قفل شده است (TVL)، بزرگ‌تر یا کوچک‌تر است به‌عنوان مثال:

- پروژه‌ی الف: ارزش بازار = ۱۰۰ میلیون دلار، مجموع دارایی قفل شده = ۵۰ میلیون دلار

$$\text{نسبت ارزش بازار به مجموع دارایی قفل شده: } 2 = \frac{100}{50}$$

- پروژه‌ی ب: ارزش بازار = ۱۵۰ میلیون دلار، مجموع دارایی قفل شده = ۱۰۰ میلیون دلار

$$\text{نسبت ارزش بازار به مجموع دارایی قفل شده: } 1.5 = \frac{150}{100}$$

با اتکا به این نسبت هم پروژه‌ی ب ارزان‌تر یا جذاب‌تر تلقی می‌شود، چون ارزش بازار آن نسبت به دارایی‌های قفل‌شده کمتر است.

به‌عنوان جمع‌بندی در تحلیل نسبی، پروژه‌های دی‌فای را بر اساس نسبت‌های مالی مختلف با یکدیگر مقایسه می‌کنیم و نتیجه می‌گیریم که:

- اگر پروژه‌ای نسبت ارزش بازار به خالص دارایی‌های کمتری داشته باشد، ارزان‌تر برآورد می‌شود.

- اگر پروژه‌ای نسبت قیمت به فروش (P/S) کمتری داشته باشد، جذاب‌تر تلقی می‌شود.

- اگر پروژه‌ای نسبت قیمت به کارمزد (P/F) کمتری داشته باشد، ارزان‌تر برآورد می‌شود.

- اگر پروژه‌ای نسبت ارزش بازار به جمع دارایی قفل‌شده‌ی کمتری داشته باشد، جذاب‌تر تلقی می‌شود.

مدل تنزیل جریان نقدی

مشابه پلت‌فرم‌های قرارداد هوشمند، جریان نقدی است.

مدل تنزیل جریان نقدی (DCF) یک روش رایج برای ارزش‌گذاری برنامه‌های غیرمتمرکز مالی (DeFi) هم است. در این روش، جریان‌های نقدی آتی (شامل درآمد پروتکل یا سهم برنامه از کارمزدها) که یک پروژه‌ی دی‌فای ایجاد می‌کند، پیش‌بینی و سپس به ارزش امروز تبدیل می‌شوند.

مثال عددی ساده:

فرض کنید شما یک پروژه‌ی دی‌فای دارید که یک صرافی غیرمتمرکز است. این صرافی از هر تراکنش کارمزد دریافت می‌کند و سهم پروژه از این کارمزدها درآمد ایجاد می‌کند.

مرحله‌ی ۱: پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی

پیش‌بینی می‌کنید پروژه در سال‌های اول و دوم و سوم و چهارم به ترتیب ۱۰۰ و ۱۵۰ و ۲۰۰ و ۳۰۰ هزار دلار درآمد داشته باشد. برای ضریب ارزش نهایی برای سال چهارم می‌توان از میانگین نسبت $\frac{EV}{EBITDA}$ برای شرکت‌های مشابه (در این جا صرافی‌ها) استفاده کرد. در این مثال مقدار آن را ۵ فرض می‌کنیم.

مرحله‌ی ۲: تنزیل جریان‌های نقدی

برای تبدیل درآمدهای آتی به ارزش امروز، از یک نرخ تنزیل استفاده می‌کنیم. برای سادگی نرخ تنزیل را ۱۰ درصد فرض می‌کنیم:



آن محاسبه می‌کند.

هر کدام از این روش‌ها از زاویه‌ای متفاوت به بیت‌کوین نگاه می‌کنند و می‌تواند درک بهتری از ارزش بالقوه‌ی این دارایی به ما بدهد.

رویکرد بازار قابل دسترس کل (Total Addressable Market - TAM):

در این روش ارزش بالقوه‌ی بیت‌کوین با مقایسه‌ی آن با بازارهای بزرگ و گسترده نظیر طلا یا عرضه‌ی پول (M2) تخمین زده می‌شود. اگر بیت‌کوین بتواند درصد مشخصی از این بازارها را جذب کند، می‌توان گفت مجموع ارزش آن چقدر خواهد شد. به عنوان مثال:

- فرض کنید کل ارزش بازار طلا ۱۰ تریلیون دلار است.
- اگر بیت‌کوین بتواند ۱۰٪ از این بازار را به دست آورد، ارزش آن به این صورت محاسبه می‌شود:

ارزش بیت‌کوین = $10 \times 10\% = 1$ تریلیون دلار.
این روش نشان می‌دهد که اگر بیت‌کوین بخشی از بازار طلا یا سایر دارایی‌های بزرگ را جذب کند، ارزش آن چقدر خواهد بود.
باید توجه داشت که این رویکرد می‌تواند بیش از حد خوش‌بینانه باشد (اگر فرض کنیم بیت‌کوین بتواند سهم بالایی از بازار طلا یا پول نقد را کسب کند).

مدل ذخیره به جریان (Stock-to-Flow - S2F):

این مدل ارزش بیت‌کوین را بر اساس نسبت موجودی فعلی (ذخیره) به تولید سالانه (جریان) محاسبه می‌کند. هرچه این نسبت بالاتر باشد، بیت‌کوین کمیاب‌تر و ارزشمندتر است به عنوان مثال:

- موجودی فعلی بیت‌کوین (ذخیره): ۱۹ میلیون بیت‌کوین
- تولید سالانه (جریان): ۳۲۸,۵۰۰ بیت‌کوین (تقریباً ۹۰۰ بیت‌کوین در روز)

- سال اول:

$$\frac{100,000}{(0,1+1)^1} = 90,909 \text{ دلار}$$

- سال دوم:

$$\frac{150,000}{(0,1+1)^2} = 123,967 \text{ دلار}$$

- سال سوم:

$$\frac{200,000}{(0,1+1)^3} = 150,263 \text{ دلار}$$

- سال چهارم:

$$\frac{5 \times 300,000}{(0,1+1)^4} = 1,024,520 \text{ دلار}$$

مرحله‌ی ۳: محاسبه‌ی ارزش پروژه

ارزش پروژه برابر است با مجموع جریان‌های نقدی تنزیل شده (ارزش فعلی جریان‌های نقدی اتی):

ارزش پروژه = $90,909 + 123,967 + 150,263 + 1,024,520 = 1,389,659$ دلار
در این مثال، ارزش پروژه‌ی دیفای حدود ۱,۳۸۹,۶۵۹ دلار تخمین زده شد. این روش به ما کمک می‌کند تا ارزش برنامه‌های غیرمتمرکز مالی را بر اساس درآمدهای آینده‌شان محاسبه کنیم.

روش‌های ارزش گذاری بیت‌کوین

چهار مدل اصلی برای ارزش گذاری بیت‌کوین عبارتند از:

- ۱) رویکرد بازار قابل دسترس کل: که ارزش بیت‌کوین را بر اساس سهم آن از بازارهایی مانند طلا یا عرضه‌ی پول M2 تخمین می‌زند.
- ۲) مدل ذخیره به جریان: که نسبت موجودی فعلی به تولید سالانه را محاسبه می‌کند.
- ۳) قانون مت‌کالف: که ارزش شبکه‌ی بیت‌کوین را بر اساس تعداد کاربران تخمین می‌زند.
- ۴) مدل بهای تولید: که ارزش بیت‌کوین را بر اساس بهای استخراج



را می‌توان برای مقایسه رشد شبکه بیت‌کوین با شبکه‌هایی مانند اینترنت در سال‌های اولیه نیز به کار گرفت.

مدل بهای تولید (Cost of Production):

این مدل ارزش بیت‌کوین را بر اساس بهای استخراج آن محاسبه می‌کند. در واقع هزینه‌ای که ماینرها برای تولید (استخراج) یک واحد بیت‌کوین متحمل می‌شوند، می‌تواند کف قیمتی یا ارزش ذاتی آن را تعیین کند. بهای استخراج شامل هزینه‌های برق، سخت‌افزار و سایر منابع است به‌عنوان مثال:

- فرض کنید بهای استخراج یک بیت‌کوین ۱۰,۰۰۰ دلار است.
- اگر بهای استخراج افزایش یابد، ارزش بیت‌کوین نیز افزایش می‌یابد، چون ماینرها بیت‌کوین را با قیمت پایین‌تر نمی‌فروشند.

نتیجه‌گیری

ارزش‌گذاری دارایی‌های رمزنگاری شده هنوز در مراحل اولیه است و مدل‌های موجود محدودیت‌هایی دارند. با این حال، این مدل‌ها بینش‌هایی در مورد عملکرد و مکانیسم‌های این دارایی‌ها ارائه می‌دهند. متخصصان مالی و حسابداری باید از این روش‌ها به همراه تحلیل‌های کیفی و در نظر گرفتن ریسک‌های مربوطه استفاده کنند. با گذشت زمان و جمع‌آوری داده‌های بیشتر، انتظار می‌رود مدل‌های ارزش‌گذاری دقیق‌تری توسعه یابند.

$$\text{نسبت ذخیره به جریان} = \text{موجودی فعلی} / \text{تولید سالانه} \approx \frac{328,500}{19,000,000} \approx 0.0173$$

این نسبت نشان می‌دهد که بیت‌کوین چقدر کمیاب است. هرچه این عدد بزرگ‌تر باشد، ارزش بیت‌کوین بیشتر است. پس از هر هاوینگ (تقریباً هر چهار سال)، تولید روزانه‌ی بیت‌کوین نصف می‌شود. این تغییر بزرگ، روند عرضه را دگرگون کرده و نسبت S2F را افزایش می‌دهد. لذا مهم است نمودار زمانی این مدل را نیز در نظر گرفت.

قانون مت‌کالف (Metcalf's Law)

این قانون می‌گوید ارزش یک شبکه با مربع تعداد کاربران آن رابطه مستقیم دارد. برای بیت‌کوین، تعداد کاربران می‌تواند تعداد آدرس‌های فعال باشد به‌عنوان مثال:

- فرض کنید تعداد کاربران فعال بیت‌کوین ۱۰۰ میلیون نفر است.
- طبق قانون مت‌کالف، ارزش شبکه = تعداد کاربران × تعداد کاربران = $100,000,000 \times 100,000,000 = 10,000,000,000,000,000$ واحد ارزش.
- هرچه تعداد کاربران شبکه بیشتر باشد، تعاملات بالقوه‌ی آن‌ها بالاتر خواهد بود و در نتیجه ارزش این شبکه رشد نمایی پیدا می‌کند. این مدل

منبع:

Urvav Soni Rhodri G. Valuation of Cryptoassets: A Guide for Investment Professionals, Preece, 2023.

پی‌نوشت‌ها:

1. Terminal value.
2. Total value locked.
3. Token Burn.

«اصل پیتر»:

چرا اغلب شرکت‌ها پر از افراد بی‌ریشه شده‌اند؟^۱

همایون مشیرزاده

در همان سطح درجا خواهد زد. بدین ترتیب، به‌مرور و پس از مدتی، سازمان مملو از افراد بی‌کفایت در رده‌های بالاتر خواهد شد و در نهایت به دلیل بی‌کفایتی و نداشتن شایستگی ایشان، سازمان ممکن است از هم بپاشد!

در واقع برای این افراد بی‌کفایت، مقام مانند کلاهی است که برای سرشان گشاد است! کسانی که تا دیروز مجریان خوبی بودند و دستورات را به‌درستی و موبه‌مو و بادقت اجرا می‌کردند، زمانی که ارتقای مقام پیدا می‌کنند و به مدارج «مدیریتی» می‌رسند، توانایی راهبری و مدیریت مجموعه‌ی تحت نظر خود را نداشته و سازمان را با عدم توفیق روبه‌رو می‌کنند. یا به‌قول پیتر زمانی فرا می‌رسد که همه چیز خراب می‌شود (When everything goes wrong). البته همه‌ی سازمان‌ها با افراد بی‌کفایت پر نشده‌اند. اصل پیتر قانون فراگیر و مقدر همه‌ی سازمان‌ها نیست.

جانی تامسن سعی کرده سه نتیجه‌ی مشخص از این اصل کسب کند و به‌نوعی توجیهات تکمیلی، برای اصل پیتر ارائه نماید:

اول آن‌که در بسیاری از موارد ممکن است از ابتدا افرادی که استعداد کافی نداشته و توانایی یادگیری مطلب و موضوع خاصی را نداشته‌اند و با حمایت‌های جورواجور، وارد رشته‌ای شده‌اند که از ابتدا نباید اصولاً به آن ورود می‌کردند.

برای مثال، دانش‌آموزی که استعداد در درس ریاضی نداشته، با «لطایف الحیل» و استفاده از ابزار کمک‌آموزشی (!) و کلاس‌های تقویتی (که حتی در تلویزیون هم تبلیغ

این عنوان مقاله‌ای است به قلم جانی تامسن^۲ نویسنده، فیلسوف و متفکر انگلیسی و نویسنده‌ی کتاب "Mini Philosophy"

که به بیش از بیست زبان ترجمه و جوایز بسیاری برایش به ارمغان آورده است. کم‌وبیش تمام کسانی که در زمینه‌ی مدیریت و رشته‌های مرتبط دارای مطالعاتی هستند، با اصل پیتر^۳ آشنایی دارند. نویسنده‌ی مقاله ضمن معرفی کلیات کلیدی اصل پیتر، سعی کرده آموزه‌های مفیدی از آن به لحاظ کاربردی ارائه کند که در ادامه خلاصه‌ای از آن مطرح و با توجه به مسائل روز حرفه‌ی حسابرسی در ایران سعی می‌شود مصادیقی از مشکلات امروز حسابرسان در چهارچوب اصل پیتر مورد تحلیل و بحث قرار گیرد.

در سال ۱۹۶۹ لارنس پیتر (نویسنده و روان‌شناس کانادایی) با همکاری ریموند هال در کتابی تحت عنوان «اصل پیتر»، برای توضیح این مسئله که چرا کارکنان شایسته در یک سازمان مشخص، زمانی که به مقام یا مقام‌های بالاتر ارتقا می‌یابند، عملکرد مطلوبی مثل قبل ندارند، بیان کرد.^۴ کسانی که در طی دوران کاری خود، پله‌های ترقی را یکی‌یکی با موفقیت طی کرده‌اند، به سطحی می‌رسند که دیگر نمی‌توانند نقش سازمانی خود را در سطح جدید به‌خوبی ایفا کنند و حتی بعد از آن هم پیشرفتی نمی‌کنند! در واقع در هرم سازمان،^۵ سطحی برای هر کس وجود دارد که فرد هر قدر در سطوح قبلی توفیق داشته و عملکردش مطلوب و مورد قبول بوده، زمانی که به آن سطح می‌رسد، قادر به رشد بیشتر نیست و

به آن کار علاقه نداشته، فاقد استعدادهای ضروری بوده و از رشد کاری لازم برخوردار نشده باشد. انسان باید در حین کار و کسب تجربه و در برخورد با ناملازمات و دست‌وپنجه نرم کردن با مشکلات، رشد کند. داشتن مدرک تحصیلی یا مدارج کاری و حرفه‌ای به تنهایی برای موفقیت کافی نیست. بلکه شرط لازم، کسب دانش و نیز تمرین و ممارست است. کسی که شنا بلد نیست تنها از طریق شنا کردن و به‌قولی پریدن در آب باید شنا یاد بگیرد! گو این‌که باید مراقبت شود تا غرق نشده و در نهایت بتواند شناگر قابل‌ی شود.

دوم آن‌که پدیده‌ای به نام «فاصله‌ی راهبری» (Leadership Gap) مطرح است. بنگاه‌های اقتصادی در سراسر جهان مدام در حال جست‌وجو و پیدا کردن مدیران لایق و کاربلدند و غالباً از این‌که نمی‌توانند فرد شایسته‌ای را بیابند، شکایت دارند. مسئله این است که صرف تعیین فردی به‌عنوان مدیر، از او مدیر نمی‌سازد. هیچ‌کس را نمی‌توان با زور و فشار از بالا، به‌عنوان مدیر به سازمان تحمیل کرد. شخصیت، کاریزما و جذابیت، کاردانی، توانایی کار با دیگران، خلق‌و‌خوی مناسب، ظاهر مطلوب، نکته‌سنجی، قابلیت تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، توانایی تحلیل و پذیرش ریسک و ده‌ها و صدها صفت دیگر لازم است تا در هر سازمان کوچک یا بزرگ، فردی بتواند جمعی را مدیریت کند. در کنار دانش و تجربه و مهارت، لازم است فرد «ریشه‌دار» شده و به اعتبار عنوان مقاله، عمق لازم را بیابد.^۶

«بس نکته غیر حسن بیاید که تا کسی

مقبول طبع مردم صاحب‌نظر شود»

تا فردی، در سازمان، خودش شخصاً، بدون حمایت‌های خاص و تنها با کسب تجربه و بر اساس شایستگی، استعداد و توانایی فردی، مدارج ترقی را طی نکند، با سختی‌ها و مشکلات برخورد نکند، سردوگرم را نچشد، مهارت و تجربه کسب نکند، قادر به راهبری دیگران در سازمان نیست.

سوم آن‌که ممکن است «فرد مناسب برای کار نامناسب» انتخاب شود (right person-wrong job). فرد، دانش

مطلوبی دارد، تجربه‌ی مناسب در کاری را کسب کرده و تمام محسنات را دارد، لیکن کاری را به او سپرده‌اند که مناسب آن نیست. شخصی که به بالای هرم سازمانی ارتقا می‌یابد، باید برای طی مسیر تا بالای هرم اصولاً فرد مناسبی باشد و از کیفیات لازم برای آن شغل به‌خصوص برخوردار باشد. در مقاله‌ی مورد بحث، نویسنده به شریک اولیه‌ی استیو جابز در شرکت اپل به نام استیو ووزنیاک^۷ اشاره می‌کند. او که از بنیان‌گذاران اولیه‌ی شرکت بود و همراه با استیو جابز شرکت اپل را تأسیس کرد. زمانی‌که شرکت رشد کرد و بزرگ شد و به شرکت سهامی عام تبدیل و سهام‌اش در بورس عرضه شد، وی از سمت خود استعفا کرد چرا که خود را مناسب برای



می‌کنند) و معلم خصوصی و پارتی‌بازی و کمک اینترنت (و حتی نعوذبالله تقلب و خریدن سؤال کنکور)، توانسته در امتحانات مربوطه موفق شود و وارد دانشگاه و در رشته‌ای که در شرایط معمول نباید وارد آن می‌شده، به مدارج تحصیلی (حداقلی) دست یافته است. در حالی که برای رشد فیزیکی و ذهنی، چالش هم لازم است. قوی‌شدن مستلزم سختی کشیدن است.

او این مهم را «چاله‌ی آموزشی» (Learning Pit) می‌نامد و در ادامه نتیجه می‌گیرد که اصل پیت‌ر اگر چه با واقعیت بسیار نزدیک است و مصادیق فراوانی از آن را می‌توان به رأی‌العین مشاهده کرد، مع‌هذا قبل از همه چیز، ممکن است فرد از ابتدا

مدیریت تشکیلاتی به آن گستردگی نمی‌دید و درک می‌کرد که استعدادش برای نقش دیگری مناسب است. خیلی وقت‌ها ممکن است فردی در خلاء قدرت و تنها به علت آن که شخص دیگری بازنشسته یا از سازمان خارج شده و جایگزین دیگری ندارد، از روی اضطرار به مقامی منصوب شود، در حالی که کیفیات لازم را اصولاً و از ابتدا برای آن سمت نداشته و باز همان مشکلاتی که به آن‌ها اشاره شد ممکن است پیش بیاید. اما ارتباط این مطالب به حرفه‌ی حسابرسی در کشور ما چیست؟ بیشتر از چهل سال پیش بزرگی می‌گفت برای «پارتنر»^۸ شدن هم «ترینینگ»^۹ لازم است. شریک مؤسسه‌ی حسابرسی باید برای شراکت مؤسسه، آموزش دیده باشد. برای آن که فرد «شریک» مؤسسه‌ی حسابرسی باشد، صرف داشتن تحصیلات حسابداری و لیسانس و فوق‌لیسانس و دکتری و عضویت در چندین مجمع حرفه‌ای بین‌المللی و داخلی و امثالهم کافی نیست. «شریک» یک عنوان حرفه‌ای است و نه صرفاً بحث مالی و اقتصادی و شریک بودن در سود (و این روزها زیان) مؤسسه‌ی حسابرسی.

در مقطعی، مقررات جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران، زمینه را برای «شریک» شدن در مؤسسات حسابرسی تسهیل کرد و بسیاری از جوانانی حتماً باسواد و بااستعداد و قطعاً کار بلد که فکر می‌کردند در مؤسسه و جایگاه فعلی‌شان محلی برای رشد ندارند، اقدام به تأسیس مؤسسات حسابرسی کردند و شریک مؤسسه شدند تا از مزایای شراکت در مؤسسه بهره‌مند شوند! بلکه خودشان تصمیم بگیرند، آقابالاسر نداشته باشند، سود و منافع مال خودشان باشد و...

بنا به همان دلایلی که در بخش اول مطرح شد، با کمال تأسف، برخی از این افراد و مؤسسات توفیق لازم را کسب نکردند. تعدادی در نهایت با مؤسسات دیگر ادغام شدند یا کاملاً مؤسسه را تعطیل کردند و در مؤسسات دیگری استخدام شدند (نظیر اتفاقاتی که برای مؤسسات متوسط در جاهای دیگر دنیا افتاد و جذب مؤسسات خیلی بزرگ حسابرسی^{۱۰} شدند)، یا کلاً از حرفه‌ی حسابرسی سر خورده و جذب کارهای بهتر^{۱۱} شدند (بخوانید عاقبت به‌خیر شدند!) و بعضاً هم به علت مشکلاتی که در جریان کارها و امضای گزارش‌ها برای مؤسسه پیش آمد (که عمدتاً ناشی از بدشانسی و مشتری بد و انتخاب غلط بود)، مؤسسات مزبور متأسفانه تعطیل شدند.

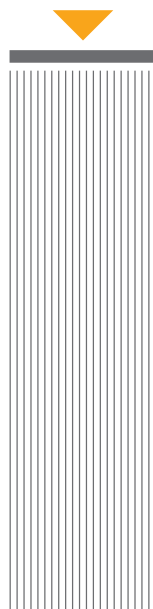
مشکل دیگری هم که بعضاً اسباب گرفتاری و دردسر شد، ناسازگاری شرکا با هم بود (که متأسفانه چیز تازه‌ای هم نبود). همه همیشه فکر می‌کنند رئیس‌اند و جایی برای تعامل و گفتگو و درک متقابل یکدیگر نمی‌گذارند. می‌گویند همه به‌نوعی گرفتار سوگیری^{۱۲} عدم کفایت اطلاعات‌اند^{۱۳} و همه فکر می‌کنند همه چیز را می‌دانند و حرف اشخاص دیگر را قبول ندارند! حال آن که هم‌دلی و هم‌زبانی و تفاهم، کلید موفقیت

هر مؤسسه‌ی حرفه‌ای است. در شرایط فعلی، مؤسسات عموماً با کمبود نیروی کار بااستعداد، زحمتکش، مسئول، کوشا، علاقمند به کار حرفه‌ای و دارای تخصص و متعهد به کار روبه‌رو هستند. بسیاری از پرسنل خوب مؤسسات جذب کار اجرایی شده‌اند و جمعی از پرسنل مؤسسات، دایماً به علت سرخوردگی از یک مؤسسه به مؤسسه‌ی دیگر می‌روند. ساده‌ترین دلیلی که برای آن به ذهن هرکس متبادر می‌شود، مسائل پولی و مالی و حقوق و مزایا است که کاملاً صحیح است. لیکن موضوع را فقط نباید به مسائل مادی تقلیل داد و به این سادگی از آن گذشت. متأسفانه تحقیقات مشخصی در این زمینه صورت نگرفته و یا دست‌کم انتشار نیافته است. ولی درحالی که از مشاهدات و بررسی‌ها و تحلیل‌های مقدماتی و گفت‌وگو با همکارانی که مؤسسات را ترک می‌کنند، می‌توان نتیجه‌گیری کرد، چند مشکل اساسی دیگر به‌عنوان انگیزه‌ی این جابه‌جایی‌ها و نداشتن علاقه به کار، به‌ویژه با توجه به اصل پیتز، قابل تأمل و بررسی است:

می‌دانیم که در ساختار سازمانی مؤسسات حسابرسی، هرمی از سلسله‌مراتب وجود دارد. در مؤسسات بزرگ‌تر ارتفاع رأس هرم از قاعده در مقایسه با مؤسسات کوچک‌تر بلندتر است. به عبارت دیگر تعداد زیادتری حسابرس و حسابرس ارشد تحت نظارت تعدادی نسبتاً کمتر از سرپرستان، مسئولیت کارهای میدانی^{۱۴} را بر عهده دارند و تعدادی مدیر هم به فراخور سازمان، مدیریت کارها را بر عهده دارند. شرکای ارشد باید از دانش و تجربه‌ی کافی و مهارت‌های لازم برخوردار باشند تا به‌عنوان مسئول امضاکننده‌ی گزارش حسابرسی، کارها را از بالا پایش و کنترل کنند، ارتباط با صاحب‌کاران داشته و افراد مناسب را استخدام و به‌کار بگیرند، و مدیریت و برنامه‌ریزی کنند، استراتژی‌ها و راهبردهای کلان و کلی مؤسسه را تعریف کنند و از همه مهم‌تر زمینه را برای ارتقای کیفیت کار و تهیه‌ی دستورالعمل‌ها و برنامه‌های لازم جهت رسیدگی‌ها و آموزش آن‌ها فراهم نمایند تا در نهایت از درستی عملکرد سازمان، و فرآیند انجام کار و درستی و قابل قبول بودن نتیجه‌ی نهایی کار حسابرسی کسب اطمینان حاصل کنند.

در مؤسسات کوچک‌تر که ارتفاع هرم کمتر است، بسیاری از کارهای مدیر و سرپرست، حتی حسابرس ارشد را در عمل باید خود شریک انجام دهد. حق‌الزحمه‌ها و ملاحظات درآمد و هزینه‌ی مؤسسه، غیر از آن، راهی باقی نمی‌گذارد.

مؤسسات تازه‌تأسیس طبیعتاً کوچک‌تر بوده و از این الگو باید پیروی کنند. مشکل جایی شروع می‌شود که در قالب ساختار مؤسسه‌ی کوچک‌تر، شرکای مؤسسه بخواهند همانند و مشابه شرکای ارشد مؤسسات خیلی بزرگ عمل کنند! فکر کنند حالا که ما شریک شده‌ایم، چرا باید کار اضافه کنیم؟ دوستی تعریف می‌کرد که شریک جدیدی وارد مؤسسه شده



که برخلاف روال مؤسسه، صبح‌ها دیر سر کار حاضر می‌شود و وقتی مورد سؤال قرار گرفته، پاسخ داده که من شریک شده‌ام که دیگر نخواهم مثل کارمندان مؤسسه «حضور و غیاب بزنم»! فرض کنید مؤسسه‌ای از مشارکت سه - چهار نفر حسابدار رسمی تشکیل شده، چند نفری را به‌عنوان صاحب کار بالقوه از قبل می‌شناختند و چند کار توسط این آشنایان به آن‌ها ارجاع شده است. از همان ابتدا ممکن است به‌جای دنبال کردن روال تجربه شده طی بیش از صد سال فعالیت مؤسسات حسابرسی، کار را ساده گرفته، فرض کنند مجموعه به‌صورت خودکار و خلق الساعه راهش را پیدا می‌کند و لذا تمایل به سخت‌کوشی و انجام کار با دقت حرفه‌ای لازم نداشته باشند. در نتیجه، بدون داشتن کیفیات لازم برای احراز شرایط شریک مؤسسه، چند نفر کارمند رتبه‌بالا و ارشد با حقوق زیاد استخدام می‌کنند. از آنجایی که ممکن است کیفیات لازم برای راهبری مؤسسه را هم نداشته باشند، پس از مدتی که نیروهای زیردست، آن‌ها را محک زده و آزمایش کردند، یا آن‌ها را زیاد جدی نگرفته و دستورات را درست اجرا نمی‌کنند، یا قبول‌شان ندارند و خود را پاسخگو در قبال آن‌ها نمی‌دانند و در نتیجه در سازمان نوعی رخوت و سستی و مقاومت و اصطکاک ایجاد می‌شود و بعضاً ممکن است پرسنل تصمیم به ترک مؤسسه و خروج بگیرند. شرکا هم که به ایشان وابسته‌اند و به‌اصطلاح دست‌شان زیر ساطور آن‌ها است، ابتدا با مشوق‌های مادی و معنوی (کمتر و بیشتر) و دل‌جویی و قول‌و‌قراری‌های واهی سعی می‌کنند آن‌ها را راضی کرده و نگهدارند. اگر هم نشد، چون شریک مؤسسه هستند و خود را مبرا از هرگونه اشتباه و خطا و انتقاد می‌دانند، با استفاده از زور و اعمال قدرت و تهدید و ارباب و کم‌کم دعوا و مرافعه و حتی دست‌به‌پیکه شدن، تلاش می‌کنند اعمال قدرت کنند که نتیجه‌ی آن قطعاً مطلوب نیست. ساختار سازمانی مؤسسات حسابرسی با نوعی هژمونی و اقتدار (و نه قدرت و زور) باید کار کند. ارتباط پرسنل در عین صمیمانه بودن باید محترمانه و همراه با انضباط و رعایت سیاست‌ها و دستور ارشدها باشد. در غیر این صورت تهدید و تحبیب و قول‌و‌قرار، اگر هم جواب دهد موقتی است!

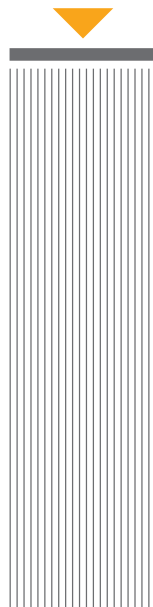
نه‌تنها مؤسسات جوان‌تر و تازه‌تأسیس از این بیماری رنج می‌برند، حتی کسانی که در داخل مؤسسات بزرگ‌تر و باسابقه به هر دلیل (به‌جا و نابه‌جا) ارتقای پیدا کرده و در سمت‌های بالاتر باید انجام وظیفه کنند، به همین عارضه مبتلا می‌شوند. پس از مدتی همان که «پیتتر» گفت: همه چیز به‌هم می‌ریزد "Everything goes wrong"!

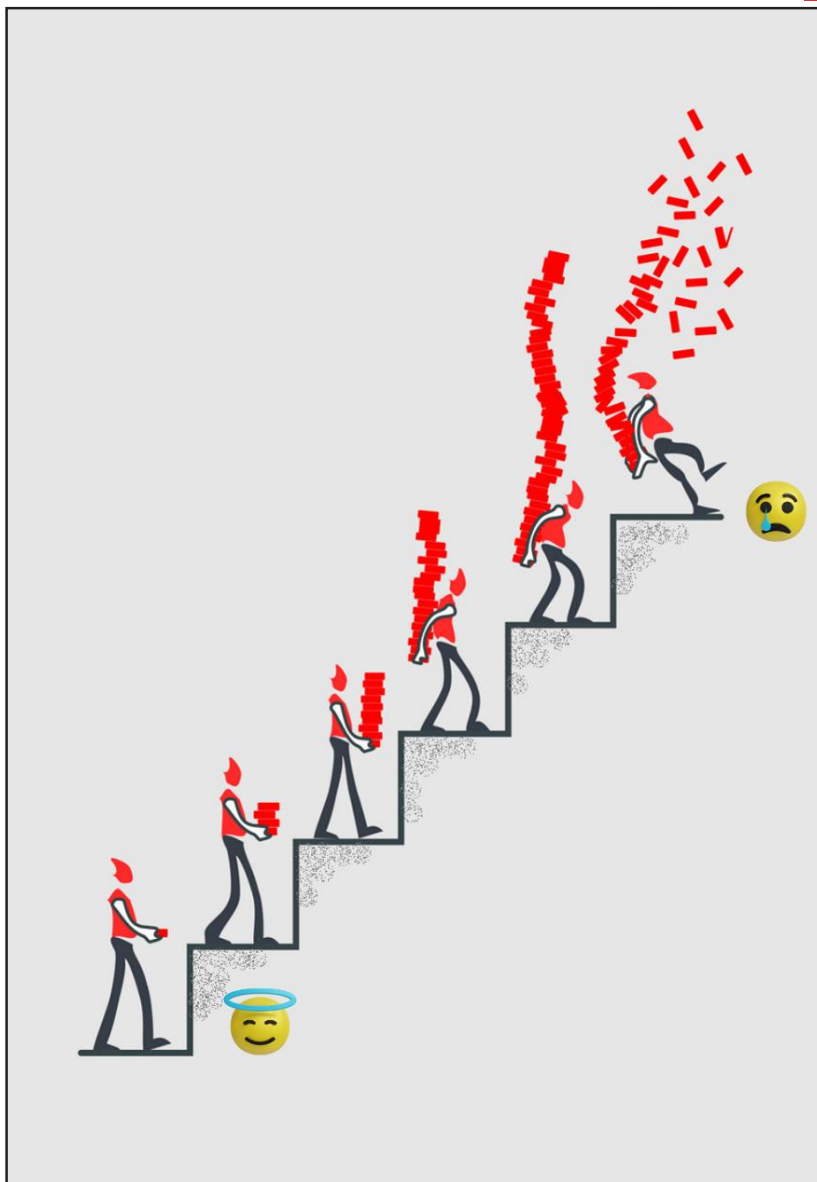
اولاً مؤسسات نیروهای کیفی و مناسب را از دست می‌دهند. ثانیاً رفتار ناهنجار و اگیر دارد! در نتیجه این شیوه‌ی کار و نحوه‌ی برخوردها تبدیل می‌شوند به فرهنگ کاری مؤسسات! حرفه‌ای که ظاهر موقر و معقولی به لحاظ کاری و همچنین

ارتباطات افراد با یکدیگر دارد و باید نمونه‌ی اخلاق‌مداری و خوش‌خلقی باشد، تبدیل می‌شود به محل کشمکش و بگومگو. دیگر کسی احترام بقیه را حفظ نمی‌کند، همه می‌خواهند باهم بی‌ادبانه صحبت کنند، و به‌اصطلاح توی روی یکدیگر بایستند. نیروهای کاری مؤسسه از مؤسسه ناراضی می‌شوند و مؤسسه هم از پرسنل ناراحت! آبرویی که به‌مرور به دست آمده یک‌باره می‌ریزد. همه دنبال کار جدیدند (و با کمال تاسف مؤسسات دیگر را هم مشابه قبلی می‌یابند)، فضای دوستانه به محل دشمنی تبدیل خواهد شد.

به این‌ها اضافه کنید مشکلی که دنیا با نسل جدید دارد. تفاوت‌های ارزشی، اعتقادی، فرهنگی و غیره همواره بین نسل‌های قبلی و نسل‌های بعدی وجود داشته است^{۱۴} لیکن به نظر می‌رسد در نسل Z این تفاوت‌ها (یا شکاف با نسل‌های قبل) خیلی بیشتر شده است. این نسل متولد سال‌های آخر قرن بیستم تا دهه‌ی اول قرن جدیدند. به نظر می‌رسد بی‌مسئولیتی، تحمل کم و علاقه به رشد سریع، بی‌تفاوتی، نداشتن پشتکار، پای‌بند نبودن کافی به اخلاقیات حرفه‌ای، غرور بی‌جا، نداشتن مهارت‌های لازم برای تعاملات اجتماعی با مشتریان و همکاران و علاقه به تغییر دادن همه‌چیز، از جمله اصول و ضوابط پذیرفته شده گذشته، درگیری بیش از حد با فناوری اطلاعات و غیره، مشکلاتی است که فعلاً نه فقط در ایران بلکه در سطح جهانی مطرح می‌شود. شاید هم این‌ها عوارض دنیای پست‌مدرن است! اما طبیعتاً این موضوع بر کار مؤسسات حسابرسی هم تأثیرگذار است.

در مطلبی که حدود یک‌سال قبل در سایت aicpa-ci-ma.com^{۱۵} (و چند وب‌سایت علمی و پژوهشی دیگر) تحت عنوان «افسون‌زدائی از آنچه نسل آینده از کارفرمایان می‌خواهد»^{۱۶} منتشر شد، تحلیلی از این موضوع ارائه شده است. در این تحلیل، ضمن اشاره به موارد فوق، به‌طور خلاصه علت بروز این تحولات در فرهنگ کاری نسل Z را (حداقل در آمریکا و دنیای غرب) در پس‌زمینه‌ی سال‌های تولد و رشد این نسل بررسی کرده است. وقایع ۱۱ سپتامبر و اتفاقات بعد از آن، بحران مالی و بانکی دهه‌ی اول قرن بیستم و جنبش me too (به‌ویژه جنبه‌های مرتبط با وضعیت بانوان در محل کار و توقع رفتار مساوی با زنان و مردان در اجتماع)، در کنار آن‌ها شیوع بیماری کرونا و عملاً تعطیل شدن دنیا و تغییرات اساسی در زمینه‌ی روابط آدم‌ها، فرهنگ کاری و زندگی افراد و خانواده‌ها، عوض شدن شکل کسب‌وکارها، تغییر انتظارات و اصول اعتقادی و اخلاقی و به‌وجود آمدن ارزش‌های اخلاقی جدید، علاقه به تأثیرگذاری در دنیای اطراف با عمل و نه با حرف و ... را عمده دلایل شکل‌گیری و ویژگی‌های نسل جدید عنوان شده است. قطعاً این عوامل با توجه به شبکه‌ی جهانی اینترنت و مراودات اینترنتی، در سایر نقاط دنیا هم می‌تواند





به کار می‌برند. متأسفانه در شرایط فعلی، حرفه به لحاظ مزایای مادی، امکان رقابت با مشاغل پیش روی استعدادهای نو را ندارد. لیکن چیزی که همیشه در حرفه‌ی حسابرسی حرف اول را زده، یادگیری و امکانات خاص مؤسسات برای آموزش نیروهای جدید است. به هر دلیل این مهم متأسفانه کم‌رنگ‌تر شده که باید مؤسسات فکری عاجل برای آن بکنند. ارتقای رتبه در گذشته بر اساس تشخیص مؤسسه صورت می‌گرفت. در حال حاضر جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران این مسئولیت را بر عهده گرفته و آزمون تعیین سطح و رتبه برای حسابرس ارشد و سرپرستان و مدیران برگزار می‌کند و مؤسسات هم باید از آن تبعیت کنند. حال آن‌که مدیریت مؤسسه هم باید

تأثیرات خود را بگذارد. آنچه را در کنار این موارد می‌توان مورد توجه قرار داد، اتکای نسل جدید به فناوری‌های نو به‌ویژه فناوری اطلاعات (IT) است. در گذشته، برای دستیابی به اطلاعات یا موضوع خاص، فرد باید ساعت‌ها وقت صرف می‌کرد، به کتابخانه‌ها مراجعه می‌کرد، تحقیقات میدانی انجام می‌داد و... تا مطلب موردنظر و پاسخ به سؤال خود را بیابد. اما نسل جدید این کار را با صرف زمان اندک و با یک **search** در گوگل انجام داده است. نسل‌های قبل برای انجام محاسبات ساده باید مدتی وقت صرف می‌کردند و ضرب و تقسیم و جمع و تفریق می‌کردند (آخرش هم اشتباه!). این نسل نتیجه‌ی این محاسبات را به‌سهولت و با وارد کردن اعداد به تلفن همراه به‌دست آورده است. به لحاظ تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش هم که انواع و اقسام امکانات را به‌راحتی در اختیارش گذاشته‌اند. نتیجه این که در مقایسه با نسل‌های قبلی همه چیز را به‌دست آورده‌اند بدون این که زحمت زیادی بکشند، بدون این که به ذهن‌شان فشار بیاید و کاری بکنند؛ بدون داشتن هر گونه چالش (حداقل فکری)!

همان مشکل «چاله‌ی آموزشی» که در ابتدای این مطلب به نقل از جانی تامسن در توجیه بی‌کفایتی‌ها مطرح شد! مسن‌ترها از این که نسل جدید فاقد توانایی درک یا خرد متعارف و به‌اصطلاح **common sense** هستند، شاکی‌اند (کافی است شما هم در گوگل جست‌وجو کنید و ببینید چه قدر مطلب در این زمینه طی این چند ساله انباشته شده است). از ویژگی‌های دیگر نسل **Z** نداشتن اعتقاد به خصوصی‌بودن بسیاری از موضوعاتی است که در گذشته محرمانه به حساب می‌آمد (احتمالاً به علت در دسترس بودن نامحدود داده‌ها و اطلاعات در طول دوران رشد آن‌ها). در سال‌های قبل دانستن حقوق و مزایای دیگر همکاران در سازمان‌ها به‌ویژه مؤسسات حسابرسی «تابو» محسوب می‌شد، حالا قبل از آن که حتی حکم مرا دستم بدهند، همه‌ی رفقا و همکاران در مؤسسه تبریک می‌گویند!

زمانی حسابدار برای آن که یک ریال اختلاف در تراز آزمایشی‌اش داشت، باید تا دو ساعت پس از نیمه‌شب وقت صرف می‌کرد تا ترازش بخواند! این همان چالشی است که برای قوی‌شدن لازم بود. این مطلب را برای یک نسل زدی تعریف کنید، حدس بزنید چه عکس‌العملی خواهد داشت! چه باید کرد؟

مطلبی که در سایت **aicpa-cima** انتشار یافته، موارد زیر را توصیه کرده است:

اول: شایسته‌سالاری (**Meritocracy**)، فرآیندی که منجر به انتخاب افراد شایسته برای پذیرش مسئولیت می‌شود. مؤسسات حسابرسی بزرگ از طریق مصاحبه و روش‌های مختلف غربال‌گری و گزینش، در استخدام افراد دقت خاص

باشد ولی کافی نیست. اگر تمام استانداردهای حسابداری و حسابرسی را هم کسی بلد باشد ولی فاقد درک و خرد متعارف باشد، توان راهبری تیم حسابرسی و تعامل با محیط را نداشته باشد، نتواند نسبت به خودش و دیگران احساس احترام و اعتماد ایجاد کند، رفتار غیر معقول داشته باشد... آیا صرفاً چون امتحان را گذرانده، باید سمت بگیرد؟ و اگر نگرفت قهر کند؟ بعد هم لابد از مؤسسه بدگویی کند!

وقتی من بزرگ‌تر به آداب و اخلاق و دقت حرفه‌ای و آموختن و آموزش اعتقاد ندارم، چگونه می‌توانم از دیگران انتظار داشته باشم؟ در ادبیات جدید کنترل‌های داخلی اصطلاحی است تحت عنوان *Tone at the Top* (یا لحن صحبت مدیران و افراد ارشد در سازمان)، باید مؤسسات حسابرسی اسوهی اخلاق و سرمشق رفتار پسندیده باشند. از بالا تا پایین. در این زمینه، آموزش مناسب، نظارت و پایش پرسنل، تشویق ارزش‌های خوب و اعمال تنبیه در صورت ارتکاب خطا، ممکن است به ارتقای فرهنگ کار^{۱۷} کمک کند. به‌علاوه، اجتناب از به تعویق انداختن ارتقای رتبه و ترفیع افراد در زمان‌های مناسب می‌تواند موجب حفظ روحیه‌ی کارکنان مؤسسه^{۱۸} در سطح مناسب گردد. ضمن آن‌که ترفیع بی‌موقع و خارج از نوبت به هر دلیل هم طبیعتاً می‌تواند جلوی شایسته‌سالاری را بگیرد.

درخصوص این موارد حتماً محرمانه بودن موضوعات را هم باید مورد توجه قرار داد.

دوم: داشتن ارتباط شرکا و مدیران با پرسنل و تبادل نظر و انتقال افکار و عقاید^{۱۹} هم از بدیهیات است. شاید دهه‌های قبل به‌ویژه در مؤسسات بزرگ‌تر، این موضوع به دلائل مختلف امکان پذیر نبود ولی برای کار کردن با نسل Z، شاید از اصول اساسی باشد. شفافیت و باز بودن^{۲۰} می‌تواند خیلی اثرگذار باشد. چنانچه پرسنل فرصت یابند تا نظرات و افکار خود را بدون داشتن محدودیت و بیم از عواقب بعدی آن بیان کنند و این نظرات مورد توجه قرار گیرند، فرهنگی در سازمان به‌وجود می‌آید که تصمیمات براساس شایستگی و ارزشمند بودن نظرات و نه این‌که چه فردی در چه سطحی در سازمان، نظر را ارائه کرده است، گرفته خواهد شد.^{۲۱} در ادبیات حسابرسی در سنوات اخیر بر لزوم صحبت و مذاکره‌ی اعضای تیم در مورد مسائل و نکاتی که در جریان کار با آن‌ها برخورد کرده‌اند و تبادل نظر با دیگر اعضای تیم و مستندسازی موارد تأکید بسیاری شده است. احتمال دارد چیزی به ذهن همکاران با رتبه‌های پایین‌تر برسد که مهم بوده و عدم توجه به آن می‌تواند آثار نامطلوبی در پی داشته باشد.^{۲۲}

سوم: طبیعتاً حقوق و دستمزد و مزایا هم می‌تواند ابزار مناسبی برای ایجاد رضایتمندی در پرسنل برای انجام وظایف محوله و پیروی از ضوابط و مقررات و انضباط باشد و آن‌ها را



در مورد توان و قابلیت‌های فرد (مثبت یا منفی) و کیفیات شخصی و قدرت راهبری و مدیریت ایشان نظرانی داشته باشند. سابقاً ارشدها در مؤسسات وظیفه‌ی خود می‌دانستند که به پرسنل آموزش دهند. نه فقط حسابداری و حسابرسی بلکه اخلاق حرفه‌ای، رفتار درست در محل کار، پایبندی به اصول، ادب، آداب و احترام و ...

لیکن باب شده که پرسنل مرخصی بگیرند تا برای امتحانات جامعه «بخوانند»! در حالی که پرسنل باید در جریان انجام وظیفه در حین کار چنان مهارت و دانش و تجربه‌ای کسب کرده باشند که برای کار در رتبه‌ی موردنظر آماده باشند. ممکن است گذراندن آزمون رتبه‌ای خاص، شرط لازم

جهت تبیین انتظارات و ایجاد دیالوگ با همکاران (به جای مونولوگ و صدور دستور و سخنرانی) در سطوح مختلف سازمان یا در جمع، ممکن است از چالش‌ها و برخوردهای بعدی جلوگیری کند.

اما سخن آخر: طی طریق از دانشگاه تا مدیریت حسابرسی و شراکت در مؤسسات، راه دشواری است و شاید کار همه نباشد. مؤسسات باید آن‌هایی را که استعداد بیشتری دارند، علاقه‌مند به کار حرفه‌ای هستند، قابلیت‌های فردی لازم را دارند، برای ایفای نقش در رتبه‌های بالاتر در آینده، آموزش دهند. قبلاً اشاره شد که پارت‌نر هم به ترینینگ احتیاج دارد.

نسبت به مؤسسه محل کار پای‌بند کند و نگهدارد. چهارم: تعریف انتظارات از پرسنل از روز اول استخدام و شاغل شدن در مؤسسه. مواردی مثل آداب و اتیکت کاری و رعایت اخلاق و چگونگی برخورد با دیگران و متعهد بودن به کار و نحوه‌ی انجام کار و تأکید بر توسعه‌ی فردی و ضرورت یادگیری (درمقابل آموزش)، می‌تواند پایه و اساس مناسبی برای ساختن بنایی استوار و پاسخ‌گویی به نیازهای استعدادها در آینده باشد.

پنجم: برنامه‌های آموزشی، چه فنی و چه به لحاظ رفتار و اخلاقیات، برگزاری میزگرد با همکاران و تبادل نظر و گفت‌وگو

پی‌نوشت‌ها:

۱. نگاه کنید به: <https://bigthink.com/business/the-peter-principle-why-most-companies-are-filled-with-people-out-of-their-depth>
۲. Jonny Thomson
۳. اصل یا قانون پیتر. Peter Principle.
۴. Peter, Laurence and Hull, James. The Peter Principle. Bantam Books. New York, 1977.
۵. Hierarchy.
۶. در زبان انگلیسی اصطلاح out-of-depth به معنای نداشتن مهارت و دانش و توانایی لازم است.
۷. Steve Wozniak کارآفرین آمریکایی و از بنیانگذاران شرکت Apple.
۸. Partner (شریک مؤسسه حسابرسی).
۹. Training (آموزش).
۱۰. Big Eight و بعداً Big Four، مؤسسات بزرگ بین‌المللی. در حال حاضر شامل مؤسسات PWC, KPMG, EY, Deloitte.
۱۱. Bias به معنای سوگیری یا پیش‌داوری، که منجر به قضاوت نادرست می‌گردد.
۱۲. عدم‌کفایت یا نامناسب بودن بودن اطلاعات (Inadequacy of Information یا Deficit of Knowledge) که منجر به ارتباط و درک غلط، موضع‌گیری اشتباه و سوگیری می‌شود.
۱۳. Field Work کار میدانی حسابرسی که در خارج از محل مؤسسه‌ی حسابرسی و در محل صاحب‌کار انجام می‌شود.
۱۴. Generation Gap (شکاف نسلی).
۱۵. از سال ۲۰۱۷ انجمن حسابداران خبره‌ی مدیریت انگلستان (Chartered Institute of Management Accountants (CIMA) و انجمن حسابداران خبره‌ی بین‌المللی (Association of International Certified Public Accountants) همکاری مشترکی در زمینه‌های پژوهشی و آموزشی در رشته‌های حسابداری و حسابرسی و امور مالی، پایداری شرکتی، مسئولیت اجتماعی، حاکمیت شرکتی و ... آغاز کرده‌اند.
۱۶. نگاه کنید به: <https://www.aicpa-cima.com/professional-insights/article/demystifying-what-the-next-generation-wants-from-employers>
۱۷. فرهنگ کاری (Work Culture) مجموعه‌ای از ارزش‌ها، اعتقادات، نظرات، سامانه‌ها یا سیستم‌ها و قواعدی است که بر رفتار کارکنان در سازمان تأثیر گذارند.
۱۸. Employee Morale (نظرات جمعی، رضایتمندی کلی و نگرش احساسی گروه یا کارکنان نسبت به محیط کار و نقش افراد در سازمان).
۱۹. Communication ارتباطاتی (اعم از کتبی یا شفاهی) که منجر به انتقال درست اطلاعات، مفاهیم، معانی و افکار و احساسات و تعاملات می‌شود.
۲۰. Openness سیاست درهای باز، نداشتن محدودیت و پذیرا بودن مراجعین و شنیدن سخنان ایشان.
۲۱. Idea Meritocracy بها دادن به فکر و نظر و نه اینکه چه فردی با چه کیفیاتی آن را بیان می‌کند.
۲۲. نگاه کنید به: <https://www.accountingtoday.com/opinion/idea-meritocracy-for-cpa-firms>

تصمیمات سرمایه‌گذاری با دانش پیچیده‌ی حسابداری

شش اشتباه رایج حسابداران و حسابرسان در شرکت‌های قبل از بهره‌برداری

محمد نورزاد دولت‌آبادی

قیمت تمام‌شده‌ی پروژه نیست؟ اصولاً چرا شما حسابداران آن‌را تحت سرفصل هزینه‌ی اداری ثبت می‌کنید، پروژه که هزینه‌ی اداری ندارد. شما باید برای بهای تمام‌شده‌ی پروژه از کدینگ حسابداری بهای تمام‌شده و نه حسابداری مالی استفاده کنید. تا بتوانید بهای تمام‌شده‌ی دارایی‌های پروژه را درست محاسبه کنید. سؤال جالبی بود سؤالی که سؤال تمامی اعضای هیأت‌مدیره هم بود. متأسفانه هیچکدام از اعضای مالی هیأت‌مدیره و کارشناسان مالی مجمع جواب قانع‌کننده‌ای برای آن نداشتند و این مسئله‌ی تسهیم هزینه‌های اداری آن‌چنان برای آن‌ها و حتی من حسابرس بدیهی و طبیعی بود که ظاهراً نیازی به پاسخ‌گویی نداشت. وقتی رئیس مجمع نظر من را پرسید، من هم نظر مهندس جوان هیأت‌مدیره را تأیید کردم و گفتم چون این مخارج در راستای تکمیل پروژه انجام شده است، لازم است طبق استاندارد حسابداری تمامی آن به بهای تمام‌شده‌ی پروژه منظور شود.

بعدها متوجه شدم آثار چنین اشتباهاتی تنها در این سطح باقی نمی‌ماند، بلکه حتی صورت‌های مالی اساسی این شرکت‌ها از جمله صورت جریان‌های نقدی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اشتباهی که حسابداران می‌کنند آن است که برای ثبت چنین مخارجی از سرفصل‌های حسابداری مالی استفاده کرده و آن‌ها را تحت عنوان هزینه‌های اداری در حساب‌ها ثبت و به‌اشتباه تنها بخشی از آن را به بهای تمام‌شده‌ی پروژه منظور و الباقی آن را به‌عنوان مخارج هدر

در مجمع عمومی یک شرکت قبل از بهره‌برداری که به‌منظور تولید یک محصول پتروشیمی تأسیس شده است حضور داشتم. فکر می‌کردم مجمع ساده‌ای باشد و وقت چندانی نگیرد. ولی این‌طور نشد و مسائل به گونه‌ای دیگر پیش رفت. حسابرس سال قبل شرکت یک بند در گزارش حسابرسی آورده و فقدان معیارهای دقیق و مشخص برای تسهیم هزینه‌های اداری به بهای تمام‌شده‌ی پروژه را در گزارش حسابرسی قید نموده و مجمع سال قبل تدوین چنین معیارهایی را به‌عنوان تکلیف مجمع تصویب نموده بود. اما تکلیف مذکور توسط مدیریت انجام نشده بود.

رئیس مجمع با شور و حرارت زیادی صحبت می‌کرد و از این‌که چرا مدیریت این تکلیف مهم را انجام نداده و مؤسسه‌ی حسابرسی ما در گزارش خود به این مسئله بی‌توجهی کرده است، شدیداً انتقاد می‌کرد و درحقیقت می‌خواست با یک تیر دو نشان بزند، هم مدیریت و حسابرس را سر جای خودشان بنشانند و هم جایگاه خودش را تثبیت کند. در چنین موقعیتی در حالی که هم اعضای هیأت‌مدیره و هم حسابرس، که من باشم، در موقعیت دفاعی قرار داشتند، یکی از مهندسين جوان هیأت‌مدیره سؤالی را مطرح کرد که چرا نباید تمام مخارج اداری، بلکه تنها بخشی از آن به بهای تمام‌شده‌ی پروژه منظور شود. مگر انجام چنین مخارجی برای تکمیل پروژه ضرورت ندارد؟ مگر این مخارج در افاس، تحت عنوان هزینه‌های پشتیبانی درج نمی‌شود و جزئی از



به سرمایه‌گذار در حساب‌ها ثبت می‌شود و چرا به‌عنوان آورده‌ی نقدی سهام‌داران به حساب حقوق سهام‌داران منظور نمی‌شود؟

در ادامه‌ی بحث مشخص شد که حساب‌داران حتی در تعریف مفاهیم اولیه و ساده‌ی اقتصادی یعنی مفهوم بدهی و مفهوم سرمایه‌گذاری دچار مشکل بوده و سرمایه‌گذاری صاحبان شرکت را به جای این که در سرفصل حقوق مالکانه با نامی مناسب، مثلاً آورده‌ی نقدی سهام‌داران ثبت کنند، آن را مشابه یک بدهی پرداختنی در حساب بدهی‌ها ثبت می‌کنند. در ادامه، پیش‌نویس گزارش توجیهی افزایش سرمایه مورد بحث قرار گرفت. پیش‌نویس توسط یکی از شرکت‌های تأمین سرمایه تهیه شده بود و سومین گزارش افزایش سرمایه از نوع خود در این شرکت بود. در گزارش توجیهی افزایش سرمایه از مدل متعارف پیشنهادی بورس استفاده شده بود و مبتنی بر برخی مفروضات سرانگشتی و ساده و حتی اشتباه بود، مبنی بر این که شرکت یا باید آورده‌ی سرمایه‌گذاران را که تحت عنوان بدهی در حساب‌ها انعکاس یافته از طریق اخذ وام از سیستم بانکی به آن‌ها پردازد و یا آن را تبدیل به افزایش سرمایه کند و بر این اساس یک سری صورت‌های مالی حسابداری پیش‌بینی شده برای سنوات آتی با دو فرض تبدیل مطالبات حال‌شده‌ی سهام‌داران به سرمایه، یا اخذ وام از سیستم بانکی و پرداخت آن به سهام‌داران به صورت مقایسه‌ای تهیه شده بود و جریان نقدی تفاضلی دو فرض مذکور که تنها مربوط به هزینه‌های بهره بود محاسبه

رفته و غیر مؤثر در تکمیل پروژه در صورت حساب سود و زیان منعکس می‌کنند و این مخارج تخصیص نیافته را به‌ناچار در صورت جریان‌های نقدی به‌عنوان یک فعالیت مستمر عملیاتی منعکس می‌کنند. و بدین ترتیب در این خصوص که هر شرکتی باید حتماً یک صورت حساب سود و زیان داشته باشد الگوی رایج ذهنی خود را برآورده می‌کنند. در صورتی که شرکت‌های قبل از بهره‌برداری تنها دو سیکل فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی را داشته و فعالیت عملیاتی به معنای متعارف آن در شرکت‌های در حال فعالیت را ندارند. لذا انعکاس بخشی از مخارج پروژه که ماهیت سرمایه‌گذاری دارند تحت سرفصل فعالیت عملیاتی ناصحیح و مغایر اصول متداول حسابداری است. اشتباهی که درک آن برای منطق ساده و عقل سلیم غیر حساب‌داران از جمله مهندسين عضو هیأت‌مدیره هم ناممکن بود.

داستان به این جا ختم نشد در ادامه‌ی مجمع گزارش افزایش سرمایه‌ی شرکت مورد بحث قرار گرفت. در پیش‌نویس گزارش مطرح شده بود که سرمایه‌ی شرکت، از محل مطالبات حال‌شده‌ی سهام‌داران به مبلغ مورد نظر هیأت‌مدیره افزایش می‌یابد. باز مهندس جوان سؤال مطرح کرد که منظور از مطالبات حال‌شده چیست؟ مگر سهام‌داران طلبی از شرکت دارند و مگر آن‌ها پول خود را در شرکت سرمایه‌گذاری نکرده‌اند؟ مگر قرار است شرکت پولی به آن‌ها پرداخت کند؟ مگر شرکت پولی دارد که به آن‌ها پرداخت کند و اصولاً چرا سرمایه‌گذاری سهام‌داران تحت عنوان بدهی



شده و چنین نتیجه‌گیری شده بود که چون نرخ بازده مورد انتظار سهام‌داران شرکت کمتر از نرخ بهره‌ی بانکی است، پس افزایش سرمایه از محل آورده‌ی سهام‌دار و یا به قول تهیه‌کنندگان گزارش مطالبات حال‌شده‌ی او، توجیه اقتصادی دارد. این در حالی بود نرخ بازده سرمایه‌گذاری طبق افاس شرکت ۳۴ درصد و نرخ مؤثر بهره‌ی بانکی ۲۳ درصد بود و بر اساس آن، افزایش سرمایه از محل آورده‌ی سهام‌دار مجاز نبود و شرکت باید وام می‌گرفت و از محل آن به قول خودشان بدهی سهام‌دار را پرداخت می‌کرد که این امر به معنی حذف سهام‌دار و حذف سرمایه‌گذاری و تعطیل شرکت بود. لذا برای حل مشکل در گزارش افزایش سرمایه نرخ بازده مورد انتظار سهام‌دار را معادل ۲۰ درصد و کمتر از نرخ بانکی در نظر گرفته بودند و اصولاً بر اساس این فرمول که به نام فرمول بورس معروف است، افزایش سرمایه تنها زمانی توجیه دارد که نرخ بازده مورد انتظار سهام‌دار کمتر از نرخ بهره بانکی باشد. فرمولی ناصحیح با مفروضاتی غلط و اشتباه که هیچ عقل سلیمی آن را نمی‌پذیرد. جالب این‌جاست که تعداد قابل‌توجهی از گزارش‌های افزایش سرمایه توسط حسابداران یا شرکت‌های تأمین سرمایه بر اساس این مدل تهیه و مبنای افزایش سرمایه شرکت‌ها قرار گرفته‌اند.

با توجه به بحث‌های صورت‌گرفته برای اولین بار این مجمع در تأیید و تصویب این گزارش دچار تردید شد و خواهان آن شد که همان افاس اولیه‌ی مصوب که بر اساس آن بودجه‌ی پروژه تعیین و منابع مالی به شرکت تزریق می‌شود، مبنای تصمیم‌گیری قرار گیرد و مقرر شد از بازرس قانونی خواسته شود که همان افاس شرکت را در قالب نامه‌ای خطاب به مجمع تأیید کند تا مبنای افزایش سرمایه قرار گیرد. بحث دیگری که در این خصوص درگرفت این بود که بازرس باید گزارش افزایش سرمایه‌ای را تأیید نماید که بر اساس استاندارد اطلاعات مالی آتی باشد و این گزارش مؤسسه‌ی تأمین سرمایه حتی اگر اشتباه هم باشد چون بر اساس اطلاعات مالی آتی تهیه شده قابل اظهارنظر توسط حسابرس به‌عنوان بازرس قانونی است.

در ادامه‌ی بحث این نتیجه حاصل شد که بین آنچه که در قانون تجارت در خصوص افزایش سرمایه پیش‌بینی شده و آنچه که در عمل انجام می‌شود تفاوت وجود دارد. درحالی که در افزایش سرمایه‌ای که در قانون تجارت به آن اشاره شده، هیأت‌مدیره ابتدا پروژه‌ی موردنظر خود را بر اساس اطلاعات مالی آتی تهیه و تعریف و به مجمع ارائه می‌کند که در صورت تأیید و تصویب سهام‌داران، پول آن‌را در همان ابتدا اخذ و به حساب سرمایه منظور و بعد پروژه را اجرا می‌کند، در عرف جاری تعداد محدود و مشخصی از سرمایه‌گذاران، ابتدا پروژه را اجرا سپس برای انتقال مبالغ سرمایه‌گذاری شده به حساب سرمایه اقدام می‌کنند. در حالت اول پیش‌بینی شده در قانون تجارت چون برای تصمیم‌گیری، اطلاعات مالی آتی پروژه به سهام‌داران ارائه می‌شود، گزارش افزایش سرمایه‌ی آن مشمول استاندارد اطلاعات مالی آتی می‌شود، ولی در حالت دوم چون سرمایه‌گذاری عملاً انجام شده افزایش

پروژه تعیین و منابع مالی به شرکت تزریق می‌شود، مبنای تصمیم‌گیری قرار گیرد و مقرر شد از بازرس قانونی خواسته شود که همان افاس شرکت را در قالب نامه‌ای خطاب به مجمع تأیید کند تا مبنای افزایش سرمایه قرار گیرد. بحث دیگری که در این خصوص درگرفت این بود که بازرس باید گزارش افزایش سرمایه‌ای را تأیید نماید که بر اساس این گزارش مؤسسه‌ی تأمین سرمایه حتی اگر اشتباه هم باشد چون بر اساس اطلاعات مالی آتی باشد و این گزارش مؤسسه‌ی تأمین سرمایه حتی اگر اشتباه هم باشد چون بر اساس اطلاعات مالی آتی تهیه شده قابل اظهارنظر توسط حسابرس به‌عنوان بازرس قانونی است.

سرمایه در این شرکت‌ها عملاً تغییر اسم منابع تزریق شده به شرکت از سرفصل مطالبات به سرمایه‌ی ثبت شده است و رویدادی است مربوط به گذشته که قابل حذف و تغییر و تصمیم‌گیری مجدد نیست. لذا مشمول استاندارد اطلاعات مالی آتی نیست.

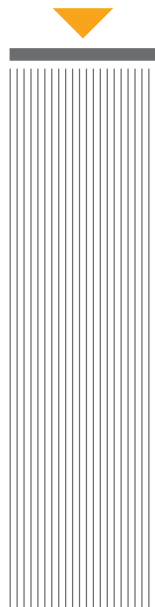
در این خصوص برای رعایت الزامات مورد درخواست اداره‌ی ثبت شرکت‌ها تنها کافی‌ست هیأت‌مدیره ضمن ارائه‌ی گزارش از وضعیت پروژه از سهام‌داران بخواهد با انتقال مبالغ واریز شده‌ی قبلی به حساب سرمایه که عمدتاً با هدف اخذ وام از سیستم بانکی صورت می‌گیرد، موافقت نمایند و در این خصوص نیازی به تهیه‌ی گزارش افزایش سرمایه بر مبنای اطلاعات مالی آتی و ارائه‌ی اظهارنظر به آن بر مبنای استانداردهای مرتبط با آن نیست.

در ادامه‌ی بحث مجمع متوجه شد که برای یک سرمایه‌گذاری واحد، برای افاس اولیه و سه مرحله‌ی افزایش سرمایه‌ی بعدی، حسابداران چهار نرخ بازده متفاوت ارائه کرده و مجمع را برای تصمیم‌گیری دچار مشکل نموده‌اند و حتی موقع استفاده از مدل بورس به‌ناچار برای توجیه افزایش سرمایه IRR افاس را کنار گذاشته و فرض کرده‌اند که IRR مورد انتظار سهام‌داران حتی از نرخ وام بانکی کمتر است. براساس توضیحاتی که من در مجمع ارائه کردم معلوم شد که دلیل این کار عدم توجه حسابداران به یک اصل اقتصادی است که در متون مالی از آن به‌عنوان اصل جدایی تصمیمات مالی از تصمیمات سرمایه‌گذاری نام می‌برند. برای یادآوری خاطرنشان می‌شود که اصل مذکور می‌گوید که در تصمیمات سرمایه‌ای نرخ بازده سرمایه‌گذاری هر پروژه‌ای بدون توجه به مکانیسم و نوع تأمین مالی آن از سوی سهام‌دار یا وام و تسهیلات، یکسان و ثابت است و نحوه‌ی تأمین مالی تغییری در نرخ بازده آن ایجاد نمی‌کند. در حقیقت تصمیم مربوط به نحوه‌ی تأمین مالی پروژه تصمیمی مربوط به ساختار مالی شرکت و مجزا از تصمیم سرمایه‌گذاری است. به‌طور خلاصه معنی این حرف آن است که در ارزیابی تصمیمات سرمایه‌ای نباید مکانیسم تأمین مالی و هزینه‌ی بهره را وارد نمود. شما یک پروژه‌ی سرمایه‌گذاری را تعریف و IRR آن را محاسبه می‌کنید، بعد می‌آیید با توجه به ساختار مالی مطلوب و بهینه تصمیم می‌گیرید که چه میزان آن از طریق سرمایه و چه میزان از طریق وام یا سایر منابع مالی تأمین شود. این اصل مهم در اکثریت موارد توسط حسابداران و کارشناسان مالی نادیده گرفته می‌شود و آن‌ها در تهیه گزارش‌های سرمایه‌گذاری، تصمیمات مربوط به تأمین مالی را وارد می‌کنند و این امر موجب می‌شود که سرمایه‌گذار اطلاع صحیح و دقیقی از نرخ بازده واقعی پروژه نداشته باشد و نتواند تصمیمات اقتصادی صحیحی بگیرد.

علاوه بر اشتباهاتی که حسابداران در تهیه و تحلیل اطلاعات مالی مرتکب می‌شوند، خود حساب‌رسان هم اشتباهاتی در به‌کارگیری استانداردهای حسابرسی مرتکب می‌شوند که در این‌جا به دو نمونه آن اشاره می‌شود.

نمونه‌ی اول همان موردی است که قبلاً گفته شد یعنی استفاده از استاندارد اطلاعات مالی آتی برای اظهارنظر نسبت به گزارش‌های افزایش سرمایه‌ای است که تصمیمات آن قبلاً در زمان شروع پروژه، توسط سرمایه‌گذاران مؤسس شرکت گرفته شده و در راستای آن مبالغ مورد نیاز پروژه توسط آن‌ها به شرکت تزریق و در حسابی به نام بدهی ثبت شده است. این پول ماهیت سرمایه‌گذاری دارد و مربوط به گذشته است و به‌هیچ‌وجه قابل برگشت و قابل حذف نیست و تنها یک راه‌حل برای آن وجود دارد و آن تغییر اسم آن از بدهی به سرمایه برای حل مشکل مربوط به قانون تجارت ایران است. این‌که بیایم منابعی را که سهام‌داران بر اساس خواست و تصمیمات اقتصادی خود به شرکت تزریق کرده‌اند دوباره با معیار و استاندارد به نام اطلاعات مالی آتی محک بزنیم و در خصوص صحت و سقم آن اظهارنظر کنیم اشتباه و مغایر یا بی‌ربط با استاندارد اطلاعات مالی آتی است.

مورد دوم مربوط به مسئله‌ای به نام تداوم فعالیت شرکت‌هاست. دلیل این مشکل آن است که به‌خاطر نوسانات نرخ ارز تورم و سایر متغیرهای کلان اقتصادی، قوانین مصوب و حتی خصوصی‌سازی شرکت‌ها، ساختار سرمایه‌ای و به‌خصوص سرمایه در گردش برخی از شرکت‌ها دچار تغییراتی می‌شود که در ظاهر مشکل تداوم فعالیت را تداعی می‌کند که حساب‌رسان معمولاً آن را در گزارش خود مطرح و حتی در مواردی میان آن‌ها و کارشناسان بورس و جامعه‌ی حسابداران رسمی درخصوص چگونگی موضع‌گیری آن‌ها اختلافاتی مطرح می‌شود. مشکل این‌جاست که علی‌رغم درج این موارد توسط حساب‌رسان اکثریت قریب به اتفاق این شرکت‌ها به فعالیت خود ادامه می‌دهند. شرکت‌هایی را می‌شناسم که علی‌رغم درج مشکل تداوم فعالیت، قیمت سهام آن‌ها رشد سریعی دارد. دلیل آن هم واضح است به‌خاطر محیط اقتصادی مغشوش ایران، ارزش انحلال تعدادی از این شرکت‌ها به مراتب بالاتر از ارزش دایر آن‌هاست. در حالی که حساب‌رسان ارزش دایر آن‌ها را مبنای اظهارنظر به تداوم فعالیت قرار می‌دهند، سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل شرکت در تصمیمات خود به ارزش انحلال آن‌ها توجه دارند. به‌هرحال چنین شرکت‌هایی به‌هیچ‌وجه ورشکسته نمی‌شوند تنها می‌توانند فعالیت‌های خود را آگاهانه متوقف کنند. صحبت این‌جاست که آیا واقعیت‌های اقتصادی جامعه واقعیت دارند یا استنباطی که ما حساب‌رسان از آن واقعیت‌ها داریم؟ آیا ما حق داریم واقعیت‌های اقتصادی جامعه را نادیده



بگیریم برای این که فکر می‌کنیم آن‌ها نادرستند و قضاوت ما و استانداردهای ما درست است و با پوزخند صاحبان و مدیران این شرکت‌ها و واقعیت‌های بازار سرمایه مواجه شویم و کماکان بر این اشتباهات خود پافشاری کنیم.

تلخیص و جمع‌بندی

به‌طور خلاصه مشاهده کردیم گاه حسابداران و حسابرسان واقعیت‌های اقتصادی را که افراد غیر حسابدار بر مبنای منطق ساده و عقل سلیم خود به‌راحتی درک می‌کنند نمی‌بینند. سرمایه‌گذاری سهام‌داری را که خودش را صاحب شرکت و کار خودش را سرمایه‌گذاری می‌داند به حساب بدهی شرکت منظور می‌کنند و او را جزو طلب‌کاران شرکت به حساب می‌آورند و برای توجیه انتقال بدهی مذکور به حساب سرمایه فرض می‌کنند که نرخ بازده مورد انتظار سهام‌دار حتی از نرخ بهره‌ی بانکی هم پایین‌تر است. همچنین برای ارزیابی گزارش توجیهی آن از استاندارد حسابداری و حسابرسی مالی آتی برای رویدادی که در گذشته اتفاق افتاده و تمام شده است استفاده می‌کنند.

آن‌ها هزینه‌های پشتیبانی پروژه را در در سرفصل هزینه‌های اداری ثبت و بخشی از آن را تحت عنوان هزینه‌های هدررفته به حساب سود و زیان منظور و آن را در صورت جریان‌های نقدی به‌عنوان فعالیت مستمر عملیاتی منعکس می‌کنند و در مقابل تعجب کسانی که چرا این مخارج را به حساب پهای تمام‌شده‌ی پروژه منظور نمی‌کنند توضیح قانع‌کننده‌ای ارائه نمی‌دهند.

برای شرکتی که ارزش انحلال آن از ارزش دایر آن به‌مراتب بیشتر است و چنین شرکتی فاقد ریسک ورشکستگی و عدم‌ایفای تعهدات است، مشکل تداوم فعالیت مطرح می‌کند و در مقابل خنده و تمسخر صاحبان و مدیران آن‌ها و مردمی که برای خرید سهام آن‌ها صف بسته‌اند و واقعیت‌های اقتصادی جامعه خم به ابرو نمی‌آورند.

آن‌ها با عدم رعایت یک اصل ساده‌ی اقتصادی به نام اصل جدایی تصمیمات مالی از تصمیمات سرمایه‌ای که در کتب درسی خود آن را خوانده‌اند به‌ازای ترکیب‌های مختلف ساختار مالی شرکت برای یک سرمایه‌گذاری واحد چندین نرخ IRR مختلف محاسبه و سرمایه‌گذاران را با مشکل تصمیم‌گیری مواجه می‌کنند.

آن‌ها دانش پیچیده و عجیب و غریب خود را بهتر و برتر از واقعیت‌های اقتصادی جامعه میدانند ولی هیچ‌گاه به دانش خود و برداشت‌های خود شک نمی‌کنند و نمی‌گویند شاید اشکال از ما و برداشت اشتباهی باشد که از دانش حسابداری داریم. آیا لازم است حسابداران این‌قدر عجیب و غریب و غیر متعارف باشند؟

مبانی تئوریک اشتباهات

حال که به نمونه‌ای از اشتباهات رایج حسابداران در تصمیمات سرمایه‌گذاری اشاره شد، بهتر است به دو مورد از دلایل وقوع آن‌ها نیز اشاره کنیم:

مورد اول: تضاد معروف و مشهور به تضاد شکل و محتوا در حرفه‌ی حسابداری که عمدتاً از چسبیدن حسابداران به الگوهای شکلی رایج در حرفه‌ی حسابداری ناشی می‌شود که در آن فعالیت‌های پیچیده‌ی اقتصادی به رویدادها و معاملات منفرد تجزیه و با روش خاصی در حساب‌ها ثبت می‌شوند. این امر در عمل مانع تمرکز و توجه دقیق و صحیح حسابداران به کلیت و پیچیدگی فعالیت‌های اقتصادی و در نهایت مانع ثبت صحیح محتوای اقتصادی رویدادها در سیستم حسابداری می‌شود.

مورد دوم: عدم‌توجه حسابداران به زیربنای تئوریک و مفروضات مدل‌های به‌عاریت گرفته شده از سایر علوم و به‌خصوص علم اقتصاد است که نمونه‌ی شاخص آن همانا مدل‌های بودجه‌بندی سرمایه‌ای است که از آن‌ها عمدتاً در تهیه‌ی گزارش‌های توجیهی افزایش سرمایه استفاده می‌شود، که به مواردی از آن در این بررسی اشاره شد، از قبیل عدم‌توجه به جریان‌های نقدی، ارزش روز و ارزش جایگزینی منابع به‌کار گرفته شده در سرمایه‌گذاری‌ها و هزینه‌ی فرصت از دست‌رفته‌ی منابع مذکور که حسابداری راه‌حل قانع‌کننده‌ای برای ثبت آن‌ها ندارند. لذا مدل‌های مذکور را به‌ناچار در قالب تهیه‌ی صورت‌های مالی فرضی و مفروضات حسابدارانه‌ی آن‌ها به‌کار می‌برند که در نهایت منجر به غلبه‌ی مفروضات حسابداری به مفروضات اقتصادی پشتوانه‌ی مدل‌ها شده و تصمیم‌گیری سهام‌داران را با مشکل مواجه می‌کند.

پیشنهادهای کاربردی

سخن کوتاه، در این نوشته‌ی تحلیلی ۶ مورد از اشتباهات رایج حسابداران و حسابرسان در تهیه‌ی صورت‌های مالی شرکت‌های قبل از بهره‌برداری و اظهارنظر نسبت به آن‌ها مورد بحث قرار گرفت. اشتباهات مذکور و راهکارهای برطرف نمودن آن‌ها به شرح ذیل قابل‌تلخیص است:

«اول» ثبت آورده‌ی نقدی سهام‌دار در شرکت قبل از بهره‌برداری به حساب بدهی شرکت.

این نحوه‌ی ثبت اشتباه است برای این‌که با تعریف بدهی در تئوری حسابداری و استاندارد حسابداری مغایر است.

راه‌حل: ثبت آن در قسمت حقوق مالکانه تحت سرفصل مناسب مثلاً آورده‌ی سهام‌داران است که پس از طی مراحل قانونی تبدیل به سرمایه خواهد شد.

«دوم» ثبت هزینه‌های پشتیبانی پروژه در سرفصل



به‌جز انتقال آن به حساب سرمایه انتخاب دیگری ندارند انتقال آن به حساب سرمایه‌ی ثبت شده، مشمول استاندارد اطلاعات مالی آتی نیست، لذا لازم است به‌جای آن اف اس شرکت که مبنای بودجه‌ی پروژه بوده و آورده‌ی سهام‌داران بر اساس آن صورت گرفته، مبنای تصمیم‌گیری برای انتقال مطالبات به سرمایه‌ی ثبت شده قرار گیرد.

«پنجم» استفاده از فرمول بورس برای انتقال مطالبات حال شده به حساب سرمایه

راه‌حل: نظر به این‌که فرمول مذکور مبتنی بر دو فرض اشتباه اخذ وام از سیستم بانکی برای پرداخت طلب سهام‌دار که به‌معنای حذف سرمایه‌گذاری و تعطیل شرکت می‌باشد و این فرض اشتباه است که نرخ بازده موردانتظار سهام‌داران حتی از نرخ بهره‌ی بانکی پایین‌تر است. استفاده از فرمول مذکور کنار گذاشته شده و همان اف اس شرکت مبنای تصمیم‌گیری سهام‌داران برای انتقال مطالبات حال شده‌ی سهام‌داران به سرمایه باشد.

«ششم» لازم است به این واقعیت که علی‌رغم درج مشکل تداوم فعالیت در گزارش حسابرسان در عمل شرکت‌های زیادی طی سال‌های متمادی به فعالیت خود ادامه می‌دهند توجه شود تا استانداردهای حسابرسی به‌خاطر تعارض آن با واقعیت‌های اقتصادی جامعه زیر سؤال نرود. به‌علاوه، از ارائه‌ی اطلاعات مالی آتی متعدد برای یک سرمایه‌گذاری واحد و تأیید آن‌ها خودداری شود تا اعتماد سرمایه‌گذاران به گزارش‌های مذکور خدشه دار نشود.

هزینه‌ی اداری که مخصوص شرکت‌های در حال بهره‌برداری است و تسهیم تنها بخشی از آن به حساب بهای تمام‌شده‌ی پروژه.

راه‌حل: ثبت مخارج مذکور در سرفصل هزینه‌های پشتیبانی و تخصیص تمامی آن به بهای تمام‌شده‌ی پروژه است. لازم به توضیح است که برخی از مخارج که طبق استاندارد حسابداری شرکت‌های قبل از بهره‌برداری قابلیت تخصیص به پروژه را ندارند باید به حساب سایر هزینه‌ها منظور شوند.

«سوم» تهیه‌ی صورت حساب سود و زیان برای بخش تسهیم نشده‌ی هزینه‌های اداری و انعکاس آن در صورت جریان‌های نقدی تحت عنوان مخارج مصرف شده در فعالیت‌های عملیاتی، مشابه شرکت‌های در حال فعالیت.

راه‌حل: عدم تهیه‌ی صورت و زیان برای شرکت‌های قبل از بهره‌برداری که عمدتاً از ثبت مخارج پشتیبانی پروژه در سرفصل هزینه‌ی اداری و تسهیم اشتباه آن ایجاد می‌شود که در این صورت نیازی به انعکاس این مخارج در سیکل فعالیت‌های عملیاتی در صورت جریان‌های نقدی نخواهد بود.

«چهارم» تهیه‌ی اطلاعات مالی آتی برای انتقال مطالبات حال شده‌ی سهام‌داران به حساب افزایش سرمایه و اظهارنظر نسبت به آن بر مبنای استاندارد مالی آتی.

راه‌حل: نظر به این‌که آورده‌ی سهام‌دار یا مطالبات حال شده‌ی او، عملاً در گذشته اتفاق افتاده است و سهام‌داران

آسیب شناسی حرفه‌ی حسابرسی در ایران

محمد حسین زواریان

بسیار اساسی استقلال حسابرسان است. در تئوری‌های حسابرسی، حسابرسان خودنظم و خودسامان تعریف شده است. شاید به همین دلیل باشد که در تئوری‌های حسابرسی به استقلال و شایستگی به همراه هم پرداخته شده است.

به اعتقاد نگارنده این مفاهیم اساسی و زیر بنایی حرفه‌ی حسابرسان در تدوین اساسنامه‌ی جامعه‌ی حسابداران رسمی نادیده گرفته شده است. از ۱۵ آیین‌نامه جهت نظارت بر کار حرفه‌ای حسابداران رسمی تدوین شده که به نظر می‌رسد با تئوری‌های حسابرسان در خصوص استقلال حداقل در ظاهر تعارض دارد. نتیجه‌ی آن نیز موانع و مشکلات عدیده و خاص حسابرسان در ارائه‌ی خدمات حرفه‌ای است؛ به طوری که به‌منظور رعایت آیین‌نامه‌های مذکور که خود مبنای رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسان است،

مورد حرفه‌ی پزشکی هیچ‌گاه شنیده نشده که سازمان نظام پزشکی فهرست بیماران ویزیت‌شده به همراه روند درمان و مبالغ دریافتی بابت حق ویزیت، به همراه مستندات کیفیت درمان، را از پزشکان جهت بررسی سالانه، همراه با مراجعه‌ی حضوری به مطب پزشک دریافت کرده باشد. از همه مهم‌تر این که براساس مستندات فوق نیز نمرات خاص اعطا و افراد شاغل در حرفه‌های مذکور را رتبه‌بندی کند.

به حرفه‌ی حسابرسان و حسابداران رسمی بازگردیم. فعالیت در این حرفه طبق ضوابط خاص خود از ورود به حرفه و ادامه‌ی فعالیت در آن با توجه به آیین رفتار حرفه‌ای و استانداردهای حسابرسان است. تدوین استانداردهای ضوابط مذکور طبعاً بر پایه‌ی تئوری‌های حسابرسان استوار است. تئوری‌های مذکور شامل روش‌شناسی حسابرسان، پیشینه‌ی حسابرسان، نقش اقتصادی و اجتماعی حسابرسان و مبحث کلیدی و

حرفه‌ی حسابرسان از جمله حرفه‌هایی است که دارای مسئولیت‌های اجتماعی است و از این باب می‌توان این حرفه را در طبقه‌ی حرفه‌هایی نظیر وکالت و پزشکی طبقه‌بندی کرد که طبق ضوابط خاصی فعالیت می‌کنند. به همین دلیل، حرفه‌ی حسابرسان عمدتاً تحت نظارت جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران و براساس ماده واحده‌ی قانونی تشکیل شده است. با این حال، ماهیت نظارت بر این حرفه، در حدود اطلاع نگارنده، قابل‌قیاس با هیچ یک از حرفه‌های مذکور نبوده است. به‌عنوان مثال هیچ‌گاه کانون وکلای از اعضای خود، فهرست موکلین خود را همراه با روند پرونده، مبلغ حق‌الوکاله و تعداد مراجعه به دفاتر دادگاه و همچنین کیفیت لایحه‌ی دفاعیه‌ی تنظیمی و مستندات ذی‌حق‌بودن موکل را درخواست نمی‌کند تا به‌طور سالانه مورد بررسی قرار گیرد. یا در



دست نیست. در هر صورت تداوم این شرایط حرفه‌ای حسابرسی را تبدیل به حرفه‌ای غیرجذاب برای جوانان و افراد با تجربه و دانش کرده است. تعریف مسئولیت تضامنی بین شرکا در مؤسسات حسابرسی عملاً ادغام و تشکیل مؤسسات حسابرسی بزرگ را، آن چنان که در کشورهای پیشرفته معمول است، دشوار می‌کند. حاصل آن است که در نهایت مؤسسات کوچک و متوسط از گردونه‌ی کار حرفه‌ای خارج و حسابداران رسمی شاغل در مؤسسات مذکور به‌مرور غیرشاغل خواهند شد. همچنین، به دلیل کاهش مؤسسات حسابرسی و افراد شاغل در حرفه ذی‌نفعان برای اعتباربخشی به اطلاعات مالی روش و راهی به غیر از جامعه‌ی حسابداران رسمی را انتخاب خواهند کرد. این موضوع به نظر نگارنده همان آسیب جدی است که آینده‌ی حرفه‌ی نوپای حسابدار رسمی در ایران را تهدید خواهد کرد.

ناپایداری فعالیت حسابرسی انجامیده و وی از حرفه‌ی حسابرسی حذف خواهد شد.

مروری بر کناره‌گیری حسابرسان و حسابداران رسمی از کار حرفه‌ای نشان می‌دهد که کناره‌گیری‌ها عمدتاً ناشی از موارد یادشده نبوده و تغییر وضعیت حسابداران رسمی از شاغل به غیرشاغل به دلیل فشار ناشی از رعایت همزمان و کامل ضوابط و آیین‌نامه‌های پیش‌گفته است که حرفه‌ی حسابرسی را تبدیل به حرفه‌ای با عایدی کم نسبت به تجربه، دانش و زحمت اعضای شاغل آن کرده است.

به‌هنگام نگارش این مقاله نزدیک به ۴۰ درصد کل اعضای جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران غیرشاغل در حرفه هستند. هر چند اطلاعاتی در خصوص این که چه تعداد از اعضای غیرشاغل به دلیل کهولت سن و یا مهاجرت و یا دلایل شخصی به غیرشاغل تغییر وضعیت داده‌اند در

اتکای صرف به پرونده‌ها و مستندات فیزیکی می‌شود. این مستندات در هر زمان قابل تهیه و تکمیل است، ضمن این که بررسی کیفیت گزارش‌های حسابرسی صادره که محصول نهایی کار حرفه‌ای حسابرسان است نیز بدون در نظر گرفتن شرایط خاص و محیط اقتصادی و اجتماعی کشورمان که اساساً جامعه‌ای فردگرا و بی‌علاقه به حسابداری و شفافیت است صورت می‌گیرد. لذا در نظارت‌های مذکور موضوع اساسی که همواره مغفول می‌ماند خودانتهایی حسابرسی است. خودانتهایی حسابرسان سبب حسن شهرت و اعتبار حرفه‌ای ایشان خواهد بود به‌طوری که اساساً هر حسابرسی و موسسه حسابرسی که دارای قدمت فعالیت بیشتری است توانسته است با خودانتهایی اعتماد ذی‌نفعان را جلب نماید و در این راستا در صورت نداشتن حسن شهرت و اعتبار که حاصل عدم رعایت اصول و ضوابط حرفه‌ای است به

به کارگیری تفکر سیستمی در شرایط پیچیده‌ی حسابرسی

وحید منتی، محمد ارمغان

۱۹۸۹؛ پرایس واتر هاوس کوپرز،
۲۰۰۳). با وجود ضرورت تحصیل و
به کارگیری مهارت‌های تفکر انتقادی،
دستورالعمل‌های کمی درباره نوع
مهارت‌های لازم و نحوه‌ی کسب چنین
مهارت‌هایی وجود دارد.

بیش از ۲۰ سال پیش، باریل، کانینگهام،
فورد هام، گاردنر و ولکات (۱۹۹۸)، برای
شناخت و درک چگونگی تعریف تفکر
انتقادی، با حسابداران حرفه‌ای عمومی
مصاحبه کردند. عجیب نیست که افراد
حرفه‌ای نظرات بسیار متفاوتی درباره‌ی
نحوه تعریف این مفهوم داشتند. به نظر
می‌رسد که افراد حرفه‌ای به‌طور کلی
از اصطلاح تفکر انتقادی برای تشریح
ویژگی‌های نامشخصی که منجر به اعمال
قضاوت‌ها و تصمیم‌گیری با کیفیت منتج
می‌شوند؛ استفاده می‌کنند. با این حال،
ویژگی‌های پرتکرار بسیاری وجود داشتند
که از آن جمله می‌توان به قابلیت دیدن
«تصویر بزرگ»، دانستن اینکه چه زمانی
به اطلاعات بیشتری نیاز است و توانایی
کار بست دانش به دست آمده حاصل از یک

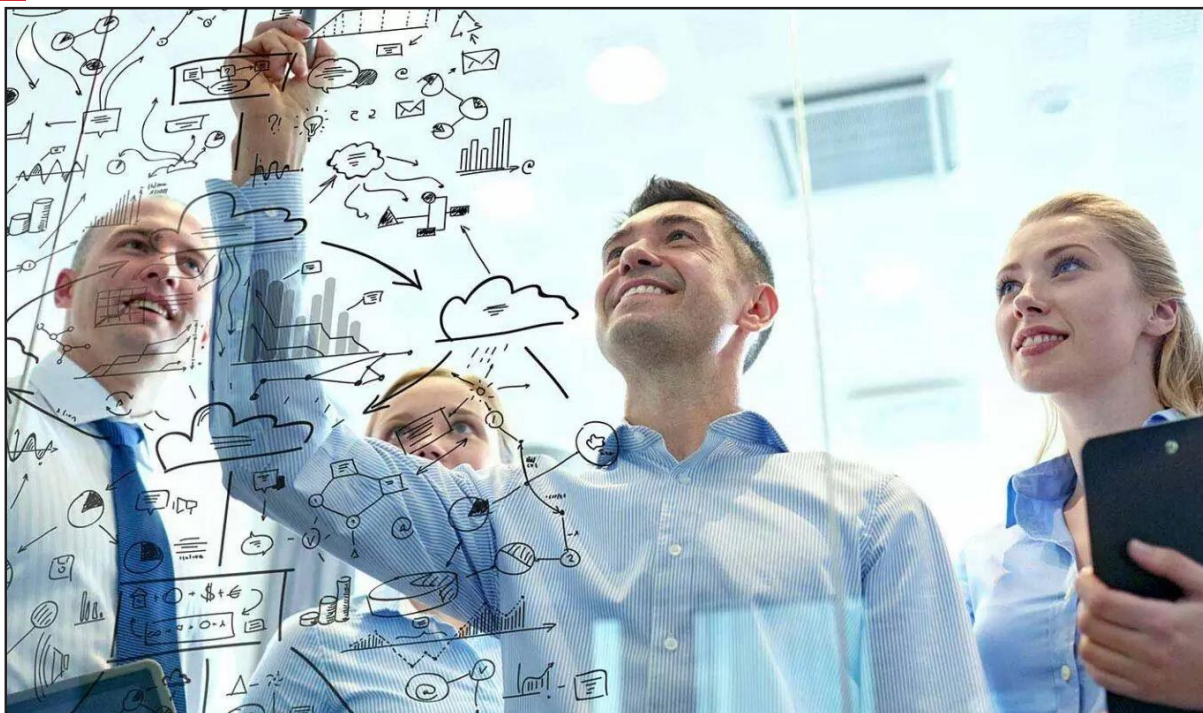
در جلسه‌ها یا دوره‌های کوتاه آموزشی
در فرایند حسابرسی گنجانند، تا یادگیری
حاصل شود و کم‌کم ذهن‌ها به آن عادت
کند.

۱. مقدمه

حسابرسان حرفه‌ای و فعالان حرفه‌ی
حسابداری عمومی و پژوهشگران
دانشگاهی مدت‌هاست که به اهمیت
توانایی حسابداران در «تفکر انتقادی»
پیرامون قضاوت‌های پیچیده اما بیشتر
ساختار نیافته که در حرفه حسابرسی
ضروری هستند، پی برده‌اند. در واقع،
مؤسسات حسابرسی تمامی آثار و
انتشارانشان را به شرح ضرورت اجرای
کار توسط هر دو حسابرسان باتجربه و
جوان حرفه‌ای برای درک پیچیدگی‌های
نحوه تعامل صاحب‌کاران با صنعتی که
در آن فعالیت می‌کنند و وضعیت کلی
اقتصادی اختصاص داده‌اند (بل، مارس،
سولومون و توماس، ۱۹۹۷؛ بل، پیچر
و سولومون، ۲۰۰۵؛ شرکای مدیریتی
هشت مؤسسه‌ی بزرگ حسابرسی،

خلاصه‌ی سه پژوهش
دانشگاهی (بروستر،
۲۰۱۱؛ بروستر، ۲۰۱۶؛
بوکارو، ۲۰۱۹) که

تأثیرات شکل خاصی از تفکر انتقادی^۱،
یعنی تفکر سیستمی^۲، بر قضاوت‌های
حسابرسی را بررسی می‌کنند، در این
مقاله آمده است. تفکر سیستمی بر
چشم‌انداز کل‌نگر «تصویر بزرگ»^۳ و
درک نحوه‌ی تعامل و کارکرد بخش‌های
فرایندهای پیچیده تأکید می‌کند.
روی هم رفته، مطابق نتیجه‌گیری این سه
پژوهش، تفکر سیستمی سبب می‌شود
حسابرسان، از طریق بهبود ارزیابی خطر و
پردازش اطلاعات، شناخت و درک بهتری
از خطر تحریف با اهمیت داشته باشند.
در نهایت، پیشرفت‌های به دست آمده در
تفکر انتقادی نیز باعث افزایش احتمال
تشخیص توضیحات ناصحیح مدیران
اجرائی و در نظر گرفتن اطلاعات جامع
در تصمیمات حسابرسی می‌شوند. نتیجه
مهم دیگر آن است که بر اساس یافته‌های
این پژوهش‌ها، تفکر سیستمی را می‌توان



وضعیت در شرایطی جداگانه و نامرتبط دیگر اشاره کرد. با این حال، بیشتر این تعریف‌ها از تفکر انتقادی در سطح مفهومی بوده‌اند، یعنی تشریح کننده نتایج تفکر انتقادی یا آنچه احتمالاً از تفکر انتقادی «به نظر می‌آید» هستند، اما عموماً روش‌شناسی خاصی را برای اجرای تفکر انتقادی شناسایی نکرده‌اند. در این مقاله، خلاصه سه پژوهش حسابداری جاری مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. این سه مطالعه به بررسی روش تفکر انتقادی می‌پردازند که شامل مجموعه مشخصی از مهارت‌هاست. تفکر سیستمی که دیدگاه کل‌نگر از محیط را اتخاذ می‌کند و در عین حال، همچنان قادر به تمرکز بر نحوه همکاری اجزای محیط است، توسعه یافته و به شکل موفقیت‌آمیزی در رشته‌های دیگر به کار رفته است. این سه پژوهش حسابرسی که در این مقاله خلاصه شده‌اند، عبارت‌اند از «چگونه چشم‌انداز سیستم‌ها، عملکرد و کسب دانش، روش‌های تحلیلی را

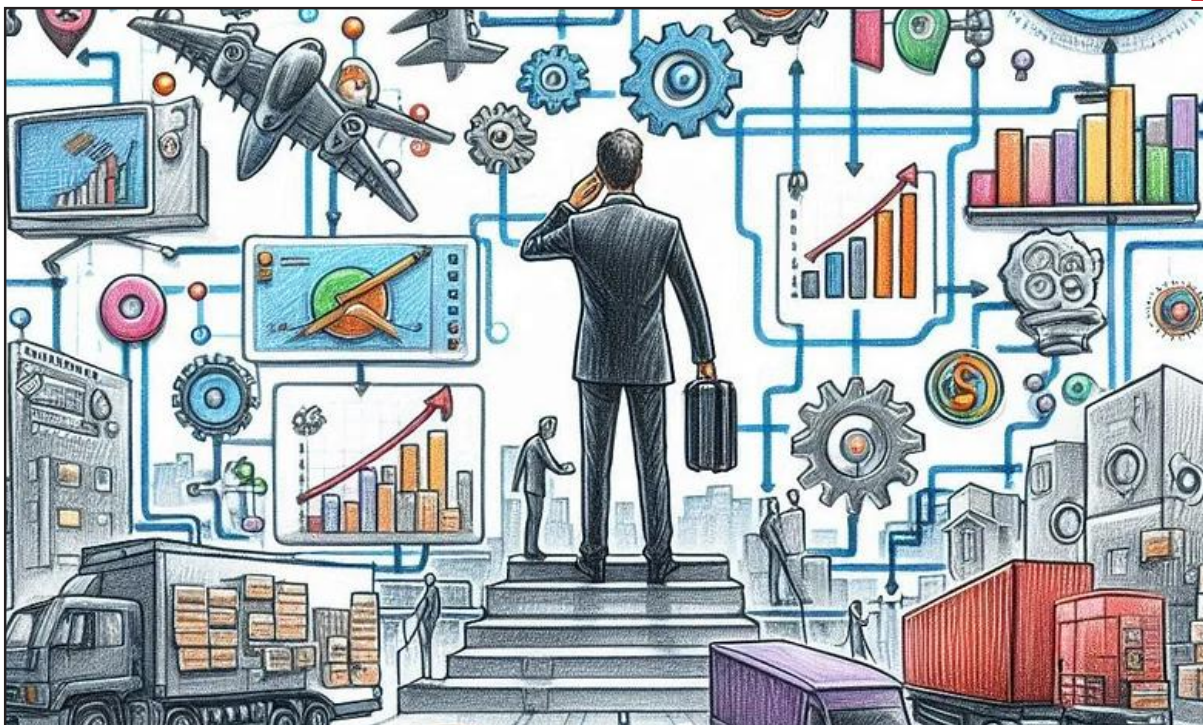
بهبود می‌دهد» (بروستر، ۲۰۱۱)، «تأثیر دروغ‌های صاحب‌کار بر مقاومت حافظه‌ی حسابرِس و پذیرش حافظه‌ی کاذب» (بروستر، ۲۰۱۶) و «ارتقای تفکر انتقادی حسابرسان در حسابرسی برآوردهای پیچیده» (بوکارو، ۲۰۱۹). این سه پژوهش، در مجموع به بررسی این موضوع می‌پردازند که مهارت‌های تفکر سیستمی چگونه باعث ارتقای شیوه کسب و ایجاد دانش توسط افراد می‌شود و دست‌آخر به بهبود تصمیمات حسابرسی و پردازش اطلاعاتشان منتج خواهد شد.

۲. نتایج و پیشینه‌ی پژوهش

پیش‌زمینه - پژوهش تفکر سیستمی دانشمندان حوزه مدیریت نشان داده‌اند که تفکر سیستمی یکی از روش‌های تفکر انتقادی است که می‌تواند تصمیم‌گیری در شرایط تجاری پیچیده را بهبود بخشد. همان‌گونه که میدوز (۲۰۰۸، ۲) تشریح کرده است، سیستم عبارت است از «مجموعه‌ای از اشیاء

- افراد، سلول‌ها، مولکول‌ها، یا هر چیز دیگری - که چنان به هم متصل شده‌اند که الگوی رفتار خودشان را در طول زمان ایجاد می‌کنند؛ بنابراین، تفکر سیستمی روشی است که سبب افزایش استفاده افراد از قابلیت‌های شناختی‌شان برای اتخاذ چشم‌انداز «تصور بزرگی» می‌شود که بر درک نحوه‌ی تعامل و کارکرد کلی فرایندهای پیچیده‌ای شامل بخش‌های مختلف سیستم (تجاری، طبیعی، یا غیره) متمرکز است؛ بنابراین، بخش انتقادی این چشم‌انداز عبارت است از درک نحوه‌ی تعامل و همکاری بخش‌های مختلف و فرایندهای اغلب چند جهتی برای تولید خروجی واحد است (بوکارو، ۲۰۱۹، ۳۸؛ میدوز، ۲۰۰۸).

از نگاه زیست‌شناس، خروجی سیستم طبیعی ممکن است الگوی متغیر جمعیت گونه‌ای خاص طی زمان باشد. از نظر حسابداری یا حسابرِس، خروجی سیستم تجاری ممکن است نوسان موجودی کالا طی زمان باشد. حسابرِس باید از عوامل آنی اثرگذار بر جریان‌های



تصمیماتشان را تشخیص دهند.

افرادی که دیدگاه تفکر سیستمی را درباره‌ی پدیده‌ای (مانند صنعتی که صاحب‌کار در آن فعالیت می‌کند) اتخاذ می‌کنند دانشی کسب خواهند کرد که شیوه سازمان‌دهی این دانش شباهت بسیار نزدیکی به ساختار واقعی «جهان واقعی» دارد (کلارک، نوین و اسولر، ۲۰۰۶).^۵ بهبود قابلیت پردازش دانش و اطلاعات و قضاوت‌های کلی حاصل از تفکر سیستمی در رشته‌های مختلفی کاربرد دارد. از این‌رو، تفکر سیستمی مخصوص روش‌شناسی حسابرسی خاصی نیست و به مرحله حسابرسی خاصی محدود نشده است. به جای آن تفکر سیستمی، شیوه‌ای برای افزایش مهارت‌های تفکر انتقادی تصمیم‌گیران در کل فرایند حسابرسی به شمار می‌رود. توسعه مهارت‌های تفکر سیستمی مزایای درازمدت بسیاری از جمله توانایی انتقاد از نواقص شناخت و دانش خود فرد از مسئله را به همراه دارد (ریچموند، ۲۰۰۰). افزون بر آن، چون ساختارهای

همکاران، ۱۹۹۷).

باین‌حال، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که حتی تصمیم‌گیران باتجربه نیز، در هنگام روبه‌رو شدن با چنین وظایفی که دارای پیچیدگی‌های پویا هستند؛ دچار مشکل می‌شوند (کرانین، گونزالس و استرمن، ۲۰۰۹؛ دیل و استرمن، ۱۹۹۵). دلیل این امر آن است که پیچیدگی محیط‌های تجاری مدرن بر قابلیت افراد برای پردازش دقیق اطلاعات غلبه می‌کند. سیستم‌های پیچیده شامل حلقه‌های بازخورد دایره‌ای و تأخیرهای زمانی هستند که اغلب درک آن‌ها دشوار است. درک چنین حلقه‌های بازخوردی مستلزم آن است که فرد روابط علی مختلف و نحوه تغییر استحکام این روابط طی زمان (مثلاً تأخیرهای زمانی) را شناسایی کند. نتیجه آن است که تصمیم‌گیران نمی‌توانند حرکت‌های غیرخطی اجزای اصلی سیستم (مانده‌های حساب یا محرک‌های بها) و نحوه‌ی اثرگذاری پیچیدگی چنین سیستم‌هایی بر

ورودی موجودی کالا (خریدها، بهای حمل، عرضه در دسترس) و جریان‌های خروجی شناخت حاصل کند. تحلیل پیشرفته‌تری از قبیل کاهش ارزش موجودی کالا نیز باید شامل جریان‌های ورودی کیفی (محصولات رقبا و مقررات احتمالی) رویدادهای اقتصادی و صنعت باشد. حسابرسان باید از حجم هر جریان ورودی و خروجی و میزان تغییر این حجم طی زمان شناخت حاصل کنند. ناتوانی در پیش‌بینی دقیق حرکت سری زمانی موجودی کالا به معنای آن است که انتظارات حسابرسان ممکن است ناصحیح باشد و به‌طور بالقوه اثربخشی روش‌های حسابرسی مرتبط با موجودی کالا را کاهش دهد. به بیان کوتاه، از دید حسابرسان، صاحب‌کار یکی از اجزاء «نظام اقتصادی» بزرگ‌تر است و شناخت دقیق فرایندهای پیچیده‌ای که منجر به تغییر در موجودی کالا می‌شود؛ مستلزم شناخت نیروهای داخل و خارج محیط است که صاحب‌کار در آن فعالیت می‌کند و بر حساب اثر می‌گذارند (بل و

پایه سیستم اغلب در طبیعت، اقتصاد و زیست‌شناسی تکرار می‌شوند و دارای الگوی مشابهی هستند، متفکران سیستمی بهتر می‌توانند شناختشان از یک زمینه (مانند فرایندی تجاری) را به زمینه‌های دیگر (مانند اثر اطلاعات بر تصمیمات احتمالی سرمایه‌گذاران)، انتقال دهند.

به‌طور سنتی، دانشمندان حوزه مدیریت تصور می‌کردند که مهارت‌های تفکر سیستمی تنها می‌تواند طی زمان و با آموزش‌های گسترده رشد و توسعه یابد؛ بنابراین پژوهشگران اقدامات ناچیزی را برای بررسی این مهارت‌ها در محیط آزمایشگاهی تجربی انجام دادند. با این حال، سه مطالعه‌ای که در این مقاله به‌صورت کوتاه به آن‌ها پرداخته می‌شود؛ به‌طور موفقیت‌آمیزی باعث شدند حساب‌رسان از مهارت‌های تفکر سیستمی در وظایف آزمایشگاهی تجربی استفاده کنند. در پژوهش بروستر، مشارکت‌کنندگان در پژوهش دانشجویان ارشد (سطح بالا) حسابداری (بروستر، ۲۰۱۷) و حساب‌رسان حرفه‌ای بودند (بروستر، ۲۰۱۶؛ بوکارو، ۲۰۱۹). در این پژوهش، مشارکت‌کنندگان معینی (که از این پس متفکران سیستمی هستند) در کلاس آموزشی مختصری شرکت کردند. این آموزش مختصر بر مفاهیم پویای سیستم با استفاده از موضوعات غیرتجاری کلی (مثل باد کردن بالن یا پر کردن وان حمام) و یا موضوعات تجاری نامربوط به موضوع حسابرسی که برای آنان عرضه شده بود، تأکید کرد. این کلاس‌های آموزشی بر اتخاذ رویکردی کل‌نگر به مسئله و چگونگی تعامل روابط علی مختلف برای اثرگذاری بر نرخ‌ها و سطوح اجزای مهم تأکید می‌کردند. باقی مشارکت‌کنندگان (که از این پس متفکران تقلیل‌گرا خوانده می‌شوند) باید اطلاعات مورد نیاز دربارۀ صاحب‌کار را تنها با استفاده از شهود خودشان یاد می‌گرفتند یا تنها طبق

استانداردهای حرفه‌ای عمل می‌کردند. سپس، تمامی مشارکت‌کنندگان، برای آنکه چشم‌اندازهای تفکر مربوطه را به‌تدریج در ذهنشان القاء کنند، نمودارهای فرایندهای معین را ترسیم کردند: سپس، به اهمیت موارد بر مبنای شرکت‌های تخیلی پاسخ دادند. کلاس‌های آموزشی باید امکان توسعه دانش و شناخت پیرامون شرکت‌ها و صنایع از جمله جنبه‌های پیچیده‌ای مانند حلقه‌های بازخورد، تأخیرهای زمانی و علیت چندگانه سیستم را که یادگیری‌شان دشوار است، برای مشارکت‌کنندگان تفکر سیستمی فراهم می‌آورد. تمامی مشارکت‌کنندگان در هر یک از این پژوهش‌ها در معرض اطلاعات صنعت و صاحب‌کار خاص مطالعه مشابهی قرار گرفتند. این افراد قضاوت‌های مرتبط با حسابرسی را ارائه می‌کردند. این قضاوت‌ها شامل پرسش‌های زیر می‌شد:

- آیا خطرهای کنترل و ذاتی بر فرایندها و صورت‌های مالی موجود در محیطی پیچیده اثرگذار است یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، این اثرگذاری چگونه است؟ (بروستر، ۲۰۱۱؛ بوکارو، ۲۰۱۹)،
- آیا خود مدیران اجرایی، مدیریتی معتبر و اطلاعاتشان قابل‌انکا هست یا خیر؟ (بروستر، ۲۰۱۱؛ ۲۰۱۶) و
- تحریف‌های مالی بالقوه گسترده، هنگامی که استدلال‌ها نشان می‌دهد که تحریف‌ها نباید اثری داشته باشند، آیا به احتمال فراوان بر تصمیمات سرمایه‌گذار اثرگذار هستند یا خیر؟ (بوکارو، ۲۰۱۹).

نتایج مطالعه

از این سه مطالعه خلاصه‌شده شواهدی به دست آمد که نشان می‌دهد اتخاذ چشم‌انداز تفکر سیستمی می‌تواند تصمیمات حساب‌رسان را در مراحل مختلف حسابرسی صورت‌های مالی، از

برنامه‌ریزی گرفته تا نتیجه‌گیری، بهبود بخشد. اگر حسابرسی را فرایند تکراری با هدف کاهش خطر تحریف بااهمیت و خطر عدم کشف و رساندن آن‌ها به سطوح قابل‌پذیرش در نظر بگیریم (بل و همکاران، ۲۰۰۵؛ هیأت نظارت بر حسابداری شرکت‌های عام، الف ۲۰۱۰، ب ۲۰۱۰)، تفکر سیستمی، از طریق امکان‌پذیر ساختن بهتر موارد زیر برای حساب‌رسان، موجب بهبود ارزیابی خطر می‌شود:

- ۱- شناخت چگونگی اثرگذاری عوامل خطر مختلف بر فرایندهای تجاری و گزارشگری مالی،
- ۲- در نظر گرفتن بهتر این عوامل در آزمون‌های محتوا و مدل خطر حسابرسی و
- ۳- تشخیص اینکه آیا انحرافات واقعی حسابرسی احتمالاً از نگاه استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی انحرافات بااهمیتی هستند یا خیر.

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات پیش روی حساب‌رسان درک این موضوع است که چگونه رویدادهای اقتصادی کلان یا خاص صنعت می‌توانند به سمت پایین جریان یابند تا بر خطر تحریف بااهمیت صاحب‌کار از طریق مؤلفه‌ی خطر ذاتی‌اش اثرگذارند (بل و همکاران، ۱۹۹۷، ۲۳). بروستر (۲۰۱۱) به بررسی روش‌هایی برای بهبود این موضوع پرداخت که حساب‌رسان چگونه می‌توانند صنعت پیچیده‌ای که صاحب‌کار در آن فعالیت می‌کند را تحلیل می‌کنند و سپس، دانشی را ایجاد کرد که این صنعت را به‌دقت بازتاب می‌داد. در این مطالعه، دانشجویان ارشد حسابداری به تحلیل محیط عملیات برای رستوران غذای فوری (غذای فوری) فرضی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که مشارکت‌کنندگان تفکر سیستمی بهتر می‌توانند از نحوه‌ی اثرگذاری نهایی خطرهای تجاری موجود در صنعت صاحب‌کار بر صورت‌های مالی شناخت

کسب کنید. متفکران سیستمی پیوندهای علی‌تری را بین نیروهای صنعت و صورت‌های مالی شناسایی کردند و برای این منظور، تلاش کمتری نسبت به مشارکت‌کنندگان تفکر تقلیل‌گرا به خرج دادند. این نتیجه - یعنی داشتن عملکرد وظیفه بهتر با تلاش کمتر - نشان‌دهنده بهبود پردازش اطلاعات در نتیجه دانش سازمان‌یافته‌تری است که راحت‌تر می‌توان به آن از حافظه دسترسی پیدا کرد (کلارک و همکاران، ۲۰۰۶).

بوکارو (۲۰۱۹)، با نشان دادن اینکه حساب‌رسان حرفه‌ای استفاده‌کننده از مهارت‌های تفکر سیستمی بهتر می‌توانند عوامل خطر کیفی را در قضاوت‌های ریسک محور پیرامون برآوردی پیچیده، یعنی ذخیره تضمین محصول، در نظر می‌گیرند، از پژوهش قبلی استفاده کرد. تأکید بر برآورد ساختار نیافته و پیچیده حسابداری مهم است، زیرا بسیاری از عوامل خطر مهم را نمی‌توان به‌سادگی کمی کرد - حساب‌رسان باید، در هنگام دستیابی به نتایج حسابرسی، عوامل کیفی را نیز ارزیابی کنند (کنچل، کریشنان، پوزنر، شفیک و ولوری، ۲۰۱۳؛ هیأت نظارت بر حسابداری شرکت‌های عام، ۲۰۰۱، د ۲۰۱۰). پژوهش حاضر به ارزیابی اثر تفکر سیستمی بر این موضوع می‌پردازد که حساب‌رسان چگونه این عامل کیفی، یعنی پیچیدگی فرایند برآورد شرکت را به شکلی مناسب در ارزیابی‌های خطر ذاتی‌شان در نظر می‌گیرند. این نتیجه یافته مهمی است، زیرا شواهد مستقیمی از آن به دست می‌آید که نشان می‌دهد مهارت‌های تفکر سیستمی موجب بهبود احتمال در نظر گرفتن عوامل خطر پیچیده حساب‌رسان در ارزیابی‌هایشان از تحریف‌های بااهمیت می‌شوند. هرچند این مطالعه به بررسی ارزیابی خطر توسط حساب‌رسان برای حساسی خاص، یعنی ذخیره تضمین محصول، پرداخته است، اما به‌سادگی

می‌توان مشاهده کرد که چگونه این چشم‌انداز تفکر مشابه احتمالاً منجر به بهبود شناسایی خطر در مراحل فرایند حسابرسی دیگری همچون پذیرش صاحب‌کار و ادامه همکاری با او در زمانی که خطر ذاتی احتمالاً به‌طور ویژه‌ای معنی‌دار است؛ می‌شود.

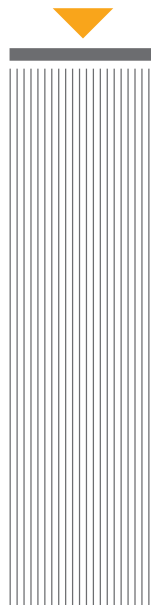
مهارت‌های تفکر سیستمی می‌توانند نحوه اجرای آزمون‌های محتوا را از سوی حساب‌رسان، به‌خصوص روش‌های تحلیلی را نیز بهبود بخشند. بروس‌تر ارزیابی صنعتی که در آن صاحب‌کار فعالیت می‌کند را به حساب‌رسان حرفه‌ای (بروس‌تر، ۲۰۱۶) و مشارکت‌کنندگان دانشجو (بروس‌تر، ۲۰۱۱) سپرد و سپس، انتظارات پیرامون نحوه‌ی تغییر هزینه مواد اولیه مشخص (قیمت‌های گوشت گاو) در طول زمان را ایجاد کرد. وقایع مهم این مورد نشان داد که قیمت‌های گوشت گاو باید، در میانه‌ی دوره‌ی حسابرسی، افزایش و بعد کاهش یابد. این نظریه و پژوهش قبلی نشان می‌دهند که تشخیص این حرکت غیرخطی برای مشارکت‌کنندگان دشوار بوده است. با این وجود، متفکران سیستمی انتظاراتی را برای قیمت‌های گوشت گاو ایجاد کردند که حرکت غیرخطی پر نوسان را تشخیص دادند. متفکران تقلیل‌گرا برآوردهایی از قیمت گوشت گاو ارائه کردند که به شکلی غلط نشان می‌داد قیمت‌ها پیوسته طی این دوره افزایش یافتند. طبق این نتایج، دانشی با سازمان‌دهی بهتر که نتیجه تفکر سیستمی است، باعث افزایش احتمال ایجاد انتظارات دقیق‌تر حساب‌رسان از آزمون مانده‌های صورت‌های مالی در اجرای آزمون‌های محتوا شد.

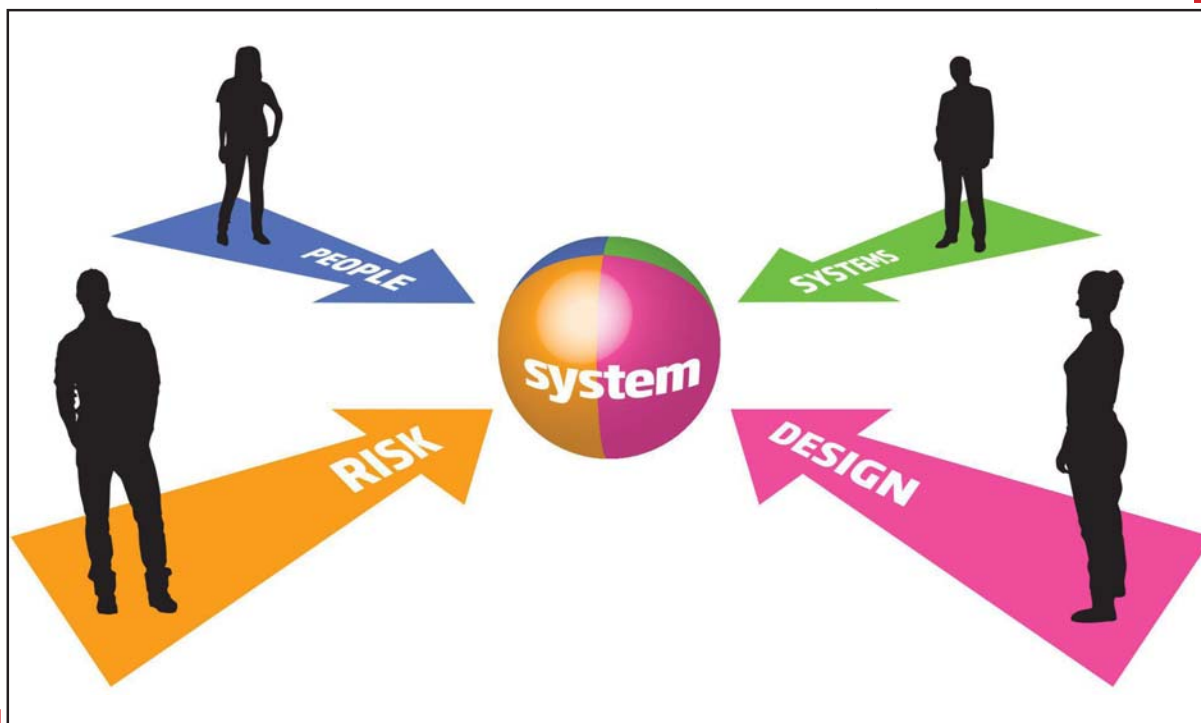
بروس‌تر (۲۰۱۱) سپس، به‌منظور ارزیابی انتظارات مدیران اجرایی در زمان اجرای روش‌های تحلیلی، به بررسی نحوه استفاده مشارکت‌کنندگان جدید حساب‌رسان از این انتظارات بهبودیافته پرداخت. به‌طور خاص،

ارزیابی مشارکت‌کنندگان چگونه اعتماد به مدیران اجرایی را در زمانی که انتظارات با شواهد صنعت سازگاری ندارند ارزیابی کردند؟ این موضوع قضاوت حسابرسی مهمی در طول فرایند آزمون‌های محتوا است، زیرا شناخت موجود از اعتماد به مدیران اجرایی احتمالاً بر تردید حساب‌رسان اثر می‌گذارد (گودوین، ۱۹۹۹؛ کنچل و مسیر، ۱۹۹۰). به خاطر داشته باشید که از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا هزینه‌های مواد اولیه (قیمت‌های گوشت گاو) را بر مبنای مجموعه‌ای از شرایط واقعیات پیچیده تعیین کنند و اینکه برآوردهای متفکران سیستمی دقیق‌تر از برآوردهای متفکران تقلیل‌گرا بودند. نتایج نشان داد که متفکران سیستمی، در مقایسه با متفکران تقلیل‌گرا، قابلیت بهتری در شناسایی انتظارات نادرست مدیران اجرایی دارند و بر این اساس، سطح ارزیابی‌هایشان از اعتماد به مدیران اجرایی را کاهش دادند.

بروس‌تر (۲۰۱۶) نیز، با استفاده از آزمایش حساب‌رسان حرفه‌ای، به نتایج مشابهی دست‌یافت. افزون بر آن به حساب‌رسان، برای فریب آنان، دروغ متقاعدکننده‌ای گفته شد. متفکران سیستمی می‌توانستند، با به خاطر آوردن واقعیات موجود درباره‌ی صنعت، در برابر تلاش مدیران اجرایی برای متقاعدسازی مقاومت کنند. متفکران تقلیل‌گرا هرچند اطلاعات موردی دریافتی‌شان دقیقاً شبیه به اطلاعات دریافتی متفکران سیستمی بود، اما نمی‌توانستند به‌خوبی در برابر متقاعدسازی مدیران اجرایی مقاومت کنند، زیرا آن‌ها، بجای واقعیات شناخته‌شده صنعت، بیشتر دروغ مدیران اجرایی را به خاطر می‌آوردند.

در نهایت، طبق استانداردهای حرفه‌ای، حساب‌رسان باید خطر تحریف‌های بااهمیت را در طول برنامه‌ریزی را ارزیابی کنند، اما باید این ارزیابی‌های اولیه را با در نظر گرفتن اطلاعات





• نحوه‌ی اثرگذاری فعالیت‌های جزئی بر نتایج کلی،
 • در نظر گرفتن مسائل در قالب مؤلفه‌های سیستمی کلی و نه رویدادها یا نتایج ظاهری و دم‌دستی
 • مشاهده و شناخت روابط پیچیده و نحوه‌ی سازگاری‌شان در اکوسیستمی (زیست‌بوم) کلی
 اما این‌ها نتایج هستند، نه مهارت‌هایی که بتوان آن‌ها را آموزش داد یا به اجرا درآورد. پیام اصلی این سه پژوهش خلاصه‌شده این است که آموزش مهارت‌های خاص تفکر سیستمی ممکن است تأثیرات مشهود و روشنی بر تصمیمات واقعی در زنجیره حسابرسی داشته باشد.

حسابرسان، با داشتن آموزش‌های حداقلی از طریق دوره‌های کوتاه آموزشی، قادر بودند تصمیمات اندیشمندانه و کامل‌تری بگیرند. مشارکت‌کنندگان تفکر سیستمی مجموعه‌ای جامع‌تر از اطلاعات را در تصمیم‌گیری‌هایشان از ارزیابی خطر می‌گنجاندند که می‌تواند

بیشتر است. به عبارت دیگر، حسابرسان تفکر سیستمی تفکری انتقادی در مورد قضاوت در مقایسه با روی آوردن به تصمیمات مکانیکی‌تر (یعنی مقایسه ساده انحرافات حسابرسی با انحراف قابل تحمل) دارند. در مقایسه، متفکران تقلیل‌گرا، در زمان تعیین اثر تحریف، هیچ شواهدی دال به کاربست تفکر انتقادی نداشتند.

۳. درس‌هایی برای حسابرسان و افراد حرفه‌ای و انجام پژوهش آتی
 در دهه‌های گذشته تفکر انتقادی بیشتر به صورت مفهومی جزو بخشی از گفتمان افراد حرفه‌ای (حسابرسان) بوده است. این سه پژوهش که پیش‌تر تشریح شدند، نشان‌دهنده شواهد علمی اخیر در مورد روشی خاص و قابل اجرا برای دستیابی به نتایجی هستند که حسابرسان حرفه‌ای به دنبالشان هستند. تفکر انتقادی در قالب توانایی شناخت موارد زیر تعریف شده است (والردی و روز، ۲۰۱۰):

جدید کسب شده در فرایند حسابرسی به‌روزرسانی کنند (هیأت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام، ۲۰۱۰). حسابرسان باید این موضوع را ارزیابی کنند که آیا انحرافات احتمالی حسابرسی درواقع برای استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی بااهمیت است یا خیر و این موضوع اصلاح ارزیابی خطر را ضروری می‌سازد. بوکارو (۲۰۱۹)، پس از پیوند دادن تفکر سیستمی به درک بهتر از نقش پیچیدگی فرایند در ارزیابی خطر ذاتی، به ارزیابی آثار تفکر سیستمی بر تعیین نهایی حسابرسان در مورد این موضوع پرداخت که آیا تحریف بالقوه بااهمیت در نظر گرفته می‌شود یا خیر. طبق یافته‌های این مطالعه، وقتی حسابرسان تفکر سیستمی وادار به قضاوت حرفه‌ای می‌شوند، احتمال اینکه، در هنگام تصمیم‌گیری در مورد بااهمیت بودن یا نبودن تحریف برای استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی، ویژگی کیفی (یعنی پیچیدگی خود فرایند) را به‌طور مناسبی در نظر بگیرند

بر پذیرش و ادامه همکاری با صاحب کار و نیز ارزیابی خطر مستمر و تکرارشونده در حسابرسی اثر گذارد. هر چند در این سه پژوهش به طور خاص این موضوع که ارزیابی بهتر خطر می تواند منجر به آزمون های محتوا برنامه ریزی شده بهتر و در نتیجه اثربخش تر شوند، آزمایش نشده است. این مطالعات خلاصه شده به ارزیابی روش های تحلیلی به عنوان آزمون های محتوا پرداختند و دریافتند که مشارکت کنندگان تفکر سیستمی بهتر می توانند اشتباه ها و حتی دروغ های مدیران اجرایی را تشخیص دهند که نشان می داد متفکران سیستمی احتمالاً تردید حرفه ای مناسب تری طی اجرای آزمون های محتوا اعمال می کنند. دست آخر، حسابرسان دارای تفکر سیستمی می توانستند شناخت پیشرفته ترشان از پیچیدگی صنعت را در چیزی در نظر گیرند که احتمالاً انتقادی ترین تصمیم حسابرسی، یعنی قضاوت درباره ی مفهوم اهمیت، بوده است.

هر چند مطالعات تشریح شده در این مقاله بر وجود شواهدی از بهبود تصمیمات در سناریوهای پیچیده ی حسابداری دلالت دارند، اما به احتمال

فراوان تفکر سیستمی نمی تواند باعث بهبود تصمیمات در حوزه های مختلف شود. برای مثال، حساب های صورت های مالی که دارای پیچیدگی کمتر یا حساب هایی که مستلزم برآورد یا تفکر کمتری هستند؛ احتمالاً به شیوه ی تفکر تقلیل گرایی خطی بهتر ارزیابی می شوند. برای مثال یکی از این موارد مربوط به شمارش فیزیکی موجودی کالا است (اگرچه، مسلماً، تفکر عمیق تر در کسب و کار ممکن است همچنان به ارزیابی بهتر موجودی ها از قبیل کالاهای ناباب منجر شود)؛ بنابراین، پژوهشگران دانشگاهی و افراد حرفه ای (حسابرسان و حسابداران)، در هنگام مطالعه درباره این روش تفکر انتقادی، باید شرایط و چارچوب هایی را که در آن تفکر سیستمی باعث بهبود نتایج می شود و شرایط و چارچوب هایی را که در آن تفکر سیستمی باعث بهبود نتایج نمی شود؛ شناسایی کنند.

این مطالعات، برخلاف بیشتر مطالعات پیشین، نشان داده اند که مهارت ها را می توان از طریق استفاده از صورت های آموزشی توضیحی کوتاه و گرافیک و تصویرسازی که می توان در قالب های مستندات شرکت معرفی کرد، یاد داد.

حسابرسان علاقه مند به دستیابی به نتایج تفکر انتقادی، احتمالاً معرفی ترکیب آموزش رسمی روش های تفکر سیستمی و یادآوری کننده های کوچک موجود در سیستم های مستندسازی حسابرسی را در نظر می گیرند. با توجه به پیشرفت های چشمگیر امروز در فناوری و پیاده سازی رو به رشد آن فناوری ها در حرفه ی حسابرسی، حسابرسان حرفه ای باید با دقت و محتاطانه نحوه ی استفاده ی احتمالی از تفکر سیستمی در توسعه ی ابزارها و ارزیابی خروجی شان و نیز نحوه ی آموزش تدریجی تفکر سیستمی به افراد حرفه ای از طریق خود این فناوری را در نظر بگیرند.

در نهایت، هر چند پژوهش تشریح شده در این مقاله بر فرایندهای حسابرسی متمرکز است، اما احتمالاً به کارگیری تکنیک های تفکر سیستمی بهبودهای مشابهی در سایر زمینه های حسابداری نظیر گزارشگری مالی، حسابداری مدیریت و حتی خدمات مشاوره ای را در بر خواهد داشت. پژوهش درباره به کارگیری این رویکرد توسط مدیران مالی، مشاوران و سایر مدیران اجرایی مالی در پژوهش های آینده نیز می تواند نتایج ارزشمندی در برداشته باشد.

منبع:

Brewster, Billy E. and Bucaro, Anthony C. 2020. Systems-Thinking in Complex Audit Situations, CURRENT ISSUES IN AUDITING American Accounting Association Vol. 14, No. 2, Fall 2020, pp. P40-P46.

پی نوشت ها:

- 1 . critical thinking
- 2 . systems-thinking
- 3 . big picture

۴. تفکر سیستمی، علی رغم عنوان آن، نشان دهنده ی روشی برای سیستم های «کامپیوتری» به منظور تفکر بجای انسان نیست، بلکه نشان دهنده ی روشی برای انسان ها به منظور ادغام دانش و اطلاعات در تفکر خودشان است.

۵. بروستر (۲۰۱۱) شرح می دهد که تفکر سیستمی چگونه از حوزه ی پویایی سیستم توسعه می یابد. پویایی سیستم بر توسعه شبیه سازی ها و مدل های کامپیوتری (مانند پیش بینی افزایش جمعیت یا کاهش گونه ها) که شامل پیچیدگی ای می شود که معمولاً بر فرد غلبه می کند، متمرکز است. این مدل ها شامل ویژگی های از قبیل حلقه های بازخورد،

تأخیرهای زمانی و علیت چندگانه ای می شود که تصمیم گیران در کشان مشکل دارند. تفکر سیستمی در تلاش است تا به منظور بهبود تصمیم گیری کلی افراد در شرایط مختلف، چنین ویژگی های پیچیده ای را به قابلیت های تفکر و دانش آن ها اضافه کند.

۶. یکی از مفاهیم اصلی در حوزه علوم و شناخت شناسی، مفهوم تقلیل گرایی یا فروکاست گرایی (Reductionism) است که به تقلیل و فرو کاهی طبیعت اشیاء و رفتار پیچیده پدیده ها به مجموع مؤلفه ها و اصول بنیادین آن ها اشاره می کند. مفهوم تقلیل گرایی را نخستین بار دکارت معرفی کرد. برای دکارت تمام جهان همانند یک ماشین بود که می شد با مطالعه هر یک از اجزاء و مؤلفه هایش به شناخت و فهم کل آن نائل آمد.

اثرات مدیریت زمان بر تسریع جریان نقدشوندگی دارایی‌های جاری در واحدهای تجاری

مرتضی ادیبی

مقدمه

در زمان سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تجاری و تهیه‌ی طرح توجیهی فنی و اقتصادی سرمایه‌گذاری، دو عامل مبلغ سرمایه‌گذاری و دوران بازگشت سرمایه‌گذاری، از عوامل بررسی و تحلیل توجیه مطلوبیت سرمایه‌گذاری در فعالیت مربوطه است. ولی پس از آغاز دوره‌ی بهره‌برداری از سرمایه‌گذاری، رعایت عامل اصلی زمان بازگشت مدت سرمایه‌گذاری در مدت پیش‌بینی شده در طرح توجیهی مربوطه، در اکثر موارد نادیده گرفته شده و لذا سرمایه‌گذاری نیز، منجر به زیان‌دهی می‌گردد. در اثر مدیریت زمان، دارایی‌های جاری دارای قدرت نقدشوندگی لازم، جهت سودآوری به‌منظور بازگشت سرمایه‌گذاری طبق مدت تعیین‌شده در طرح توجیهی را امکان‌پذیر خواهد کرد.

روش‌شناسی

اثرات مدیریت زمان در تسریع لازم در جریان نقدشوندگی دارایی‌های جاری به‌منظور کسب سودآوری مطلوب، جهت بازگشت سرمایه‌گذاری طبق مدت تعیین‌شده در طرح توجیهی تهیه شده در زمان سرمایه‌گذاری جهت تأسیس واحد تجاری را، فراهم خواهد کرد. در این زمینه، رعایت زمان بازگشت سرمایه‌گذاری به‌منظور امکان سوددهی مورد نظر در واحد تجاری مربوطه، در اکثر مواقع، پس از شروع بهره‌برداری از پروژه، به دست فراموشی سپرده شده و کنترل‌های لازم در طی فرآیند انجام تولید محصول، فروش محصول و وصول مطالبات حاصله و یا ارائه‌ی خدمات و وصول مطالبات مربوطه، توسط مدیران اجرایی شرکت صورت نگرفته و از این‌رو نتایج عملیات شرکت منجر به زیان و یا کاهش میزان سودآوری نسبت به طرح توجیهی تهیه شده در زمان شروع سرمایه‌گذاری می‌گردد.

در شرکت‌های پیمانکاری نیز، صرفاً به برنده‌شدن شرکت در مناقصات و عقد قرارداد با کارفرما و انجام کار و تحویل پروژه به کارفرما بسنده می‌شود، لیکن در اکثر مواقع که مدت صرف‌شده جهت اجرای پروژه، مازاد بر مدت مذکور در قرارداد فی‌مابین با کارفرما شده و موجب ایجاد تأخیر در مدت تحویل پروژه به کارفرما می‌گردد، این موضوع مورد توجه مدیران اجرایی پروژه‌های شرکت قرار نمی‌گیرد. در این حالت در اکثر مواقع، قیمت خرید اجناس و تجهیزات موردنیاز باقیمانده تا تکمیل پروژه نسبت به قیمت‌های پیش‌بینی شده در زمان شرکت در مناقصه، افزایش یافته و نیز پیمانکار مشمول پرداخت جرایم دیرکرد طبق قرارداد فی‌مابین با کارفرما می‌گردد و در نهایت، پروژه با ضرر و زیان مواجه می‌شود.

با توجه به توضیحات بالا، در شرکت‌های تولیدی از سیستم استاندارد بهای تمام‌شده استفاده می‌شود که در آن تعیین مقادیر و نرخ مصرف مواد اولیه و مقادیر ساعات کار و نرخ پرسنل تولیدی و خدماتی و همچنین ظرفیت تولید کارخانه طبق



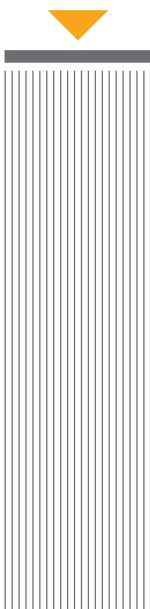
پروانه‌ی بهره‌برداری، بر اساس اطلاعات طرح توجیهی فنی و اقتصادی تهیه شده در زمان سرمایه‌گذاری جهت تأسیس شرکت تعیین می‌گردد. سپس در هنگام تولید محصول، از مقایسه‌ی مقادیر و مبالغ استاندارد و واقعی مصرف مواد اولیه، انحراف مقدار و انحراف نرخ مواد اولیه و از مقایسه‌ی مقادیر ساعات کار و نرخ دستمزد استاندارد و واقعی پرسنل تولیدی، مبالغ انحراف از ساعات تولید و انحراف از نرخ دستمزد احتساب می‌شود. همچنین، با مقایسه‌ی مقادیر ساعات و نرخ دستمزد استاندارد و واقعی پرسنل واحدهای غیر تولیدی، انحراف از ساعات کارکرد و نرخ دستمزد در سربار تولیدی احتساب می‌شود. در مورد ظرفیت تولید نیز از مقایسه‌ی ساعات واقعی کارکرد ماشین‌آلات خط تولید با ساعات ذکر شده در پروانه‌ی بهره‌برداری شرکت که طبق ظرفیت تعیین شده در طرح توجیهی فنی و اقتصادی در زمان تأسیس شرکت بوده، انحراف ظرفیت سربار، احتساب می‌شود.

در ادامه با توجه به ظرفیت تولید طبق پروانه‌ی بهره‌برداری کارخانه، تعداد سیکل‌های تولید و مدت بازگشت سرمایه در گردش در هر سال مالی محاسبه می‌شود که با مقایسه‌ی آن‌ها با مدت واقعی بازگشت مبلغ سرمایه در گردش، کسری تعداد دفعات بازگشت سرمایه در گردش و در نتیجه مازاد مدت بازگشت واقعی آن، قابل احتساب است. بدین ترتیب با اعمال مدیریت زمان، می‌توان تعداد بازگشت سرمایه در گردش در هر سال مالی و در نتیجه مقدار تولید طبق پروانه‌ی بهره‌برداری را به‌منظور امکان دسترسی به سوددهی لازم طبق طرح توجیهی تهیه شده‌ی سرمایه‌گذاری در زمان تأسیس شرکت را، محقق و امکان‌پذیر کرد.

در مورد شرکت‌های پیمانکاری نیز پس از عقد قرارداد با کارفرما، مدیران پروژه به‌صورت مستمر و برای مثال در مقاطع زمانی سه‌ماهه، علاوه بر تعیین انحرافات ناشی از افزایش مقادیر و احجام واقعی و نیز بهای خرید واقعی مواد اولیه و تجهیزات پروژه، نسبت به مبالغ پیش‌بینی شده در قیمت پیشنهادی شرکت در مناقصه، می‌بایست انحراف زمان ناشی از مدت زمان واقعی صرف شده تاکنون را، نسبت به زمان طبق برنامه‌ی زمان‌بندی منضم به قرارداد، نیز مورد کنترل قرار داده و، طبق قرارداد فی‌مابین با کارفرما، انحراف نامساعد از مدت تعیین گردد.

سپس انحرافات ناشی از تعداد سیکل‌های بازگشت سرمایه در گردش در شرکت‌های تولیدی و انحراف نامساعد زمان واقعی پروژه‌ی اجرا شده تاکنون، نسبت به مدت مذکور در قرارداد با کارفرمای پروژه در شرکت‌های پیمانکاری، می‌بایست بررسی و تحلیل و دلایل ایجاد آن‌ها مشخص و تعیین شود. در صورتی که این انحراف از سوی مدیران اجرایی بوده، می‌بایست به‌منظور عدم تکرار آن در ادامه‌ی فعالیت واحد تجاری، تذکر لازم به آن‌ها داده شده و نیز مدیریت ارشد شرکت به‌منظور عدم تکرار موارد مذکور در ادامه‌ی فعالیت‌های واحد تولیدی و یا اجرای کارهای باقیمانده تا انتهای پروژه در مورد شرکت‌های پیمانکاری، تمهیدات لازم را به‌عمل آورد و در صورتی که ناشی از عوامل بیرونی باشد که خارج از کنترل و احاطه‌ی مدیران اجرایی شرکت است، نسبت به اصلاح زمان‌سنجی تولید واحد محصول و به دنبال آن اصلاح تعداد دوران بازگشت سرمایه در گردش و سپس اصلاح ظرفیت پروانه‌ی بهره‌برداری کارخانه و نهایتاً تجدیدنظر در طرح توجیهی اولیه‌ی واحد تجاری، اقدام لازم به‌عمل آید.

در شرکت‌های پیمانکاری نیز، در صورتی که در قرارداد پیمانکاری فی‌مابین با کارفرمای پروژه لحاظ شده باشد، نسبت به



انعقاد الحاقیه جهت افزایش مدت اجرای قرارداد اقدام می‌شود. در غیر این صورت، بر اساس تأخیر غیر مجاز کار انجام شده‌ی پروژه تاکنون، نسبت به تعیین مدت تأخیر پروژه، جهت کار باقیمانده تا انتهای پروژه، اقدام می‌گردد.

در ادامه، زمان دیرکرد دوران بازگشت سرمایه در گردش، ناشی از دیرکرد مدت نقدشوندگی هر یک از سرفصل‌های دارایی‌های جاری، به‌ترتیب شامل سرفصل‌های موجودی مواد اولیه، موجودی محصول، مانده‌ی بدهکاران تجاری و مانده‌ی اسناد دریافتنی تجاری است که مدت زمان واقعی جریان نقدشوندگی هر یک از سرفصل‌های مذکور به سرفصل بعدی و درنهایت به وجه نقد است. با توجه به توضیحات بالا، در هر دو نوع شرکت‌های تولیدی و پیمانکاری، لازم است تمهیدات لازم شامل انواع پی‌گیری‌ها و ایجاد مشوق‌های لازم جهت افزایش بهره‌وری پرسنل و یا اعطای تخفیفات مقتضی به بدهکاران خریداران محصول، جهت تسویه حساب سریع‌تر با شرکت و نیز کوتاه نمودن سررسید تاریخ وصول اسناد دریافتنی، به عمل آید و مدیریت شرکت اقدامات مؤثر را در جهت کوتاه‌ترشدن زمان جریان نقدشوندگی سرفصل‌های مختلف دارایی‌های جاری در سرمایه در گردش شرکت را به‌عمل آورد.

در ادامه، در حالت فعلی که در کشور تورم حدود ۴۸ درصد در سال و در نتیجه حدود ۴ درصد در هر ماه است، کاهش در جریان زمان نقدشوندگی دارایی‌های جاری، ضمن این‌که باعث افزایش سودآوری شرکت خواهد گردید، موجب جلوگیری از کاهش ارزش سودآوری شرکت، به‌دلیل نرخ ۴ درصد تورم در هر ماه خواهد شد. فرمول انجام محاسبات نقدشوندگی ایجاد شده حاصل از مدیریت زمان به شرح زیر است:

$$CF(TM) = \frac{\sum_1^n \sum_a^z CA(\Delta t) (\Delta r)}{1200}$$

CF(TM) = Cash Funds of time manegment.

CA = Current Assets

$$\sum_a^z CA =$$

انواع سرفصل‌های دارایی‌های جاری

$$\sum_1^n CA =$$

مبالغ مختلف هر سرفصل دارایی‌های جاری طبق مدت نقد شوندگی

(Δt) = کاهش زمان نقد شوندگی بر اثر اعمال مدیریت زمان

(Δr) = کاهش نرخ تورم سالیانه در اثر کاهش زمان نقد شوندگی

با توجه به اینکه نرخ تورم کشور حدود ۴۸٪ سالیانه می‌باشد، بنابراین نرخ تورم ماهیانه آن ۴ درصد است. برای تبیین بهتر موضوع، طرح یک مثال ضروری است.

اطلاعات مربوط به مبالغ دارایی‌های جاری سرمایه در گردش واحد تجاری در تاریخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۹ به‌شرح زیر است:

طبق طرح توجیهی تهیه شده در زمان احداث واحد تجاری، سرمایه‌گذاری انجام شده جهت تأسیس کارخانه ۱۰۰،۰۰۰ میلیارد ریال بوده که مصارف آن مبلغ ۸۰،۰۰۰ میلیارد ریال صرف ایجاد دارایی‌های ثابت و مبلغ ۲۰،۰۰۰ میلیارد ریال مربوط به سرمایه در گردش شرکت می‌شود.

پیش‌بینی بازگشت سرمایه‌گذاری به‌مدت ۵ سال از تاریخ شروع بهره‌برداری شرکت است. میزان سودآوری صنعت مربوطه، ۲۰ درصد در سال است.

علی‌رغم گذشت چند سال از تاریخ بهره‌برداری، واحد تجاری به سودآوری پیش‌بینی شده در طرح توجیهی اولیه، یعنی سودآوری به‌میزان ۲۰،۰۰۰ میلیارد ریال در سال نرسیده است.

در ادامه با انجام محاسبات به‌شرح زیر، نقدشوندگی حاصل از اعمال مدیریت زمان بر نتایج عملیات شرکت، بر اساس طرح توجیهی تهیه شده در زمان ابتدای سرمایه‌گذاری شرکت، به‌شرح زیر مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. (مبالغ به میلیارد ریال) مبلغ مورد نیاز برای بازگشت سرمایه‌گذاری سالانه:

$$20,000 = 5 \div 100,000$$

$$4,000 = 20\% \times 20,000$$

$$5 = 4,000 \div 20,000$$

مبلغ سودآوری در هر سیکل تولید:

تعداد سیکل تولید لازم سالیانه:

$$مدت \text{ هر سیکل مورد نیاز: } 12 \div 5 = 4/2 \text{ ماه}$$

ضمناً زمان اصلاح‌شده‌ی کاهش یافته برای نقدشوندگی مبالغ بلندمدت دارایی‌های جاری به‌مدت ۶ ماه است.



جدول اصلاح سیکل نقد شوندگی دارایی‌های جاری در اثر اعمال مدیریت زمان (مبالغ: میلیارد ریال)

سیکل اصلاح شده		مدت کاهش یافته سیکل		سیکل فعلی بلند مدت		سیکل فعلی کوتاه مدت		مبلغ	سرفصل دارایی‌های جاری
بلند مدت	کوتاه مدت	بلند مدت	کوتاه مدت	مدت	مبلغ	مدت	مبلغ		
۱۲	۲.۴	۶	۷.۶	۱۸	۱,۰۰۰	۱۰	۱,۵۰۰	۲,۵۰۰	۱- موجودی مواد اولیه
۱۴	۲.۴	۶	۵.۶	۲۰	۲,۰۰۰	۸	۵,۰۰۰	۷,۰۰۰	۲- موجودی محصول
۱۰	۲.۴	۶	۳.۶	۱۶	۳,۰۰۰	۶	۶,۰۰۰	۹,۰۰۰	۳- بدهکاران تجاری
۸	۲.۴	۶	۱.۶	۱۴	۵۰۰	۴	۱,۰۰۰	۱,۵۰۰	۴- اسناد دریافتی تجاری
					۶,۵۰۰			۱۳,۵۰۰	۲۰,۰۰۰

$$CF(TM) = \frac{\sum_1^n \sum_a^z CA(\Delta t) (\Delta r)}{1200}$$

$$CF(TM) = [1500 \times 7/6 \times (7/6 \times 4) + 1000 \times 6 \times (6 \times 4) + 5000 \times 5/6 \times (5/6 \times 4) + 2000 \times 6 \times (6 \times 4) + 6000 \times 3/6 \times (3/6 \times 4) + 3000 \times 6 \times (6 \times 4) + 1000 \times 1/6 \times (1/6 \times 4) + 500 \times 6 \times (6 \times 4)] \div 1200 =$$

$$[346/560+144000+627200+288000+311040+432000+10240+72000] \div 1200 =$$

$$2231040 \div 1200 = 1.859 \text{ میلیارد ریال}$$

نقد شوندگی حاصل از مدیریت زمان در یک سال مالی: ۱.۸۵۹ × ۵ = ۹.۲۹۵ میلیارد ریال

درصد نقد شوندگی حاصل در یک سال مالی نسبت به مبلغ سرمایه در گردش: $\frac{9.295}{20/000} \times 100 = 46/4\%$

درصد نقد شوندگی حاصل در یک سال مالی نسبت به مبلغ سرمایه گذاری انجام شده: $\frac{9.295}{100/000} \times 100 = 9/3\%$

با توجه به محاسبات فوق، ملاحظه می‌شود که، بر اساس طرح توجیهی فنی و مالی اولیه‌ی واحد تجاری مبنی بر بازگشت سرمایه‌گذاری به مدت ۵ سال، نقدشوندگی حاصل از اعمال مدیریت زمان بر فعالیت‌های واحد تجاری مبلغ ۱۸۵۹ میلیارد ریال در مدت یک سیکل بازگشت سرمایه در گردش و مبلغ ۹۲۵۹ میلیارد ریال، برای یک سال مالی می‌باشد که حاوی ۵ سیکل برگشت سرمایه در گردش است. ضمناً مبلغ ۹۲۹۵ میلیارد ریال مبلغ نقدشوندگی حاصل از اعمال مدیریت زمان در یک سال مالی، معادل ۴۶،۴ درصد مبلغ سرمایه در گردش و معادل ۹،۳ درصد مبلغ سرمایه‌گذاری انجام شده‌ی اولیه‌ی شرکت است.

نتیجه‌گیری

با توجه به توضیحات بالا، ملاحظه می‌شود که مدیریت زمان در شرکت‌های تولیدی و پیمانکاری، تسریع در جریان نقدشوندگی دارایی‌های جاری به‌منظور امکان سودآوری لازم جهت بازگشت سرمایه‌گذاری طبق مدت تعیین‌شده در طرح توجیهی را امکان‌پذیر خواهد کرد. کاهش مدت نقدشوندگی از طریق اعمال سیاست‌های تشویقی جهت خریداران محصول از قبیل بالا بردن کیفیت محصول، خدمات بعد از فروش محصول، انجام تحقیق و نوآوری و استفاده از تکنولوژی روز صنعت در تولید محصول، سرمایه‌گذاری لازم جهت توسعه‌ی فعالیت‌ها و درنهایت اعطای تخفیفات لازم در مواقع ضروری به خریداران ممکن خواهد بود. کاهش مدت نقدشوندگی دارایی‌های جاری، موجب افزایش سودآوری شرکت می‌گردد که این مهم در شرکت‌های تولیدی، از طریق افزایش تولیدات طبق ظرفیت پروانه‌ی بهره‌برداری و یا افزایش مقدار تولیدات طبق آخرین زمان‌سنجی انجام‌شده و در شرکت‌های پیمانکاری، موجب امکان احراز سودآوری طبق قیمت پیشنهادی شرکت در مناقصه می‌گردد. در کنار موضوع یادشده، در کشورهایی مانند ایران که نرخ تورم بالایی دارند که گاه حدود ۴۸ درصد در سال و ۴ درصد در ماه است، اعمال مدیریت زمان، علاوه بر امکان افزایش سودآوری شرکت به‌شرح فوق، موجب امکان کاهش اثرگذاری نرخ تورم ماهیانه است که آن نیز مجدداً موجب افزایش ارزش فعلی سودآوری شرکت می‌شود. منافع حاصل از هر دو مورد فوق‌الذکر را می‌توان «اثرات مدیریت زمان در تسریع جریان نقدشوندگی دارایی‌های جاری» نامید که موجبات کسب سودآوری مطلوب جهت امکان بازگشت سرمایه‌گذاری، طبق مدت تعیین‌شده در طرح توجیهی سرمایه‌گذاری شرکت را خواهد داشت.

افشای ESG با آن مواجه هستند چیست؟

مؤسسات باید یا مهارت‌های حسابرسان خود را ارتقا دهند یا روی استعدادهای جدید با تحصیلات و صلاحیت‌های حرفه‌ای مربوط به ESG سرمایه‌گذاری کنند تا از انجام مناسب تعهدات در این زمینه اطمینان حاصل کنند. رمزگشایی گزارشی بر اساس الزامات غیر یکپارچه، دشوار است چراکه ESG مسئله‌ای است که قبلاً استاندارد در مورد آن وجود نداشته است.

در حالی که معرفی هیأت استانداردهای بین‌المللی پایداری (ISSB) در نوامبر ۲۰۲۱ به منظور بهبود جامعیت و کیفیت گزارش‌های ESG انجام شد، مؤسسات هنوز در تطبیق با استانداردهای در حال تحول و برآوردن تقاضای فزاینده برای خدمات حسابرسی و اطمینان‌بخشی مرتبط با ESG با چالش‌هایی مواجه هستند. این امر به طور ویژه مهم است، زیرا شرکت‌های بزرگ به طور فزاینده‌ای به دنبال حصول اطمینان در مورد افشای مسائل پایداری خود هستند و اکثریت قابل توجهی برنامه ریزی می‌کنند تا برای این خدمات به مؤسسات حسابرسی مراجعه کنند.

۲. جذب و حفظ استعدادها

جذب و حفظ استعدادهای برتر در صنعت حسابرسی می تواند چالش مهم دیگری باشد. این موضوع به ویژه زمانی که تقاضا برای حسابداران حرفه ای ماهر و رقابت سایر شرکت ها و صنایع برای جذب آنان افزایش می یابد، صادق است. ناگفته نماند که در سال های اخیر، تعداد بیشتری از متخصصان از صنعت حسابرسی خارج، و تعداد اندکی به آن وارد شده اند.

- تقاضا برای استعدادهای حرفه ای حسابرسی در سال های اخیر چگونه تغییر کرده است؟

خروج حسابرسان باتجربه، کمبود مهارت حسابرسان جدید، و تغییر انتظارات و مهارت‌های مورد نیاز، منجر به فرار مغزها در این حرفه شده است. دامنه‌ی کاری که از حسابرسان خواسته می‌شود در حال گسترش است و شامل ارائه‌ی اطمینان در مورد انواع گزارش‌ها و افشاها، هدایت همه‌جانبه‌ی مجموعه داده‌های به ظاهر نامحدود و کار با فناوری و ابزارهای جدید است، و برای پر کردن این شکاف‌ها، استخدام کنندگان به فراتر از صلاحیت‌های حرفه‌ای سنتی نگاه می‌کنند.

- برخی از ریسک‌ها و فرصت‌های بالقوه‌ای که فناوری‌های نوظهور برای استعدادهای در حرفه‌ی حسابرسی ایجاد می‌کنند چیست؟

ظهور فناوری‌های نوظهور فرصتی را برای حساب‌رسان فراهم می‌کند تا دانش و خدمات خود را با استفاده از فناوری برای انجام کارهای پیچیده‌تر گسترش دهند. با این حال، طرف دیگر این است که این فناوری‌ها می‌توانند پرهزینه و مختل‌کننده باشد. علاوه بر این، نیاز به آموزش مستمر و الزامات آموزشی همچنان افزایش خواهد یافت.

با این حال، نقطه‌ی روشنی در استفاده از قدرت حسابرسی مبتنی بر ابر و هوش مصنوعی برای شناسایی بهتر ریسک‌ها و به دست آوردن بینش معنادار از جامعه‌ی حسابرسی وجود دارد. با ارائه‌ی راه‌حل‌های مبتنی بر ابر که به تیم‌ها انعطاف‌پذیری لازم را در طول انجام کارشان

چالش‌ها و تغییرات صنعت حسابرسی

درس سال ۲۰۲۵



با آغاز سال ۲۰۲۵ و تعهد صنعت حسابرسی به تکامل و در خدمت گرفتن فناوری و نوآوری، مؤسسات حسابرسی با مجموعه‌ای از چالش‌های منحصر به فرد روبرو هستند. اضافه شدن رویه‌هایی مانند الزامات زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی (ESG)، زمینه‌های مورد علاقه‌ی جدیدی را برای ذی‌نفعان و سرمایه‌گذاران ایجاد کرده است. کمبود استعدادها نیز مؤسسات را به سوی بهبود گردش کار از طریق خودکارسازی فرایندها و تمرکز فزاینده بر معیارهای انطباق سوق می‌دهد. نه تنها مؤسسات حسابرسی باید این نگرانی‌ها را دربرای خود بررسی کنند، بلکه ارزیابی این موضوعات در کار مشتریان نیز حائز اهمیت است. در میان این چالش‌ها، یک موضوع ثابت برای حسابرسان باقی مانده است و آن، اهمیت شناسایی ریسک است.

بیا بیا نگاهی دقیق‌تر به حوزه‌های اصلی تحول در حسابداری بیندازیم و اینکه چگونه مؤسسات می‌توانند بر این چالش‌ها غلبه کنند.

۱. تمرکز فزاینده بر ESG چگونه بر حرفه‌ی حسابرسی تأثیر می‌گذارد؟
حسابرسان مجبورند دامنه‌ی کار خود را گسترش دهند، زیرا ESG به طور فزاینده‌ای تحت نظارت ذی‌نفعان و سرمایه‌گذاران است. به عنوان حوزه‌ای که هنوز در حال توسعه است و از منظر حسابرسی و حسابداری هنوز در مراحل اولیه است، می‌تواند چالش‌های زیادی را پیش روی حرفه قرار بدهد. در آینده‌ای بسیار نزدیک، الزام به ارائه‌ی گزارش در مورد مسائل مرتبط با ESG به موضوعی بسیار جدی تبدیل می‌شود، زیرا می‌تواند بر همه چیز از انتخاب تأمین‌کننده، کمک‌های مالی و تأمین مالی تا ارزیابی‌های مالی تأثیر بگذارد. تحولات اخیر، به ویژه معرفی الزامات گزارشگری اجباری برای انتشار گازهای گلخانه‌ای در کالیفرنیا و اتحادیه‌ی اروپا تا سال ۲۰۲۵، فرصت‌های جدیدی را برای مؤسسات حسابرسی در هر اندازه ایجاد می‌کند. انتظار می‌رود این گذار از گزارشگری داوطلبانه به اجباری، تقاضا برای خدمات حسابرسی و اطمینان‌بخشی مربوط به ESG را به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش دهد.

• برخی از چالش‌های کلیدی که مؤسسات حسابرسی هنگام حسابرسی

ارائه می‌دهد و فناوری مبتنی بر هوش مصنوعی که به آن‌ها کمک می‌کند اطلاعات مورد نیازشان را با اطمینان پیدا کنند، مؤسسات از نظر کارایی و بهره‌وری، فرصت‌های چشم‌گیری در اختیار خواهند داشت. همچنین حفظ تعادل میان کار و زندگی برای حساب‌رسان نیز با سهولت بیشتری صورت می‌پذیرد.

۳. فناوری و نوآوری

با پیشرفت سریع فناوری، حساب‌رسان ممکن است در کار با ابزارها و فرآیندهای نرم‌افزاری جدید که توسط مشتریان استفاده می‌شود، و همچنین برای سازگاری فرآیندهای حساب‌رسی خود با رویه‌های جدید، دچار چالش شوند.

• مؤسسات حساب‌رسی چگونه از فناوری برای بهبود فرآیندهای حساب‌رسی و افزایش کیفیت کار خود استفاده می‌کنند؟

در تلاش برای بهبود کیفیت، بهره‌وری و نتیجه‌ی نهایی، مجهز شدن به فناوری‌های روز یک ضرورت است. سیستم‌های مبتنی بر ابر، گردش کار و ارتباطات را ساده‌تر می‌کنند و کارکنان ارشد را به تمرکز بر روی وظایف با ارزش‌تر سوق می‌دهد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به سرعت با ابزارهای هوش مصنوعی ترکیب می‌شوند که درجه‌ی بالاتری از دقت، بینش و شناسایی ریسک را ارائه می‌دهند. نوآوری با استفاده از فناوری، اعتماد به نتایج مبتنی بر فرآیند را برای پاسخگویی به تقاضاهای رو به رشد جهت مدیریت ریسک و انطباق با مقررات تضمین می‌کند.

• پیشرفت‌های جدید هوش مصنوعی چگونه می‌توانند به حساب‌رسان کمک کند؟

هوش مصنوعی تأثیری دگرگون‌کننده‌ای بر حرفه‌ی حساب‌رسی دارد. پیشرفت‌های جدید در فناوری هوش مصنوعی این امکان را برای متخصصان حرفه فراهم می‌کند که نه تنها پاسخ‌های سریع‌تری را با اطمینان بیشتر ارائه کنند، بلکه بینش معنادارتری را با صرف زمان کمتر ارائه دهند.

• هوش مصنوعی مولد چگونه می‌تواند به حساب‌رسان کمک کند؟

هوش مصنوعی مولد با افزایش کارایی، دقت و خلاقیت در کار، به عنوان دارایی قدرتمند، برای متخصصان حساب‌رسی عمل می‌کند. این فناوری، می‌تواند با تلخیص مجموعه داده‌های گسترده و برجسته کردن یافته‌های حیاتی، به ایجاد خودکار گزارش‌های حساب‌رسی کمک کند، که باعث صرفه‌جویی در زمان و به حداقل رساندن خطاهای انسانی می‌شود. علاوه بر این، هوش مصنوعی مولد می‌تواند داده‌های مصنوعی را برای تقویت مجموعه داده‌های موجود تولید کند و به حساب‌رسان اجازه می‌دهد تا سناریوهای مختلف را آزمون کرده و مدل‌ها را بدون به خطر انداختن اطلاعات حساس تأیید کنند. با تولید الگوهای داده‌ی مورد انتظار، هوش مصنوعی به شناسایی ناهنجاری‌ها یا بی‌نظمی‌ها در داده‌های مالی کمک می‌کند و در نتیجه از شناسایی تقلب و ارزیابی ریسک حمایت می‌کند. هوش مصنوعی مولد از طریق پردازش زبان طبیعی، می‌تواند داده‌های بدون ساختار، مانند ایمیل‌ها و قراردادهای تجزیه و تحلیل و تفسیر کند و بینش‌های مرتبط را برای حساب‌رسان استخراج کند. در نهایت، هوش مصنوعی راه‌حل‌ها و پیشنهادات نوآورانه‌ای را برای

چالش‌های حساب‌رسی پیچیده ارائه می‌کند و دیدگاه‌ها و رویکردهای جدیدی را ارائه می‌کند. بنابراین، با استفاده از هوش مصنوعی مولد، متخصصان حساب‌رسی می‌توانند قابلیت‌های تحلیلی خود را به میزان قابل ملاحظه‌ای ارتقا دهند، فرآیندها را ساده‌سازی کنند، حساب‌رسی‌های جامع‌تر و روشن‌تری ارائه کنند و ارزش بیشتری را برای مشتریان و سازمان‌ها فراهم کنند.

۴. فعالیت‌های ادغام و تحصیل (M&A)

با افزایش فعالیت‌های M&A در سال ۲۰۲۵ انتظار می‌رود، حساب‌رسان در مدیریت پیچیدگی‌های معاملات ادغام و تحصیل و اطمینان از اینکه گزارش‌های مالی دقیق و قابل اعتماد است، با چالش‌هایی مواجه شوند.

• چگونه مؤسسات حساب‌رسی می‌توانند به مشتریان خود در حل چالش‌های مرتبط با معاملات M&A کمک کنند؟

با پیچیده‌تر شدن ادغام‌ها و تحصیل‌ها، دقت ارزیابی‌ها و توانایی پشتیبانی از ادغام سیستم‌های مالی و کنترل‌ها به دانش متنوعی از فناوری و ابزارهای مورد استفاده نیاز دارد. همچنین نیاز به دانش تخصصی در انطباق، برای ادغام و تحصیل در صنایع مختلف، افزایش خواهد یافت. ارزیابی کنترل‌های داخلی، مدیریت ریسک و عملکرد پس از ادغام نیز نقش مهمی ایفا خواهد کرد. در این جاست که نقش منحصر به فرد حساب‌رسان بر اساس شایستگی‌های جدید به آن‌ها کمک می‌کند تا از بقیه متمایز شوند.

• نتیجه‌گیری: لزوم غلبه بر چالش‌های حساب‌رسی

مؤسساتی که تغییرات را پذیرفته و رویکردی فعالانه‌ای برای نوآوری در حساب‌رسی اتخاذ می‌کنند، در موقعیت بهتری برای موفقیت در سال‌های آینده خواهند بود. مؤسسات حساب‌رسی با استفاده از فناوری، تشکیل تیم‌های متنوع و مطلع ماندن از تحولات نظارتی، می‌توانند اطمینان حاصل کنند که بالاترین کیفیت خدمات را ارائه می‌نمایند و در عین حال جلوتر از رقبا هستند.

tax.thomsonreuters.com، ۲ ژانویه ۲۰۲۵

تجربیات ارزشمندی که از سال ۲۰۲۴ به ۲۰۲۵ منتقل می‌شوند

اکنون که وارد سال ۲۰۲۵ شده‌ایم، زمان مناسبی برای تأمل در مورد سال ۲۰۲۴ و تحول و انعطاف‌پذیری در بخش حسابداری است. چالش‌ها و فرصت‌هایی که در سال ۲۰۲۴ صنعت را شکل دادند، از پیشرفت فناوری گرفته تا تغییر در نقش‌ها و سیاست‌ها، و سازگاری با ارزش‌های جدید را در برمی‌گیرد.

• وضعیت کلی سال گذشته چگونه بوده است؟

سال ۲۰۲۴ سال تغییر بود، موضوعی که از سال ۲۰۲۰ شنیده بودیم، البته هر سال به دلایل متفاوتی. کسب‌وکارها خود را با سیاست‌ها و رویه‌های جدید تطبیق دادند و در مسیر اجرای اقداماتی گام برداشتند که می‌تواند به فرصت‌های رشد در آینده منجر شود.

• چگونه نقش حسابداران را در حال تغییر است؟



از آن جایی که کسب و کارها با پیچیدگی فزاینده در عملیات خود مواجه می‌شوند، حسابداران نقش مهمی در تجزیه و تحلیل داده‌ها ایفا می‌کنند، چیزی که به ویژه در ۱۲ ماه گذشته مشهود بوده است. بینش آن‌ها به کسب و کارها کمک می‌کند تا تصمیمات آگاهانه بگیرند، آن‌ها را قادر می‌سازد در صورت نیاز ریسک‌های پیش‌بینی شده را بپذیرند، و به شناسایی حوزه‌هایی کمک می‌کند که ممکن است کاهش بودجه لازم باشد، تا شرکت‌ها بتوانند امور مالی خود را به طور مؤثرتری مدیریت کنند. با تفسیر داده‌ها و روندهای مالی توسط حسابداران، تیم‌های رهبری به سراغ گزینه‌هایی می‌روند که از رشد حمایت می‌کنند و در عین حال ثبات را تضمین می‌کنند. این تغییر نقش، اهمیت فزاینده‌ی حضور حسابداران را در برنامه ریزی استراتژیک سازمان‌ها برجسته می‌سازد.

• تأثیر هوش مصنوعی موضوعی همیشه در جریان است، اما آیا حرفه‌ی حسابداری واقعاً شروع به پذیرش بیشتر آن کرده است؟

به طور خلاصه بله. هوش مصنوعی این روزها به ویژه در دنیای حسابداری موضوعی داغ است. در حالی که این فناوری هنوز در حال توسعه است، با کمک به کسب و کارها در خودکارسازی وظایفی مانند حسابرسی و پیش‌بینی روندهای مالی، تأثیر زیادی گذاشته است. بسیاری از شرکت‌ها شروع به استفاده از ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی برای بهبود عملکرد خود کرده‌اند که نشان می‌دهد هوش مصنوعی می‌تواند باعث صرفه‌جویی در زمان و افزایش کارایی شود. با این حال، حرفه‌ی حسابداری هنوز در ادغام کامل هوش مصنوعی در فعالیت‌های خود با چالش‌هایی مواجه است، به این معنی که کارهای بیشتری برای استفاده‌ی کامل از پتانسیل آن باید انجام شود.

با این حال، اگرچه این ابزارها می‌توانند کارها را آسان‌تر و سریع‌تر کنند، اما نگرانی‌های مهمی در مورد امنیت داده‌ها و رعایت اخلاق ایجاد می‌کنند. حسابداران باید مراقب باشند تا از اطلاعات حساس در برابر نقض یا سوء استفاده محافظت کنند. علاوه بر این، با ادامه‌ی تکامل فناوری، مسئولیت‌های حسابداران نیز در حال تغییر است. آن‌ها باید در مورد آخرین مقررات و استانداردهای اخلاقی برای اطمینان از تدلوم اعتماد و صداقت در کار خود مطلع باشند. ایجاد تعادل بین مزایای فناوری با این چالش‌ها برای پیشبرد حرفه‌ی حسابداری بسیار مهم است.

• آیا مؤسسات (هم از نظر تقاضا و هم از نظر یک خدمت ارزش آفرین)

رشد چشم‌گیری در گزارشگری پایداری داشته‌اند؟

گزارش ESG به طور فزاینده‌ای برای کسب و کارها اهمیت یافته است و همچنان فرصت رشد بزرگی را برای حسابداران ارائه می‌دهد. این حوزه به دلیل ارتقای شهرت کسب و کارها و حمایت از تلاش‌های پایداری، در حال تبدیل شدن از یک نوع خدمت تخصصی به یک استاندارد الزام آور برای شرکت‌ها است. حسابدارانی که گزارش ESG را درک می‌کنند به طور فزاینده‌ای نقش مهمی در هدایت این شرکت‌ها ایفا می‌کنند و آن را به یک مهارت ضروری برای سال ۲۰۲۵ و بعد از آن تبدیل می‌کنند. از آن جایی که مقررات سخت‌تر می‌شوند و ذی‌نفعان خواستار شفافیت بیشتری هستند، کسب و کارها تحت فشار فزاینده‌ای برای افشای عملکرد ESG خود هستند. این تغییر، گزارشگری را پیچیده‌تر می‌کند و شرکت‌ها را ملزم می‌کند نه تنها شیوه‌های پایداری خود را ردیابی کنند، بلکه کل زنجیره‌ی تامین خود را نیز ارزیابی کنند. کسب و کارها اکنون باید تامین کنندگان و شرکای خود را ارزیابی کنند تا اطمینان حاصل کنند که استانداردهای ESG را برآورده می‌کنند، که این موضوع لایه‌ی دیگری به مسئولیت‌های گزارشگری آن‌ها اضافه می‌کند.

این بدان معناست که حسابداران بیشتری به فرصتی منحصر به فرد برای ارائه‌ی خدمات مشاوره‌ای فراتر از گزارشگری مالی استاندارد چشم دوخته‌اند که به مؤسسات اجازه می‌دهد تخصص خود را در زمینه‌های مختلف ESG، مانند شیوه‌های پایداری و مسئولیت اجتماعی، به کار ببندند. با انجام این کار، آن‌ها می‌توانند خود را به عنوان شرکای ضروری برای کسب و کارهایی که تغییرات در مقررات و انتظارات مشتری را دنبال می‌کنند، معرفی نمایند. اما حسابدارانی که شیوه‌های مدرن را اتخاذ نمی‌کنند و خدمات نوآورانه‌ای ارائه نمی‌دهند، یا ممکن است در برابر تغییرات مقاومت کنند، در معرض خطر از دست دادن بازار کار خود هستند. اکنون زمانی است که انتظار داریم حسابداران بیشتری این خدمات را در سال ۲۰۲۵ ارائه دهند.

• سال عجیب تغییر در محیط مقرراتی

دولت‌ها تغییرات قابل ملاحظه‌ای به خصوص در مورد سیاست‌های تجاری و مالیات ایجاد کرده‌اند. با افزایش ورشکستگی‌های تجاری در سال گذشته، حسابداران نقش حیاتی در کمک به شرکت‌ها برای عبور از چالش‌های مالی دارند. آن‌ها می‌توانند بینش‌های اساسی در مورد مدیریت مالی مناسب، ارزیابی ریسک و برنامه ریزی استراتژیک ارائه دهند. تمرکز بر این وظایف، نه تنها موقعیت آن‌ها را در صنعت تقویت می‌کند، بلکه به مشتریان کمک می‌کند تا ثبات و اعتماد به آینده مالی خود را دوباره به دست آورند.

از آن جایی که شرکت‌ها با شرایط اقتصادی در حال تغییر مواجه می‌شوند، حسابداران بیش از هر زمان دیگری درگیر هستند. اکنون زمان حیاتی برای آن‌هاست تا تخصص و ارزش خود را به نمایش بگذارند. با افزایش تقاضا از سوی مشتریان، آن‌ها برای کمک به کسب و کارها در مدیریت مؤثرتر امور مالی خود تلاش می‌کنند. این کمک از تهیه بودجه گرفته تا پیش‌بینی درآمدهای آینده و یافتن راه‌هایی برای کاهش هزینه‌ها را شامل می‌شود.

• پیشنهادهای مبتنی بر تجربه‌ی سال ۲۰۲۴ چیست و به طور خلاصه، چه چیزی را می‌توانیم در سال ۲۰۲۵ ببینیم؟

سال ۲۰۲۴ هم قطعاً فراز و نشیب‌های خود را مانند هر سال دیگر به همراه داشته است. با این حال، این خبر خوبی است که می‌بینیم برخی از چالش‌های جاری که در سال‌های اخیر با آن‌ها روبه‌رو بوده‌ایم در حال کاهش هستند. با راهبردهای موثری که اکنون ایجاد شده است، از جمله برون سپاری، پذیرش نوآوری‌های دیجیتال، و تمرکز بر ارتقای مهارت و آموزش، فرصت‌های امیدوارکننده‌ای در این صنعت برای سال آینده و پس از آن وجود دارد. همان‌طور که سیستم‌ها و فرآیندهای مختلف به تکامل خود ادامه می‌دهند، فرصت‌های قابل ملاحظه‌ای را برای حسابداران و مؤسسات ارائه دهنده‌ی خدمات حسابداری ایجاد می‌کند.

www.accountancyage.com، ۱۶ ژانویه ۲۰۲۵

کلیشه‌های منفی عامل کاهش اقبال به حرفه‌ی حسابداری



بر اساس یافته‌های اخیر پژوهشی که توسط یک مؤسسه‌ی طراحی و ارائه‌ی نرم‌افزار حسابداری انجام شده است، بخش حسابداری انگلستان با بحران کمبود استعدادهای فوری مواجه است و تصورات منسوخ و منفی حسابداران برای ورود استعدادها به حرفه، به عنوان مهم‌ترین عامل این بحران شناخته شده است. نتایج نظرسنجی از ۳۳۷ حسابداری حرفه‌ای حاکی از آن است که کاهش شدید تعداد دانشجویانی که برای ادامه‌ی تحصیل، رشته‌ی حسابداری را انتخاب می‌کنند، یکی از مهم‌ترین موانع جذب افراد به این حرفه است. هزینه‌های بالای تحصیل، فرآیند تعیین صلاحیت طولانی، عدم درک فرصت‌های متنوع این حرفه و دسترسی محدود به دوره‌های کارآموزی به ترتیب از عوامل اصلی این چالش مطرح شده‌اند. این ترکیب از عوامل منفی نه تنها توانایی حرفه را برای جذب استعدادهای جدید محدود می‌کند، بلکه تنوع و فراگیری نیروی کار را نیز تهدید می‌کند.

• بهبود سیاست‌های تنوع بخشی

بر اساس این بررسی، یک پنجم (۲۰/۹٪) از حسابداران نوعی از تبعیض‌های جنسیتی، نژادی، قومیتی، یا سوگیری را تجربه کرده‌اند. از این رو، ضرورت اصلاحات فوری در بخش حسابداری، به ویژه در زمینه‌ی پیشبرد سیاست‌های تنوع بخشی، برابری و فراگیری، بر همه واضح است. شرکت کنندگان در نظرسنجی در پاسخ به این پرسش که صنعت چگونه می‌تواند از تنوع بیشتر استقبال کند، اقدامات زیر را بر شماردند:

۱. فرصت‌های کاری انعطاف پذیرتر یا امکان کار از راه دور (۴۱،۹ درصد)
۲. شفافیت در مورد پرداخت و ارتقای شغلی (۳۸،۲ درصد)
۳. بهبود شیوه‌های استخدام (۳۳،۹ درصد)
۴. آموزش و کارآموزی (۳۲ درصد)
۵. سیاست‌های مرخصی (۲۶،۷ درصد)
۶. ایجاد فرهنگ پاسخگویی (۲۳،۶ درصد)

ارائه‌ی گزینه‌های مختلف و مزایای کاری انعطاف‌پذیرتر در کنار پرورش فرهنگ فراگیری و برابری، نه تنها راه را برای ورود بیشتر استعدادها به حرفه هموار می‌کند، بلکه صنعت را برای رویارویی بهتر با چالش‌های آینده در موقعیت بهتر قرار می‌دهد.

پرداختن به کاهش تعداد علاقه‌مندان به حرفه‌ی حسابداری تنها راه‌کار مرتفع‌کننده‌ی کمبود استعدادها نیست. برای ایجاد تنوع، برابری و فراگیری در حرفه، ما باید با تصورات غلطی که افراد را از دنبال کردن حرفه‌ی حسابداری باز می‌دارد و همچنین موانع سیستمی که مانع پیشرفت آن‌ها پس از ورود به این حوزه می‌شوند، مقابله کنیم. بسیاری از مردم از مشاغل متنوع و ارزش در حسابداری بی اطلاع هستند و تصورات غلط، اغلب دانشجویان بالقوه را دلسرد می‌کند. تضمین سلامت و پایداری صنعت مستلزم اصلاحات پیشگیرانه است تا حسابداری در دسترس‌تر و جذاب‌تر شود. اکنون زمان اقدام فرا رسیده است؛ ما به استراتژی‌های تازه‌ای برای جذب و حفظ استعدادها در حسابداری نیاز داریم، به‌ویژه زمانی که صنعت در پاسخ به شرایط اقتصادی در حال تغییر و تقاضای نیروی کار تکامل می‌یابد. پرداختن به این مسائل برای اطمینان از آمادگی نسل بعدی حسابداران جهت رویارویی با چالش‌های فردا بسیار مهم است.

• مجموعه مهارت‌های در حال تحول

این نظرسنجی همچنین نشان داد که حسابداران چگونه صنعت را در آینده، در حال تحول می‌بینند، به ویژه در مورد مهارت‌هایی که برای یک حرفه‌ی موفق مورد نیاز است. هنگامی که از آن‌ها پرسیده شد مهارت‌های حسابداری در طی ۳ تا ۵ سال آینده چگونه تغییر خواهد کرد، ۶۹،۳ درصد از پاسخ دهندگان گفتند که دانش فنی بیشتری برای کار با نرم‌افزارها و فرآیندهای فناوری محور جدید مورد نیاز است، ۶۱،۳ درصد نیز به طور خاص نیاز به درک بهتر هوش مصنوعی و داده‌های هوشمند را اعلام کردند.

علاوه بر این، ۵۷،۱ درصد نیاز به دانش و تخصص مالیاتی بیشتر را برای برآورده کردن تغییرات قانونی جدید اعلام کردند. ۵۳،۱ درصد نیز توانایی ارائه‌ی مشاوره‌ی تجاری گسترده‌تر به مشتریان را برجسته

مؤسسه‌ی بزرگ حسابرسی انگلستان (EY, Deloitte, PwC و KPMG)، شریک یا رئیس ارشد زن نداشتند. با این حال، سال ۲۰۲۴ پیشرفت‌هایی مشاهده گردید. EY، آنا آنتونی را پس از رقابتی سه جانبه برای رهبری مؤسسه به عنوان شریک جدید مدیریتی خود در انگلستان منصوب کرد. آنتونی اولین زنی خواهد بود که به طور رسمی رهبری عملیاتی یکی از مؤسسات بیگ فور در انگلستان را بر عهده گرفته است.

در شرایطی که درصد شرکای زن در صنعتی که تلاش می‌کند تصویر خود را اصلاح کند، ناامیدکننده است، به نظر می‌رسد، تلاش‌ها برای افزایش حضور زنان در پست‌های رهبری همچنان ادامه دارد. تنوع بخشی همچنان مسئله‌ی مهمی برای حرفه است و این موضوع فقط محدود به جنسیت نیست. از ۶۲ مؤسسه‌ای که اطلاعات مربوط به تنوع نژادی شرکای خود را گزارش کردند، ۲۱ مؤسسه اصلاً چنین تنوعی را در نظر نگرفته بودند و میانگین تنوع نژادی در میان این ۶۲ مؤسسه اندکی بیش از ۱۰ درصد بوده است. در میان مؤسسات بیگ فور نیز، تنها PwC و EY تنوع نژادی بالاتر از میانگین گزارش کردند که به ترتیب ۱۴ و ۱۸ درصد از شرکای آن‌ها در انگلستان از اقلیت‌های نژادی بودند.

www.accountancyage.com، ۵ دسامبر ۲۰۲۴

کردند و ۳۴ درصد گفتند که حسابداران باید به مهارت‌های فردی بهتری همچون بهبود روابط با مشتری بپردازند.

این پژوهش نه تنها نشان می‌دهد که حسابداران در مورد کاهش استعدادهای جدید در صنعت چه احساسی دارند و چگونه این امر پیامدهای گسترده‌تری در اقتصاد خواهد داشت، بلکه به الزام متخصصان حرفه جهت آمادگی برای پاسخ به تحولات صنعت در سال‌های آینده، تاکید جدی دارد.

این موضوع حیاتی است که نسل بعدی متخصصان حسابداری در پیشرفت شغلی خود به درستی حمایت شوند و فرصت یادگیری مهارت‌های مهم جدید را داشته باشند. بی تردید اگر این امکان میسر نباشد، بسیاری از کسب‌وکارهای کوچک که برای دریافت رهنمود در زمینه‌های تطابق با قوانین و مقررات، برنامه‌ریزی و رشد به متخصصان مالی ماهر متکی هستند، در سال‌های آینده به سختی رو به جلو حرکت خواهند کرد.

www.accountancyage.com، ۲۵ نوامبر ۲۰۲۴

کاهش ۲۰ درصدی حضور زنان در عرصه‌ی رهبری مؤسسات ارائه دهنده‌ی خدمات حسابداری



بررسی کیفیت حسابرسی: آنچه حسابرسان باید بدانند



• اولین پرسش این است که چه چیزی تغییر کرده است؟ آنچه قبلاً بررسی کنترل کیفیت کار حسابرسی نامیده می‌شد، تحت استانداردهای جدید، مدیریت کیفیت (QM) نامیده می‌شود. مطابق با الزامات استانداردهای QM، برای ارزیابی ریسک، EQRها برای پاسخ به ریسک‌های کیفیت مورد بحث قرار می‌گیرند.

• EQR چیست؟

EQR فرآیندی است، جهت ارائه‌ی ارزیابی‌های عینی از قضاوت‌های مهم انجام شده توسط تیم رسیدگی و نتیجه‌گیری‌های به دست آمده در مورد آن، پیش از تاریخ صدور گزارش یا در همان تاریخ.

برای کدام حسابرسی‌ها باید EQR انجام شود؟

استانداردهای QM که اخیراً صادر شده است، مؤسسات را ملزم می‌کند تا تعهداتی را تعیین کنند که EQR پاسخ مناسبی به یک ریسک کیفیت باشد (یعنی خطری که منجر به عدم انجام تعهد مطابق با استانداردهای حرفه‌ای یا نامناسب بودن گزارش می‌شود).

مؤسسه موظف است معیارهایی را برای تعیین اینکه چه زمانی EQR

تعداد مؤسساتی که در میان ۱۰۰ مؤسسه‌ی برتر انگلستان، دارای شرکای زن هستند، ۲۰ درصد کاهش یافته است. در حال حاضر تنها ۹ مؤسسه هستند که ۴۰ درصد یا اندکی بیشتر از شرکای آن‌ها زن هستند و میانگین تعداد شرکای زن در ۱۰۰ مؤسسه‌ی برتر حسابرسی ۲۴ درصد است. اگرچه حرفه‌ی حسابداری در انگلستان گام‌هایی را برای تنوع بخشی جنسیتی برداشته است، اما نابرابری‌های قابل ملاحظه به ویژه در پست‌های ارشد همچنان وجود دارد. در حالی که زنان تقریباً نیمی از حسابداران واجد شرایط را تشکیل می‌دهند، نمایندگی آن‌ها در سطوح بالاتر رهبری کاهش یافته است. این عدم حضور در ساختارهای رهبری مؤسسات بزرگ مشهود است. در سال ۲۰۲۳، هیچ یک از چهار

لازم است، تعیین کند.

معیارها چیست؟

موارد زیر نمونه‌هایی از معیارهایی است که مؤسسه ممکن است استفاده کند:

۱. شناسایی شرایط یا ریسک‌های غیرعادی در یک تعهد یا گروهی از تعهدات که توسط مؤسسه از پیش تعیین شده است، به عنوان مثال:

- حسابرسی‌هایی که در آن یک موضوع تداوم فعالیت شناسایی شده است اما گزارش از آن بابت اصلاح نشده است.
- وجود مجموعه‌ای از اطلاعات جمع آوری شده که افشا در مورد آن انجام نشده است.

- حسابرسی یک واحد تجاری با مسائلی که مؤسسه به ندرت با آن‌ها مواجه می‌شود (به عنوان مثال، سرمایه‌گذاری مشترک). یا
- تعهداتی که در آن‌ها استاندارد حسابداری جدیدی در حال اجرا است.

۲. تعهدی که ممکن است تهدید نفوذ نامناسب برای آن وجود داشته باشد.

۳. حسابرسی با ریسک بالا، مطابق با معیارهای از پیش تعریف شده توسط مؤسسه (معیارهای یکسان مورد استفاده جهت پذیرش و ادامه‌ی کار).

۴. مشارکت در صنعتی که در آن فعالیت مؤسسه محدود است و پرسنل مؤسسه تجربه‌ی اندکی دارند یا اصلاً تجربه ندارند.

۵. حسابرسی که ممکن است تهدید آشنایی از قبل، برای آن وجود داشته باشد. (تهدید استقلال)

۶. حسابرسی واحد تجاری که در یک صنعت بسیار تخصصی یا تحت نظارت فعالیت می‌کند، از جمله مؤسسات مالی، طرح‌های مزایای پایان خدمت کارکنان، و حسابرسی مطابق با استانداردهای حسابرسی دولتی.

۷. حسابرسی برای مشتری جدید یا اولین پروژه برای شریک جدید در مؤسسه.

ممکن است بررسی‌کننده‌ی هم‌پیشگان از مؤسسه بخواهد که نحوه‌ی عملکرد EQR را توضیح دهد. اگر پاسخ این باشد که «ما هرگز این مورد را اجرا نکرده‌ایم»، ممکن است به این معنی باشد که سیاست‌های پذیرش و ادامه‌ی همکاری مؤسسه‌ی شما آنقدر قوی است که این نیاز هرگز رخ نمی‌دهد. با این حال، به احتمال زیاد، بیشتر به این معنی است که معیارهای مؤسسه‌ی شما بسیار محدود کننده است.

• برخی از باورهای غلط رایج چیست؟

EQR، بررسی توسط شریک دوم نیست. بازبینی‌کننده‌ی EQR می‌تواند متخصص واجد شرایط باشد که ممکن است:

۱. مدیر یا شریک در مؤسسه که در زمینه‌ی خاص مورد بررسی، تخصص دارد.

۲. CPA خارج از مؤسسه که در زمینه‌های خاص تخصص دارد.

• ملاحظات عملی

۱. تعیین اینکه آیا یک تعهد با معیارهای مؤسسه برای انجام EQR مطابقت دارد یا خیر. این موضوع حداکثر باید تا فرایند برنامه‌ریزی

مشخص شود تا جدول زمانی تکمیل تعهد صحیح باشد.

۲. EQR ساعت‌های قابل پرداخت اضافی را به قرارداد اضافه می‌کند.

۳. تمام مؤسسات، زمانی که مستندات QM خود را تکمیل می‌کنند، باید زمان بگذارند تا رویه‌های خود در این زمینه را به درستی مستند کنند.

۴. علاوه بر این، هر مؤسسه باید دوره‌های آموزشی سالانه‌ای را برای تشریح بیشتر و ارائه‌ی راهنمایی در مورد QM برگزار نماید تا اطمینان حاصل شود که همه‌ی اعضای تیم روندها را درک می‌کنند.

www.journalofaccountancy.com، ۹ دسامبر ۲۰۲۴

۷ تکنیک برتر حسابرسی دادگاهی (قضایی) برای سال‌های ۲۰۲۴-۲۰۲۵



در دنیای پرشتاب امروز، جایی که رسوایی‌ها و کلاهبرداری‌های مالی تقریباً هر روز در سرفصل خبرها شنیده می‌شود، حسابرسی دادگاهی بیش از هر زمان دیگری حیاتی شده است. اما حسابرسی دادگاهی دقیقاً چیست و چرا صاحبان یا مدیران کسب‌وکارها باید نگران آن باشند؟

حسابرسی دادگاهی را نوعی کاوش کارآگاهی مالی در دنیای تجارت در نظر بگیرید. هدف این نوع حسابرسی، کشف حقیقت پشت ناهنجاری‌های مالی و حصول اطمینان از این است که شرکت شما در مسیر درست قانونی، حرکت می‌کند.

سال‌های ۲۰۲۴-۲۰۲۵، بازه‌ی زمانی است که در آن تکنیک‌های حسابرسی دادگاهی برای مقابله با چالش‌های جدید در حال تکامل هستند. چه در حال اداره‌ی یک کسب‌وکار کوچک باشید یا مدیریت مالی یک شرکت بزرگ‌تر، درک این تکنیک‌های پیشرفته می‌تواند از کسب‌وکار شما در برابر تقلب و سوء مدیریت محافظت کند.

هفت تکنیک برتر حسابرسی دادگاهی که چشم‌انداز این حرفه را شکل می‌دهد، عبارتند از:

۱. تجزیه و تحلیل داده‌ها و فناوری

تصور کنید که در تلاش برای حل یک پازل پیچیده هستید، اما برخی از قطعات را از دست داده‌اید. این همان چیزی است که حساب‌رسان سنتی، در نبود تجزیه و تحلیل داده‌ها ممکن است احساس کنند. در سال‌های ۲۰۲۴-۲۰۲۵، حساب‌رسان دادگاهی، به طور فزاینده‌ای بر تجزیه و تحلیل داده‌ها و فناوری پیشرفته برای کنار هم گذاشتن پازل‌های مالی تکیه می‌کنند.

ابزارهای تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌توانند مقادیر زیادی از داده‌های مالی را برای شناسایی الگوهای نامنظم و ناهنجاری‌هایی که می‌توانند نشان‌دهنده فعالیت‌های متقلبانه باشند، غربال کنند. این ابزارها به حساب‌رسان این امکان را می‌دهد که معاملات را در سطح خرد تجزیه و تحلیل کنند، که قبلاً غیرممکن بود. به عنوان مثال، اگر در حال مدیریت فروشگاه‌های زنجیره‌ای خرده‌فروشی هستید و متوجه افزایش ناگهانی بازدهی شده‌اید، تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌تواند به شما کمک کند تا مشخص کنید که آیا این یک روند تجاری قانونی است یا نشانه‌ای از فعالیت متقلبانه است. استفاده از تجزیه و تحلیل داده‌ها به طور قابل ملاحظه‌ای دقت حساب‌رسانی‌ها را بهبود می‌بخشد. مانند داشتن یک ذره بین پر قدرت که جزئیات پنهانی را نشان می‌دهد که روش‌های سنتی ممکن است قادر به مشاهده‌ی آن‌ها نباشند.

۲. نظارت مستمر و تجزیه و تحلیل زمان واقعی

تصور کنید یک دوربین امنیتی دارید که دائماً خانه شما را کنترل می‌کند و در صورت وقوع اتفاق مشکوکی هشدارهای فوری را ارائه می‌دهد. این ماهیت نظارت مستمر در حساب‌رسانی دادگاهی است. به جای انجام حساب‌رسانی‌های دوره‌ای، نظارت مستمر شامل راه اندازی سیستم‌هایی است که تجزیه و تحلیل لحظه‌ای تراکنش‌های مالی را ارائه می‌دهد. این رویکرد پیشگیرانه به حساب‌رسان اجازه می‌دهد تا مسائل را در صورت بروز و نه بعد از رخداد، شناسایی و به آن‌ها رسیدگی کنند. به عنوان مثال، اگر یک کارمند در حال انجام تراکنش‌های غیرمجاز است، سیستم‌های نظارت مستمر می‌توانند بلافاصله به شما هشدار دهند و امکان اقدام سریع را فراهم کنند. در محیط تجاری پویای کنونی، نظارت مستمر تغییر دهنده‌ی بازی است. این موضوع به کسب‌وکارها کمک می‌کند تا از مسائل احتمالی جلوتر بمانند و تضمین می‌کند که به هرگونه بی‌نظمی، به سرعت پاسخ داده شود.

۳. نرم‌افزار حسابداری دادگاهی پیشرفته

نرم‌افزار حسابداری دادگاهی را به عنوان سلاح بازرسی‌های مالی در نظر بگیرید. راه‌حل‌های نرم‌افزاری، طیف وسیعی از عملکردها، از استخراج داده‌ها تا کشف تقلب را ارائه می‌دهند.

نرم‌افزارهای حسابداری دادگاهی پیشرفته می‌تواند داده‌های مالی پیچیده را تجزیه و تحلیل کنند، جریان وجوه را ردیابی کنند و مغایرت‌ها را با دقت قابل ملاحظه‌ای شناسایی کنند. به عنوان مثال، اگر به سوء مدیریت مالی در شرکت خود مشکوک هستید، این نرم‌افزار می‌تواند به شما کمک کند منبع مشکل را ردیابی کنید و شواهدی را ارائه دهید که برای مراحل قانونی بسیار مهم است. نرم‌افزارهای پیشرفته‌ی حسابداری دادگاهی می‌توانند در زمان و تلاش زیادی صرفه‌جویی کنند. مانند این که یک تیم متخصص در اختیار داشته باشید که به شما کمک می‌کند تا بی‌نظمی‌های مالی را به راحتی کشف کنید.

۴. تحلیل قانون بنفورد

آیا تا به حال فکر کرده‌اید که چرا اعداد خاص بیشتر از بقیه ظاهر می‌شوند؟ قانون بنفورد بینش‌هایی را در مورد این پدیده ارائه می‌دهد. این تکنیک برای تجزیه و تحلیل توزیع ارقام در داده‌های مالی برای

تشخیص ناهنجاری‌ها استفاده می‌شود. برای مثال، اگر در حال بررسی گزارش‌های هزینه‌ها هستید و متوجه می‌شوید که اعداد خاصی با فراوانی غیرعادی ظاهر می‌شوند، قانون بنفورد می‌تواند به شما کمک کند تشخیص دهید که آیا این ناهنجاری‌ها نتیجه فعالیت‌های متقلبانه هستند یا خیر. در صحنه فعالیت‌های تجاری کنونی، جایی که سوابق مالی اغلب اوقات قابل دستکاری هستند، قانون بنفورد ابزار ارزشمندی برای تشخیص مغایرت‌ها و اطمینان از صحت گزارش‌های مالی است.

۵. تکنیک‌های مصاحبه در حساب‌رسانی دادگاهی

مصاحبه در حساب‌رسانی دادگاهی مانند انجام تحقیق کامل در مورد یک راز است. این تکنیک شامل مصاحبه با افراد برای جمع آوری اطلاعات و کشف حقیقت پشت مغایرت‌های مالی است.

مصاحبه‌ی موثر حساب‌رسانی دادگاهی مستلزم ترکیبی از بینش روانشناختی و مهارت‌های بررسی است. به عنوان مثال، اگر کارمندی مظنون به اختلاس باشد، انجام یک مصاحبه‌ی خوب می‌تواند آشکار کند که آیا او درگیر بوده است یا خیر و اطلاعات مهمی برای تحقیقات ارائه می‌کند. تقویت تکنیک‌های مصاحبه در حساب‌رسانی دادگاهی در کشف مسائل مالی پنهان، ضروری است. این امر شامل پرسیدن سؤالات درست و تفسیر پاسخ‌ها در چارچوب شواهد است.

۶. تجزیه و تحلیل روابط و تجسم

تصور کنید می‌خواهید نقاط را در شبکه‌ای پیچیده از روابط به هم وصل کنید. این همان کاری است که تجزیه و تحلیل روابط و تجسم در حساب‌رسانی قضایی انجام می‌دهد. این تکنیک‌ها به حساب‌رسان کمک می‌کند تا ارتباط‌های بین واحدهای تجاری و معاملات مختلف را درک کنند. تجزیه و تحلیل روابط شامل ترسیم روابط و تراکنش‌ها برای شناسایی الگوها و روابطی است که ممکن است نشان دهنده فعالیت متقلبانه باشد. سپس ابزارهای تجسم این اطلاعات را در قالبی واضح و گرافیکی ارائه می‌کند و تشخیص ناهنجاری‌ها را آسان‌تر می‌کند.

به عنوان مثال، اگر در حال بررسی یک مورد کلاهبرداری مالی هستید، تجزیه و تحلیل روابط می‌تواند به شما در ردیابی جریان وجوه و شناسایی روابط مشکوک کمک کند. مانند استفاده از یک نقشه‌ی راه برای پیمایش در پیچ و خم‌ها و کشف مسیر حقیقت.

۷. حساب‌رسانی دادگاهی دیجیتال

در دنیای دیجیتال امروزه، حساب‌رسانی دادگاهی دیجیتال به بخش مهمی از حساب‌رسانی دادگاهی تبدیل شده است. این تکنیک شامل بازیابی و تجزیه و تحلیل داده‌های الکترونیکی برای کشف شواهدی از تقلب یا سوء رفتار است.

حساب‌رسانی دادگاهی دیجیتال می‌تواند شامل بازیابی فایل‌های حذف شده، تجزیه و تحلیل ارتباطات مانند ایمیل، و بررسی سیستم‌های کامپیوتری برای یافتن نشانه‌های دستکاری باشد. به عنوان مثال، اگر مشکوک هستید که فردی به داده‌های مالی حساس دسترسی پیدا کرده یا آن‌ها را تغییر داده است، حساب‌رسانی دادگاهی دیجیتال می‌تواند به شما در ردیابی منبع نقض امنیت سیستم و جمع آوری شواهد کمک کند. حساب‌رسانی دادگاهی دیجیتال می‌تواند بینش‌های مهمی را در مورد بی

نظمی‌های مالی ارائه دهد. مانند این که یک کارآگاه دیجیتال در تیم خود داشته باشید و اطمینان حاصل کنید که تمام جنبه‌های داده‌های مالی شما به طور کامل بررسی می‌شود.

نتیجه‌گیری

با حسابرسی دادگاهی از چالش‌های مالی جلوتر باشید. در چشم‌انداز پیچیده‌ی مالی امروزی، جلوتر بودن از مسائل بالقوه مهم‌تر از هر زمان دیگری است. با استفاده از تکنیک‌های پیشرفته‌ی حسابرسی دادگاهی، می‌توانید از کسب‌وکار خود در برابر تقلب محافظت کنید، از انطباق آن اطمینان حاصل کنید و یکپارچگی مالی را حفظ کنید. چه مالک یک کسب‌وکار کوچک باشید یا یک شرکت بزرگ‌تر را مدیریت می‌کنید، درک و اجرای این تکنیک‌های حسابرسی قانونی می‌تواند تفاوت قابل ملاحظه‌ای ایجاد کند. از تجزیه و تحلیل داده‌ها و نظارت در زمان واقعی گرفته تا نرم‌افزارهای پیشرفته و حسابرسی دادگاهی دیجیتال، این ابزارها راه‌های قدرتمندی برای محافظت از عملیات مالی شما ارائه می‌دهند. اگر می‌خواهید امنیت مالی شرکت خود را افزایش دهید و اطمینان حاصل کنید که عملیات شما شفاف و مطابق با قوانین و مقررات است، بهتر است از تیم‌های حسابرسی دادگاهی کمک بگیرید. خدمات تخصصی حسابرسی دادگاهی می‌تواند به شما کمک کند تا در پیچیدگی چالش‌های مالی مدرن پیمایش کنید و آینده‌ی درخشانی را برای کسب‌وکار خود تضمین کنید.

۲۵ اکتبر ۲۰۲۴، www.linkedin.com

ایجاد تعادل میان ارتقای عملکرد و اجرای استراتژی‌ها



اکوسیستم‌های کسب‌وکارهای مدرن بسیار پیچیده‌تر از نسل‌های قبلی است. افزایش ریسک‌های مربوط به زنجیره‌ی تامین به دلیل تنش‌های ژئوپلیتیک، آگاهی بیشتر مصرف‌کننده از مسائل و مقررات زیست‌محیطی در حال ظهور، و تنش‌های تجاری، به عنوان موضوعات رایج‌تر، به افزایش پیچیدگی‌ها افزوده است. اکنون بیش از هر زمان دیگری، برای رهبران کسب‌وکارها حیاتی است، مطمئن شوند که نیروی کار آن‌ها فعالانه با استراتژی کسب‌وکار درگیر هستند. اهمیت داشتن نیروی کار آگاه در این

است که استراتژی‌های کسب‌وکار را هدایت می‌کند، مسئولیت‌های چالش برانگیز را بر عهده می‌گیرد و برای پیشبرد سازمان تصمیم‌گیری می‌کند. • اجرای استراتژی‌های پیچیده: نقش دریافت بازخورد و فرهنگ عملکرد

در عصر حاضر، بسیاری از کسب‌وکارها، استراتژی‌های چند وجهی را ایجاد کرده‌اند که به عنوان نمونه شامل انتظارات پایداری است. اما چالش واقعی، ایجاد استراتژی‌های برنده و جذب مدیران با استعداد نیست، بلکه در اجرای استراتژی‌های پیچیده است. اجرای استراتژی‌های پیچیده به داشتن مدل‌هایی بستگی دارد که پایداری را با عوامل عملیاتی و مالی به طور یکپارچه در تصمیم‌گیری در تمام سطوح ادغام کنند. برای بسیاری از کسب‌وکارها، دستیابی به انتظارات پایداری آن‌ها به معنای افزایش هزینه‌ها و فشار دائمی بر عملکرد مالی است. همان‌طور که کسب‌وکار می‌آموزد چگونه در واقعیت تغییر یافته‌ی کنونی فعالیت کند، مدیران اجرایی نیز باید بر دریافت بازخورد از تمام زوایای کسب‌وکار خود تمرکز کنند، چیزی که ما، حسابداران مدیریت، آن را «حلقه‌ی بازخورد» می‌نامیم. چرا این موضوع مهم است؟ زیرا، تنها با دریافت بینش و بازخورد مستمر است که مدیران می‌توانند با تنظیم عملیات، عوامل غافل‌گیرنده کننده را مدیریت کنند و هیأت‌مدیره را بر جریان امور مسلط نگه دارند. برای دستیابی به این هدف، کسب‌وکارها باید فرهنگ عملکرد یا به عبارت دیگر، محیطی را ایجاد کنند که در آن افراد توانمند، مورد اعتماد و درگیر شوند، که باعث رشد، نوآوری و ایجاد ارزش در بلندمدت شود.

• قدرت هدف و ارزش‌ها

بیان طوطی‌وار هدف و ارزش‌های کسب‌وکار یا تحمیل تغییرات رفتاری، به جای اینکه افراد را درگیر کند، بیشتر منجر به جبهه‌گیری توسط آنان می‌شود. مدیران زمانی موفق هستند که بتوانند این ذهنیت را در افراد خود ایجاد کنند که چگونه مدل کسب‌وکار و عملیات آن‌ها با هدف و ارزش‌های سازمان همسو است، این همان چیزی است که تیم‌ها را در سراسر کسب‌وکار درگیر می‌کند و انرژی لازم را ایجاد می‌کند تا بهترین کار خود را انجام دهند.

هدف سازمان باید به عنوان قطب نما برای اعضای تیم عمل کند، و جایگاه آن در هر فعالیت عملیاتی معنادار باشد. همین امر در مورد ارزش‌های سازمان نیز صدق می‌کند، هیچ چیز نباید دستوری و تغییر ناپذیر باشد. در عوض، آن‌ها باید در فعالیت‌های روزانه گنجانده شوند تا افراد برای به چالش کشیدن، نوآوری و ایجاد تنوع فکری، ترغیب شوند. فعال کردن هدف و ارزش‌ها از این طریق به اندازه‌ی اهداف عملیاتی، مالی و پایداری برای هدایت عملکرد قدرتمند است. به هر حال، این افراد هستند که نوآوری و ارزش را برای سازمان هدایت می‌کنند.

• از ارتقای عملکرد تا اجرای استراتژی‌ها

هر کسب‌وکاری برای دستیابی به ارتقای عملکرد تلاش می‌کند. سیستم‌ها و فرایندهای داخلی می‌توانند منبع مزیت رقابتی باشند، اما اغلب رقیباً نیز می‌توانند از این مزیت استفاده کنند و منافع نسبتاً کوتاه‌مدت ایجاد کنند. رهبران کسب‌وکارهای بزرگ می‌دانند که موفقیت پایدار در کسب‌وکار به تمرکز بر اهداف استراتژیک بستگی دارد.

در برخی از کسب و کارها، مدیران اجرایی هم مسئول عملکرد خود هستند و هم نسبت به هدف استراتژیک پاسخگو هستند. حتی با چنین مسئولیت دوگانه‌ای، مدیران اجرایی تمایل دارند که مسئولیت‌های عملکردی خود را بر مسئولیت‌های استراتژیک خود اولویت دهند، زیرا طبق سلسله مراتب قدرت تمایل دارند از ساختارهای عملکردی پیروی کنند. شاید کسب و کارها باید سلسله مراتب قدرت را با همسویی اهداف استراتژیک در نظر بگیرند تا تعادل قدرت میان عملکردها و استراتژی‌ها را افزایش دهند، همان‌طور که برخی از سازمان‌ها با موفقیت این کار را انجام داده‌اند، این امر به طور قابل ملاحظه‌ای باعث بهبود همکاری میان عملکردها در سراسر سازمان و افزایش هماهنگی برای اجرای استراتژی‌ها می‌شود. اما ایجاد این تعادل به رویکرد منسجم برای رهبری و داشتن افراد مناسب نیاز دارد، افرادی که می‌توانند توجه خود را به تغییرات مورد نیاز، تخصیص منابع مورد نیاز و حمایت از تغییرات، اختصاص دهند.

۱۱ دسامبر ۲۰۲۴، www.accountancyage.com

اخلاق در حسابداری: آیا مؤسسات می‌توانند اعتماد عمومی را بازگردانند؟



بر اساس گزارش هیأت استانداردهای بین‌المللی اخلاق حسابداران (IESBA)، در پنج سال گذشته مؤسسات حسابداری به دلیل نقض‌های اخلاقی، با جریمه‌هایی بیش از ۱۰۰ میلیون دلار در سطح جهان مواجه شده‌اند. این جریمه‌ها، مسائل سیستماتیک در حاکمیت شرکتی، رهبری و فرهنگ سازمانی را برجسته می‌کند که اعتماد عمومی را از بین برده است. این گزارش که با اطلاعات به دست آمده از نهادهای ناظر، نهادهای حرفه‌ای و مؤسسات تهیه شده است، نشان می‌دهد که ضعف‌های حاکمیت شرکتی و انگیزه‌های نامناسب، در کانون این ناکامی‌ها قرار دارند. یافته‌ها به دوراهی اشاره دارد که اکنون حرفه بر سر راه آن قرار دارد. آیا مؤسسات حسابداری می‌توانند فرهنگ و ساختار خود را برای پاسخگویی به تقاضای فزاینده تغییر دهند، یا همچنان شهرت و اعتماد عمومی خود را به خطر می‌اندازند؟

رهبری: جو اخلاقی سطح بالای سازمان
جو اخلاقی سطح بالای سازمان، موضوعی بیش از یک کلیشه است و

در حقیقت پایه‌ای است که یک فرهنگ اخلاقی بر آن بنا می‌شود. رهبران مؤسسات نقشی اساسی در شکل دادن به رفتار افراد در تمام سطوح سازمان خود دارند. رهبری نه تنها باید از ارزش‌های اخلاقی حمایت کند، بلکه باید آن‌ها را از طریق عمل نشان دهد.

همان‌طور که در این گزارش اشاره شده است، رهبرانی که ارزش‌های اخلاقی را در استراتژی‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و ارتباطات خود در اولویت قرار می‌دهند، نمونه‌ای عملی از این ارزش‌ها هستند و الهام بخش رفتار اخلاقی در سراسر مؤسسه خود هستند.

داده‌ها گویای همه چیز هستند. مؤسساتی که بر رهبری اخلاقی تأکید دارند، رفتارهای غیراخلاقی کمتری را تجربه می‌کنند. در حوزه‌های قضایی مانند انگلستان و ژاپن، الزام برای حضور اجباری مدیران غیر اجرایی مستقل (INES) در ساختارهای حاکمیتی، پاسخگویی را تقویت کرده است. به عنوان مثال، ضوابط حاکمیت شرکتی مؤسسات حسابداری منتشر شده توسط شورای گزارشگری مالی انگلستان، مدیران غیر اجرایی مستقل را ملزم می‌کند، تصمیمات رهبری را به چالش بکشند و اطمینان حاصل کنند که استراتژی مؤسسه با منافع عمومی همسو است. با این حال، پذیرش جهانی چنین اقداماتی با عدم یکنواختی همراه است که شکاف‌هایی را در نظارت اخلاقی ایجاد می‌کند.

حاکمیت شرکتی: بنیادی شکننده

وجود شکاف‌های قابل ملاحظه در حاکمیت شرکتی، به ویژه در مؤسساتی که در محیط‌های نظارتی متنوع فعالیت می‌کنند، همچنان اعتماد عمومی را تضعیف می‌کند. شبکه‌های جهانی مؤسسات با چالش اجرای استانداردهای اخلاقی یکنواخت در زمان مدیریت فشارهای تجاری محلی، مواجه هستند.

یکی از چالش‌های تکراری، عدم شفافیت در مورد پاسخگویی است. نظارت ناکافی بر عملکرد اخلاقی در سطوح وابسته، منجر به نقض‌هایی شده است که در کل شبکه‌ها موج می‌زند. این تنش به ویژه در مؤسساتی با خطوط خدمات چند رشته‌ای (مانند اطمینان بخشی و مشاوره) شدید است که در آن اهداف منافع عمومی، اغلب در جایگاه دوم پس از رشد درآمد قرار می‌گیرند.

گزارش‌های شفافیت اجباری، در حوزه‌های قضایی مانند انگلستان و اتحادیه اروپا راهی برای پاسخ به این شکاف‌ها فراهم می‌کند. این گزارش‌ها با الزام مؤسسات به افشای چارچوب‌های حاکمیت شرکتی، سیاست‌های اخلاقی و پاسخ به نقض‌ها، بینش واضح‌تری از جایگاه اخلاق در مؤسسات به مشتریان، نهادهای ناظر و عموم می‌دهند. با این حال، شفافیت به تنهایی نمی‌تواند جایگزین سیستم‌های حاکمیت شرکتی داخلی قوی شود. مؤسسات باید ارزیابی‌های مستقل و نظارت متمرکز را اجرا کنند تا اطمینان حاصل شود که ساختارهای حاکمیت شرکتی نه تنها وجود دارند، بلکه به طور فعال اجرا می‌شوند.

مشوق‌ها: همسو کردن پاداش‌ها با مسئولیت‌ها

مشوق‌ها یکی از تأثیرگذارترین و در عین حال نادیده گرفته شده‌ترین محرک‌های رفتار اخلاقی هستند. معیارهای عملکردی با طراحی ضعیف خود بر نتایج مالی تأکید دارند و در عین حال نتایج اخلاقی را نادیده

می گیرند و محیط‌هایی را ایجاد می کنند که در آن رفتار نادرست نه تنها تحمل می شود، بلکه گاهی اوقات تشویق نیز می شود.

تنظیم مجدد این سیستم‌ها ضروری است. معیارهای اخلاقی، مانند پایبندی به ضوابط رفتاری، بازخورد مشتری، و مشارکت در برنامه‌های آموزشی اخلاقی، باید وزن یکسانی با اهداف مالی در ارزیابی کارکنان داشته باشند. مهم‌تر از همه، مؤسسات همچنین باید پیامدهای معنی داری را برای نقض‌های اخلاقی اعمال کنند و اطمینان حاصل کنند که رفتار غیراخلاقی با پیامدهای ملموس مواجه می شود. شفافیت در ساختارهای تشویقی یکی دیگر از حوزه‌های مهم تمرکز است. در انگلستان، مؤسساتی که آشکارا نحوه‌ی ارزیابی و پاداش عملکرد اخلاقی را افشا می کنند، نقش الگو را در حرفه بازی می کنند. چنین شفافیتی نه تنها اعتماد را تقویت می کند، بلکه این پیام را منعکس می سازد که رفتار اخلاقی برای موفقیت سازمانی ضروری است.

فرستی برای تحول

رهبری باید فرهنگ اخلاقی را در اختیار بگیرد، سیستم‌های حاکمیت شرکتی باید برای پاسخگویی به پیچیدگی‌های عملیات جهانی تکامل یابند، و برای تقویت انگیزه‌ها باید به صداقت نسبت به دستاوردهای کوتاه‌مدت، پاداش داده شود. برای مؤسساتی که مایل به پذیرش این تغییرات هستند، مزایای بالقوه‌ی قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. انعطاف‌پذیری اخلاقی نه تنها ریسک را کاهش می دهد، بلکه در دنیایی که به طور فزاینده‌ای بدبینی وجود دارد، مؤسسات را در جایگاه سفیران اعتماد بخشی حرفه قرار می دهد.

www.accountancyage.com، ۲۱ ژانویه ۲۰۲۵

هوش مصنوعی در کانون حسابداری: تغییر قواعد بازی



در صنعت حسابداری که اغلب تحت الشعاع عدم اطمینان‌های اقتصادی پریچ و خم و حاشیه سودهای نامنظم قرار دارد، هوش مصنوعی بی‌سر و صدا خود را به عنوان تغییردهنده‌ی قواعد بازی تبدیل کرده است. این روزها، تعبیه‌ی فناوری‌های هوشمند و ادغام پر قدرت آن در ستون فقرات حسابداری، کاملاً محسوس است. در حالی که هوش مصنوعی به ارائه‌ی

راه‌حل‌هایی برای چالش‌های کمبود نیروی کار و ناکارآمدی پروژه‌ها می پردازد، تمرکز مطلق آن بر ارائه‌ی ارزش منحصربه‌فردی است که برای مشتریان بسیار معنادار است. به جای تقلا برای پاسخ به هر نیاز عملیاتی در داخل، هوش مصنوعی به طرز ماهرانه‌ای نقش خود را در پلت فرم حسابداری به بهترین شکل و بسیار تخصصی ادغام کرده است. این دقیقاً همان استراتژی واضحی است که می گوید بر روی هسته تمرکز کنید و در آن جا عالی شوید.

• هوش مصنوعی در کانون حسابداری و فراتر از آن

رویکرد هوش مصنوعی نسبت به صنعت حسابداری منعکس کننده‌ی این مفهوم است که «به نقاط قوت اصلی خود پایبند باشید». در حقیقت به جای ارائه‌ی یک پلت فرم هوش مصنوعی گسترده، باید ویژگی‌های هوش مصنوعی را برای حل گلوگاه‌های خاص در سیستم حسابداری ابری خود تعبیه نمود. این امر شامل تشخیص ناهنجاری‌ها برای یافتن نقاط پرت در تراکنش‌ها قبل از زمان بحرانی در پایان ماه و اتوماسیون گردش کار است که ورود دستی داده‌ها را به‌طور چشم‌گیری کاهش می دهد.

• تغییر قواعد بازی با هوش مصنوعی

یکی از قانع کننده‌ترین تصاویر از تأثیر عصر جدید، تغییر در ذهنیتی است که از صنعت حسابداری وجود دارد. از لحاظ تاریخی، این صنعت با کار کاغذی وقت گیر و دوباره کاری‌های مکرر گره خورده است. اما تکنیک‌های مدرن هوش مصنوعی، که شامل شناسایی و برخورد در زمان واقعی و برآوردهای پویا است، اکنون راه خود را به جریان‌های کاری استاندارد پیوند زده است.

• مقابله با چالش نیروی انسانی

فراتر از کارایی فناوری، صنعت حسابداری با کمبود شدید نیروی کار مواجه است. هوش مصنوعی و ابزارهای مبتنی بر سیستم‌های ابری که از آن پشتیبانی می کنند، به طور فزاینده‌ای به عنوان آهن ربای نیروهای کار جوان‌تر و آگاه به فناوری عمل می کند. حق الزحمه‌های بالاتر، تجهیزات مدرن، و هماهنگی در اجرای امور تحت تاثیر پیشرفت‌های فناوری، تصویری را که قبلاً از حسابداری ارائه شده بود، به فرآیندی پیشرفته تبدیل می کند. به بیان دیگر، تلاش هوش مصنوعی برای ساده‌سازی حسابداری و پیوند یکپارچه‌ی آن با نرم‌افزار عملیاتی، نیروی کار را به سمت این صنعت جذب می کند.

• چشم‌انداز آینده نگر

اگرچه صنعت حسابداری به طور کامل از راه‌حل‌های ابری استقبال می کند و با پلت فرم‌های خاص هوش مصنوعی در مقیاس‌های مختلف ادغام می شود، اما از اولویت دادن به حیاتی‌ترین نگرانی‌های مشتری پیروی می کند. اکنون سایر بازیگران فناوری مالی به دنبال جذابیت یک سیستم همه شمول هستند. با تلفیق پتانسیل هوش مصنوعی در ارزش مشتری، به نظر می رسد هوش مصنوعی نه تنها آینده‌ی صنعت حسابداری فناوری محور را تضمین می کند، بلکه افق‌های گسترده‌تری برای مدیریت کسب و کارها مبتنی بر سیستم‌های ابری را شکل می دهد.

www.accountancyage.com، ۲۲ ژانویه ۲۰۲۵

لزوم وحدت رویه میان ارائه‌دهندگان خدمات اطمینان بخشی به اطلاعات پایداری



فدراسیون بین‌المللی حسابداران (IFAC) و سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار (IOSCO) حمایت خود از انتشار استاندارد بین‌المللی اطمینان بخشی به اطلاعات پایداری (ISSA5000) توسط هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابرسی و اطمینان بخشی (IAASB) را اعلام نمودند.

لی وایت، مدیر اجرایی IFAC، در این باره اظهار داشت، در سال‌های اخیر با بالا گرفتن تب و تاب گزارشگری اطلاعات مربوط به مسائل پایداری، تحول مهمی رخ داده است، و اطمینان بخشی نقش اساسی در تضمین کیفیت، قابلیت مقایسه و قابل اتکا بودن این اطلاعات دارد، همان‌طور که این موضوع در مورد اطلاعات مالی نیز انجام می‌شود. استاندارد نهایی به ملاحظات و مشاهدات کلیدی ارائه شده توسط IOSCO در گزارش سال ۲۰۲۳ و تقاضای عمومی در این زمینه پاسخ می‌دهد. IOSCO معتقد است که این استاندارد می‌تواند از کیفیت بالا در مورد اطلاعات مربوط به پایداری پشتیبانی کند و ثبات رویه، قابلیت مقایسه و قابلیت اتکای اطلاعات پایداری ارائه شده به بازار را افزایش دهد. این استاندارد، همراه با طرح IAASB برای توسعه منابع لازم جهت اجرا و سایر تلاش‌های ظرفیت‌سازی، می‌تواند به افزایش اعتماد به اطلاعات پایداری که به سرمایه‌گذاران ارائه می‌شود، کمک نماید.

ISSA 5000 به‌عنوان یک استاندارد حرفه‌ای، حتی برای استفاده‌کنندگان خارج از حرفه‌ی حسابداران نیز در دسترس است. اگر متخصصان دیگری به جز حسابداران حرفه‌ای از ISSA 5000 برای اطمینان بخشی به اطلاعات پایداری استفاده می‌کنند، برای حمایت از سرمایه‌گذار و مصرف‌کننده، کاملاً حیاتی است که این ارائه‌دهندگان خدمات اطمینان بخشی نیز، تحت نظارت و الزامات نظارتی مشابهی باشند که بر حسابداران حرفه‌ای اعمال می‌شود.

لی وایت افزود، نهادهای حرفه‌ای حسابداران عضو IFAC در سراسر جهان، که نماینده‌ی میلیون‌ها حسابدار هستند، باید با تعهد عمیق خود

به همکاری با نهادهای ناظر و استانداردگذاران در سطح جهانی برای تسهیل اجرای یکنواخت و به موقع استانداردهای بین‌المللی، مانند ISSA 5000، به منظور تامین منافع عمومی، متحد شوند. گفتنی است، IFAC با ارائه‌ی کمک‌های فنی و آموزشی با کیفیت بالا، از اعضای خود حمایت می‌کند تا جهت دستیابی به سه هدف زیر گرد هم آیند:

- افزایش حمایت از سرمایه‌گذار.
 - اطمینان از عادلانه بودن و کارایی بازارها.
 - ارتقای ثبات مالی از طریق کاهش ریسک سیستماتیک.
- ۲۰ نوامبر ۲۰۲۴، www.ifac.org

برنامه‌های هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابرسی و اطمینان بخشی در سال ۲۰۲۵



هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابرسی و اطمینان بخشی (IAASB) با تصویب ISA 570 (تداوم فعالیت، تجدیدنظر شده) و پیگیری تصویب ISSA 5000 (استاندارد بین‌المللی اطمینان بخشی پایداری) در سپتامبر ۲۰۲۴، سال گذشته را پر بار به پایان رساند. طبیعی است که ذی‌نفعان بخواهند بدانند IAASB چه برنامه‌ای برای سال ۲۰۲۵ دارد. هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابرسی و اطمینان بخشی برای سال ۲۰۲۵، از نقطه نظر مسئولیت استانداردگذاری خود، به سه وظیفه اصلی اشاره کرده است:

۱. به پایان رساندن کارهایی که در گذشته آغاز شده است.
۲. تخصیص زمان و پشتیبانی لازم برای اطمینان از اجرای خدمات حسابرسی و اطمینان بخشی با کیفیت بالا.
۳. تمرکز بر فناوری برای افزایش کیفیت حسابرسی و خدمات اطمینان بخشی.

به پایان رساندن کارهایی که در گذشته آغاز شده است: IAASB در نظر دارد تا پایان نیمه‌ی نخست سال ۲۰۲۵، پروژه‌های خود در زمینه‌ی تقلب و مرحله‌ی دوم پروژه‌ی همگرایی با استانداردهای هیأت استانداردهای بین‌المللی اخلاق در حسابداری را (IESBA) در مورد واحدهای تجاری دارای منافع عمومی تکمیل نماید. IAASB در نظر دارد اصلاحات استاندارد تقلب را در ماه مارس تصویب کند و در سه‌ی ماهه نخست سال ۲۰۲۵، فرآیند نظرخواهی عمومی در مورد همگرایی استانداردهای

۲۰۲۴، سال تحول

غالب صاحب نظران توافق دارند سال ۲۰۲۴ با تغییرات چشم‌گیری همراه بوده است. به طور خاص، هوش مصنوعی مولد به عنوان تغییر دهنده‌ی بازی ظاهر شد و سازمان‌ها در اکثر صنایع، از استارت‌آپ‌های فناوری محور گرفته تا شرکت‌های سنتی، پتانسیل آن را بررسی کردند. در حالی که این فناوری کارایی را افزایش می‌دهد، خطرات جدیدی از جمله چالش‌های راهبری، آسیب‌پذیری‌های شخص ثالث و تهدیدات امنیت سایبری را نیز به همراه دارد. امروزه هر نوع حسابرسی تا حدی یک حسابرسی فناوری اطلاعات است. این موضوع بر الزام متخصصان حسابرسی جهت تطبیق رویه‌های عمل و ارتقای تخصص فنی خود متناسب با نیازهای آینده، تأکید می‌کند.

ریسک‌های نوظهور در سال ۲۰۲۵

متخصصان مالی باید برای ریسک‌های بااهمیت سال ۲۰۲۵ آماده شوند. این ریسک‌ها عبارتند از:

• حاکمیت هوش مصنوعی مولد

در حالی که بسیاری از سازمان‌ها با احتیاط هوش مصنوعی مولد را در فرآیندهای کاری خود آزمون می‌کنند، برخی دیگر آن را در فرآیندهای اصلی کسب‌وکار ادغام کرده‌اند. این تنوع گسترده در پذیرش، نیاز به چارچوب‌های حاکمیتی قوی را برای اطمینان از استفاده‌ی اخلاقی، کاهش خطرات شخص ثالث، و نظارت بر انطباق با مقررات به سرعت در حال تحول، برجسته می‌کند.

• تشدید امنیت سایبری

امنیت سایبری همچنان مهم‌ترین نگرانی سازمان‌ها در سطح جهان است. تیم‌های حسابرسی داخلی باید بر شناسایی فعالانه، واکنش به حادثه و برنامه‌ریزی بازبایی تمرکز کنند.

• فشارهای نظارتی و ESG

هم احکام افشای آب و هوای کمیسیون بورس و اوراق بهادار و هم دستوالعمل‌های نوظهور ESG در بازارهای جهانی، نشانه‌ی افزایش فشارهای نظارتی است. سازمان‌ها باید گزارشگری پایداری را تقویت کنند، روش‌های حسابرسی دقیق را اعمال کنند و به ذی‌نفعان در مورد اهمیت حاکمیت دقیق داده‌ها، آموزش دهند.

• کمبود استعدادها و مهارت

حفظ متخصصان ماهر در زمینه‌هایی مانند فناوری اطلاعات، حسابرسی و مدیریت ریسک همچنان یک چالش است. رهبران آینده‌نگر تیم‌های خود را متنوع می‌کنند، و متخصصان داده و سایر متخصصان را برای مقابله‌ی موثر با ریسک‌های نوظهور ادغام می‌کنند.

نقش هوش مصنوعی در کنترل‌های داخلی و گزارشگری مالی

یکی از بحث‌های برجسته‌ی امروز میان صاحب نظران این است که چگونه هوش مصنوعی کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی (ICFR) را تقویت می‌کند. ابزارهای هوش مصنوعی نه تنها فرآیندهای سنتی را ساده می‌کنند، بلکه به متخصصان مالی اجازه می‌دهند تمرکز خود را از کار مطابقت به فعالیت‌های استراتژیک با ارزش تغییر دهند. همگرایی فناوری‌های مداخله‌گر، چشم‌اندازهای نظارتی در حال تحول و

اخلاقی را انجام خواهد داد. با نهایی شدن این پروژه‌ها، مرحله‌ی مهمی از برنامه‌ی کاری IAASB 2024-2027 به پایان می‌رسد.

تخصیص زمان و پشتیبانی برای اطمینان از اجرای خدمات حسابرسی و اطمینان بخشی با کیفیت بالا: در سال‌های اخیر، برای اطمینان از اجرای با کیفیت بالای خدمات حسابرسی و اطمینان بخشی، IAASB به تصویب، تجدیدنظر و بازنگری در استانداردهای ISA 315 (مسئولیت حسابرسان برای شناسایی ریسک تحریفات بااهمیت، تجدیدنظر شده ۲۰۱۹)، مجموعه استانداردهای مدیریت کیفیت (ISQMs ۱ و ۲)، و ISA 220 (مسئولیت‌های مشخص کارکنان مؤسسه حسابرسی در مورد روش‌های کنترل کیفیت حسابرسی اطلاعات مالی، تجدیدنظر شده)، ISA 600 (حسابرسی گروه، تجدیدنظر شده)، استاندارد حسابرسی صورت‌های مالی واحدهای تجاری کمتر پیچیده، ISA 5000 و ISA 570 (بازنگری شده در سال ۲۰۲۴) پرداخته است که حاکی از تمرکز این نهاد استاندارد گذار بر حمایت از اجرای این استانداردها خواهد بود.

تمرکز بر فناوری برای افزایش کیفیت حسابرسی و خدمات اطمینان بخشی: برای افزایش کیفیت خدمات حسابرسی و اطمینان بخشی، IAASB تمرکز خود را بر فناوری افزایش خواهد داد. اگرچه فناوری تنها محرک نیست، تمرکز اختصاصی IAASB بر فناوری در سه سال آینده در اولویت خواهد بود. پروژه‌ی پیشنهادی اخیر IAASB برای بازنگری در استانداردهای شواهد حسابرسی و پاسخ به ریسک، که قرار است در اوایل سال ۲۰۲۷ تکمیل شود، این تعهد را برجسته می‌کند. IAASB به زودی جدول زمانی پروژه‌های فناوری محور خود را به روز رسانی خواهد کرد.

www.iaasb.org، ۱۳ ژانویه ۲۰۲۵

هوش مصنوعی و راهبری مالی: ترسیم چشم‌انداز جدید برای ریسک و حسابرسی در سال ۲۰۲۵



در چشم‌انداز به سرعت در حال تحول راهبری مالی، سال ۲۰۲۴ سال تغییرات چشم‌گیر بود. از پذیرش شتابان هوش مصنوعی مولد گرفته تا افزایش بی‌ثباتی ژئوپلیتیکی، چالش‌هایی که حسابرسان، مدیران مالی و دیگر متخصصان مالی با آن مواجه هستند؛ در هیچ برهه‌ای از زمان چشم‌انداز صنعت مالی به این پیچیدگی نبوده است.

افزایش انتظارات برای پاسخگویی سازمانی، نقش حسابرسان و رهبران مالی را تغییر می‌دهد. همان‌طور که در ابتدای مطلب اشاره شد، در هیچ زمانی چشم‌انداز صنعت مالی به این پیچیدگی نبوده است. اهمیت فوریت در عمل روشن است. نادیده گرفتن این تغییرات، خطر عقب ماندن از رقبا، از دست دادن اعتماد ذی‌نفعان و مواجهه با آسیب‌های مالی یا اعتباری را به دنبال دارد. برعکس، سازگاری و تطبیق به موقع راه را برای استفاده از فرصت‌های پیش رو جهت حضور در نقش‌های رهبری و افزایش کارایی، هموار می‌سازد.

۱۱ دسامبر ۲۰۲۴، www.mindbridge.ai

چگونه حسابرسان داخلی می‌توانند در به کارگیری هوش مصنوعی به سازمان‌ها کمک کنند؟



اتحادیه‌ی اروپا به صدور قوانین برجسته در مورد مسائل نوظهور و اغلب دشوار، که سایر حوزه‌های قضایی به سرعت از آن‌ها پیروی می‌کنند، شهرت دارد. قانون حفاظت از داده‌ها (GDPR)، استاندارد گزارشگری پایداری شرکتی (CSRD) و قوانین بازارهای ارزهای دیجیتال (MiCA)، و اکنون، بار دیگر اتحادیه‌ی اروپا با معرفی قانون هوش مصنوعی، رهبری جهانی خود را نشان می‌دهد.

در انگلستان، دولت تمایل خود را برای ارائه‌ی پاسخی چابک و نوآورانه به هوش مصنوعی بیان کرده است، اما پارلمان این کشور مطمئناً قوانین اتحادیه‌ی اروپا را با دقت بررسی می‌کند. صرف نظر از آنچه در هر حوزه‌ی قضایی اتفاق می‌افتد، از سازمان‌هایی که مایلند سیستم‌های هوش مصنوعی خود را در بازارهای اتحادیه‌ی اروپا به کارگیرند، انتظار می‌رود که با قانون هوش مصنوعی اتحادیه‌ی اروپا مطابقت داشته باشند. در این مطلب به میزگرد اخیر EY و AuditBoard در مورد این موضوع پرداخته می‌شود.

اتخاذ رویکرد متعادل نسبت به هوش مصنوعی بسیار مهم است. متخصصان ریسک، که نقش‌شان حول محور ارزیابی و مدیریت ریسک می‌چرخد، به‌طور منحصربه‌فردی در جایگاه همکاری با کارشناسان فنی جهت ابهام‌زدایی و استفاده از پتانسیل هوش مصنوعی در سازمان‌ها هستند. برای درک بهتر تاثیر هوش مصنوعی بر کار مدیریت ریسک

و خدمات اطمینان‌بخشی (و بالعکس)، EY چهار پرسش کلیدی را در اولویت قرار داده است:

۱. چه چیزی هوش مصنوعی را از سایر ریسک‌های نوظهور متمایز می‌کند؟

۲. ریسک‌های به کارگیری هوش مصنوعی چیست؟

۳. قانون هوش مصنوعی اتحادیه‌ی اروپا چیست؟

۴. متخصصان ریسک و خدمات اطمینان‌بخشی چه نقشی دارند؟

چه چیزی هوش مصنوعی را از سایر ریسک‌های نوظهور متمایز می‌کند؟ بر اساس مطالعه‌ی اخیر EY، ۶۵ درصد از مدیران عامل، هوش مصنوعی را به عنوان نیرویی خوب می‌دانند و ۴۵ درصد در حال برنامه ریزی برای سرمایه‌گذاری قابل ملاحظه در آن هستند. در حالی که تقریباً دو سوم تأثیر منفی آن بر مشاغل را پیش‌بینی می‌کنند، دیدگاه گسترده‌ای وجود دارد که با ایجاد نقش‌های جدید، این امر خنثی می‌شود. چیزی که در مورد هوش مصنوعی متمایز است، قابلیت سازگاری و استقلال درونی آن با تصمیمات است. این موضوع اگرچه می‌تواند مزایای زیادی به همراه داشته باشد، اما پتانسیل خطا از سوی هوش مصنوعی نیز را افزایش می‌دهد.

ریسک‌های به کارگیری هوش مصنوعی چیست؟ ریسک‌های هوش مصنوعی می‌تواند از مرحله‌ی طراحی یا مرحله‌ی عملکرد آن ناشی شود. زمانی که هوش مصنوعی خروجی‌های نادرست یا گمراه کننده یا تصمیمات مغرضانه‌ی سیستماتیک از الگوریتم‌های به ظاهر بی طرف را ایجاد می‌کند، ممکن است گمراهی رخ دهد. به کارگیری هوش مصنوعی همچنین می‌تواند ریسک‌های امنیت سایبری، حریم خصوصی و ریسک‌های شخص ثالث را افزایش و پیامدهای اخلاقی جدید و غیرمنتظره‌ای را در سطح عملیاتی، مالی و اعتباری ایجاد کند. همچنین مسائل اساسی در زمینه‌های امنیت عمومی، حفاظت از داده‌ها، رفتار منصفانه و دسترسی وجود دارد که همگی ویژگی‌های کلاسیک ریسک‌های نوظهور (تازگی، نوسان، سرعت، عدم قطعیت، و پتانسیل ایجاد اختلال اساسی) را دارد. برخی از جدی‌ترین پیش‌بینی‌ها برای دنیایی با هوش مصنوعی مانند داستان‌های علمی تخیلی به نظر می‌رسند، اما در این مرحله، ما به سادگی نمی‌دانیم که چگونه تکامل خواهد یافت و پیامدهای بلندمدت آن چه خواهد بود.

قانون هوش مصنوعی اتحادیه‌ی اروپا چیست؟ هدف قانون هوش مصنوعی اتحادیه‌ی اروپا تضمین شفافیت و پاسخگویی بهتر، حفاظت از حقوق اساسی، دموکراسی، حاکمیت قانون، و پایداری محیط زیست در برابر ریسک هوش مصنوعی و در عین حال تقویت نوآوری است. کاربردهای هوش مصنوعی با بالاترین سطح خطر، ممنوع است و متخلفان ممکن است با جریمه‌های سنگین تا ۷ درصد از گردش مالی جهانی مواجه شوند. سایر کاربردهای هوش مصنوعی در زیرساخت‌های حیاتی، آموزش حرفه‌ای، یا ارزیابی دسترسی افراد برای اطمینان از نظارت مؤثر، کنترل، مستندسازی و شفافیت آن، از فوریه ۲۰۲۵ اعمال می‌شود.

متخصصان ریسک و خدمات اطمینان‌بخشی چه نقشی دارند؟ هدف این قانون حمایت از عموم است. نقش مدیریت ریسک و حسابرسی

داخلی کمک به ایجاد و حفاظت از ارزش‌های سازمانی، از طریق ارائه‌ی بینش و مشاوره است.

EY تأکید می‌کند که حساب‌رسان داخلی می‌توانند در حمایت از مدیریت و هیأت‌مدیره مشارکت‌های مهم زیادی داشته باشند، به عنوان نمونه:

- با توافق بر سر تعریف هوش مصنوعی شروع کنید. تا زمانی که آن را نشناسیم، نمی‌توانیم آن را مدیریت کنیم.
- نقشه‌برداری از هوش مصنوعی را در سراسر سازمان هماهنگ یا هدایت کنید.

• به مدیریت ارشد در مورد نقش‌ها، مسئولیت‌ها، ساختارها و منابع مناسب، مشاوره دهید.

• از توسعه‌ی سیاست‌ها، رویه‌ها، استانداردها و دستورالعمل‌های سازمانی حمایت کنید.

• بررسی انطباق با الزامات فعلی و آینده و انجام تجزیه و تحلیل شکاف.

• انجام آزمون و تجزیه و تحلیل

• ارائه‌ی اطمینان در مورد ورودی‌ها (داده‌ها)، فرآیندها، خروجی‌ها و نتایج.

نکات برتر برای حساب‌رسان داخلی:

- ابتکار عمل را به عهده بگیرید، منتظر نباشید که از شما خواسته شود.
- کنج‌کاو باشید و سوال بپرسید.

• از استراتژی هوش مصنوعی در سطح سازمان با نظارت مستمر و کنترل چرخه‌ی عمر دفاع کنید.

• اطمینان حاصل کنید که مدیریت ریسک و حساب‌رسی داخلی با افزایش استفاده از هوش مصنوعی تکامل می‌یابد.

• آنچه را که می‌توانید بیاموزید، اما در صورت لزوم از نظرات سایر متخصصان استفاده نمایید.

www.auditboard.com، ۱۶ ژانویه ۲۰۲۵

الزام مؤسسات حساب‌رسی به رعایت مجموعه‌ی معیارهای جدید

PCAOB از مؤسسات حساب‌رسی می‌خواهد که مجموعه‌ی جدیدی از معیارها را در گزارشگری خود لحاظ کنند. اریکا ویلیامز، رئیس هیأت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام در بیانیه‌ای اظهار داشت، الزامات جدید نظارت PCAOB را مؤثرتر می‌کند و سرمایه‌گذاران، کمیته‌های حساب‌رسی و سایر ذی‌نفعان را به داده‌های شفاف، یکنواخت و کاربردی مرتبط با مؤسسات حساب‌رسی و تعهداتی که انجام می‌دهند تجهیز می‌کند.

• معیارهای جدید

مؤسسات حساب‌رسی ثبت شده در PCAOB، ملزم به گزارش عمومی معیارهای جدید مربوط به حساب‌رسی‌ها و شیوه‌های حساب‌رسی خود هستند. از ۱۱ معیاری که در پیشنهاد PCAOB در ماه آوریل گنجانده شده است، ۸ مورد آن را به الزامات جدید تبدیل کردند:

۱. مشارکت شریک و مدیر

۲. حجم کار
۳. ساعات آموزشی برای پرسنل حساب‌رسی
۴. تجربه‌ی پرسنل حساب‌رسی
۵. تجربه‌ی صنعت
۶. حفظ پرسنل حساب‌رسی (فقط در سطح مؤسسه)
۷. تخصیص ساعات حساب‌رسی
۸. سابقه تجدید ارائه‌ها (فقط در سطح مؤسسه)

در بیانیه‌ی انجمن حسابداران رسمی آمریکا (AICPA) در این زمینه آمده است، باعث خرسندی است که PCAOB با تمدید تاریخ الزام اجرا، به‌ویژه برای مؤسسات کوچک‌تر، و کاهش تعداد معیارهای الزامی، بازخوردها را مورد توجه قرار داده است. اما پیامدهای بالقوه‌ی الزامات باقی‌مانده، کاهش رقابت و تنوع بازار حساب‌رسی یک خطر قابل توجه است. در بیانیه‌ی AICPA آمده است، الزامات جدید بار قابل ملاحظه‌ای را بر دوش مؤسسات حساب‌رسی کوچک و متوسط تحمیل می‌کند و می‌تواند موجب خروج برخی از مؤسسات از بازار حساب‌رسی شرکت‌های سهامی عام بشود.

نظرسنجی اخیر از مؤسسات ثبت شده نشان می‌دهد ۵۱ درصد آن‌ها در صورت تایید الزامات، در مورد مشارکت در حساب‌رسی شرکت‌های سهامی عام تجدید نظر خواهند کرد.

اول اکتبر ۲۰۲۷ به عنوان تاریخ الزام اجرا، در انتظار تایید کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا است. این الزامات برای مؤسساتی که ابتدا بیش از ۱۰۰ ناشر را حساب‌رسی می‌کنند، اعمال می‌شود و الزامات برای سایر مؤسسات در سال بعد اعمال می‌شود.

• گزارش مؤسسات

PCAOB الزامات گزارشگری فعلی در چندین زمینه را اصلاح کرد:

اطلاعات مالی: همه‌ی مؤسسات ثبت‌شده ملزم خواهند بود اطلاعات حق الزحمه‌ی اضافی را گزارش کنند و مؤسسات حساب‌رسی بزرگ‌تر صورت‌های مالی خود را به‌طور محرمانه به PCAOB ارسال نمایند.

اطلاعات حاکمیت شرکتی: مؤسسات ملزم خواهند بود اطلاعات بیشتری را در مورد رهبری، ساختار قانونی، مالکیت و سایر اطلاعات حاکمیت شرکتی، از جمله گزارش در مورد برخی از نقش‌های کلیدی عملیاتی و نظارتی کنترل کیفیت گزارش دهند.

روابط شبکه‌ای: از مؤسسات خواسته شده که شرح مفصل‌تری از هر نوع رابطه‌ی شبکه‌ای خود را گزارش دهند.

گزارشگری ویژه: برای مؤسساتی که سالانه بازرسی می‌شوند، الزام به گزارشگری ویژه‌ی محرمانه برای رویدادهای مهم مؤسسه، عملیات، نقدینگی یا منابع مالی افزوده شده است؛ مواردی که بر ارائه‌ی خدمات حساب‌رسی تأثیر می‌گذارد.

امنیت سایبری: از مؤسسات ثبت‌شده خواسته شده است تا رویدادهای مهم امنیت سایبری را به‌طور محرمانه گزارش دهند و گزارش به صورت دوره‌ای و عمومی، شرح مختصری از سیاست‌ها و رویه‌های شناسایی و مدیریت ریسک‌های سایبری را در برگیرد.

www.journalofaccountancy.com، ۲۲ نوامبر ۲۰۲۴

گزارش جلسات شورای عالی دوره ی هشتم جامعه ی حسابداران رسمی ایران



پنجاه و یکمین جلسه ی شورای عالی

شورای عالی جامعه حسابداران رسمی ایران در پنجاه و یکمین جلسه خود در تاریخ ششم آذرماه ۱۴۰۳ میزبان آقای دکتر حجت‌اله صیدی رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار و دکتر عیوضلو معاون نظارت آن سازمان بودند. در این جلسه که با حضور کلیه ی اعضای شورا و ناظرین محترم تشکیل شد، در ابتدا رئیس شورای عالی ضمن خیرمقدم و تبریک مسئولیت جدید و آرزوی توفیق ایشان، درخواست‌های جامعه و چالش‌های موجود در مورد نحوه ی انتخاب حسابرسان معتمد و مشکلات کلی مؤسسات و تشکیل کارگروه پیشنهادی جناب آقای دکتر خاندوزی وزیر سابق وزارت امور اقتصادی و دارایی خواستار شد. در ادامه دبیرکل و هرکدام از اعضا ضمن خیرمقدم نظرات خود را در مورد نحوه ی تعامل و همکاری با سازمان بورس و اوراق بهادار در خصوص حق الزحمه ی حسابرسی، سند تحول بازار سرمایه، حجم زیاد چک‌لیست‌های صادره بیان فرمودند. در ادامه جناب آقای اسماعیلی، رئیس هیأت عالی نظارت نیز ضمن خیرمقدم به دبیرکل سازمان بورس، بازنگری در دستورالعمل‌های بورس را خواستار شدند.

در ادامه آقای دکتر صیدی با بیان اینکه با پیشنهادهای ارایه شده به صورت کلی موافق هستند انتظارات بازار سرمایه را از

مؤسسات حسابرسی بیان و اشاره کردند که گزارش‌های حسابرسی پاسخگوی نیاز استفاده‌کنندگان به صورت کامل نیست و برخی از این گزارش‌ها حسابرسی رضایت‌بخش نبوده و در مواردی با ابهام مواجه‌اند. ایشان از ارایه ی پیشنهادهای به‌ویژه در حوزه ی IT استقبال و در خاتمه پیشنهاد کردند کارگروه مشترکی برای کاهش بندهای گزارش حسابرس و بازرس قانونی و اصلاح فرآیندها تشکیل شود که با استقبال اعضای شورا مواجه شد.

بعد از بیانات آقای دکتر صیدی، سرکارخانم مداحی نماینده ی سازمان بورس در شورای عالی مطالبی در مورد دستورالعمل حاکمیت شرکتی، منشور کمیته ی حسابرسی و سند تحول که با همکاری حسابداران رسمی تهیه و نظرخواهی نیز شده است توضیحاتی بیان داشتند.

در ادامه، آقای دکتر اکرمی درخصوص نهاد ناظر مطالبی بیان داشتند و باتوجه به اینکه هنوز موضوع به صورت لایحه و طرح همچنان باقی مانده است، پیشنهاد داده شده شورا در این مورد اقدام و پیشنهادهای خود را در زمان مناسب ارایه نمایند. در این خصوص مقرر شد با حضور تعدادی از اعضای شورا به همراه دبیرکل، کارگروه ویژه تعیین و اقدام مناسب به عمل آید.

باتوجه به خاتمه مدت جلسه بررسی آیین‌نامه اجرایی موضوع ماده (۲۸) اساسنامه به جلسه بعدی موکول گردید.

پنجاه و دومین جلسه شورای عالی

پنجاه و دومین جلسه شورای عالی با حضور اکثریت اعضا و ناظرین محترم شورای عالی در تاریخ بیستم آذرماه ۱۴۰۳ تشکیل شد. در ابتدای جلسه رئیس شورای عالی جناب آقای مقیمی فر درگذشت آقای دکتر حسین تاجمیر ریاحی، معاون محترم ارزیابی و تحلیل اطلاعات مالی مرکز اطلاعات مالی و آقای حسین عباس طلایی، از اعضای محترم جامعه حسابداران را تسلیت گفتند. در ادامه با توجه به اعلام تعطیل رسمی از طرف دولت مراسم روز حسابدار که مقرر بود در ۲۱ آذرماه در محل پژوهشگاه نیرو برگزار شود، لغو گردید.

موضوع بعدی دعوت تعدادی از مؤسسات از شهرستان های مشهد، اصفهان و تبریز برای هفته حسابداری بود که مقرر گردید با حضور اعضای هیأت مدیره و اعضا شورای عالی که امکان شرکت دارند، تشکیل گردد.

موضوع دیگر در مورد نامه آقای مصطفی باتقوا، عضو شورا، به رئیس شورای عالی در خصوص نحوه انتخاب حسابداران رسمی در کمیته پذیرش و نظارت سازمان بورس بود و هر کدام از اعضا نظرات خود را در این مورد بیان داشتند.

در ادامه، شورا وارد دستور جلسه گردید و موادی از آیین نامه اجرایی موضوع ماده (۲۸) اساسنامه مورد بحث و گفتگو واقع گردید و به دلیل خاتمه مدت جلسه ادامه آن به جلسه بعدی موکول گردید.

پنجاه و سومین جلسه شورای عالی

پنجاه و سومین جلسه شورای عالی با حضور کلیه اعضا و ناظرین محترم در تاریخ چهارم دی ماه تشکیل گردید. در ابتدای جلسه آقای مقیمی فر رئیس شورای عالی ضمن خیرمقدم به اعضای حاضر در خصوص ادغام ساختمان های جامعه و بودجه پیشنهادی از طرف دبیرکل مطالبی را بیان داشتند و سپس سایر اعضا نقطه نظرات خود را در این خصوص بیان داشتند و مقرر گردید گزارش توجیهی تهیه و در جلسه بعدی مطرح شود.

در ادامه شورای عالی وارد دستور جلسه اول شده و در خصوص «سند راهبردی فناوری اطلاعات و ارتباطات جامعه حسابداران رسمی ایران» گزارش مقدماتی توسط آقای دکتر رزاق و در ادامه توسط آقای دکتر پویان ارائه شد و اعضای شورای عالی پیشنهادهای تکمیلی خود را در این خصوص بیان داشتند. پس از موافقت با کلیات سند مقرر گردید پس از جمع بندی پیشنهادهای و اعمال اصلاحات لازم مجدداً در شورای عالی مطرح شود.

با توجه به خاتمه مدت جلسه، رسیدگی به دستور بعدی به جلسات آینده موکول شد.

پنجاه و چهارمین جلسه شورای عالی

پنجاه و چهارمین جلسه شورای عالی در تاریخ هجدهم دی ماه با حضور کلیه اعضا و ناظرین محترم تشکیل شد. در ابتدای جلسه، آقای مقیمی فر رئیس شورای عالی ضمن خیرمقدم به اعضای حاضر، سال نو میلادی را به مسیحیان عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و هموطنان مسیحی تبریک گفتند و برای آنان در سال نو میلادی آرزوی موفقیت کردند. در ادامه در خصوص ادغام ساختمان های جامعه و بودجه پیشنهادی از طرف دبیرکل مطالبی را بیان داشتند و بودجه پیشنهادی به تصویب رسید و مقرر گردید پیگیری لازم از طرف هیأت مدیره به عمل آید.

سپس شورای عالی وارد دستور جلسه اول شده و در خصوص «سند راهبردی فناوری اطلاعات و ارتباطات جامعه حسابداران رسمی ایران» پس از ارایه گزارش توسط آقای دکتر رزاق در خصوص اصلاحات انجام شده پیشنهادی اعضا در جلسه قبل به تصویب رسید.

پس از آن شورا وارد دستور جلسه دوم و بررسی آیین نامه اجرایی ماده (۲۸) اساسنامه گردید و تعدادی از مواد آن به تصویب رسید. با توجه به خاتمه مدت جلسه، ادامه بررسی آن به جلسه آتی موکول گردید.

پنجاه و پنجمین جلسه شورای عالی

پنجاه و پنجمین جلسه شورای عالی در تاریخ دوم بهمن ماه با حضور کلیه اعضا و ناظرین محترم تشکیل شد. در ابتدای جلسه رئیس شورای عالی جناب آقای مقیمی فر در خصوص جلسه برگزار شده در وزارت امور اقتصادی و دارایی درباره پیشنهاد جامعه برای اصلاح تبصره (۲) ماده (۶) «نحوه برگزاری مجمع عمومی و انتخابات شورای عالی» توضیحاتی ارائه کردند و سپس در خصوص پیشنهاد دبیرکل جامعه برای اصلاح تبصره (۸) ماده (۳۶) و (۵۸) اساسنامه جامعه مطالبی بیان کردند که در این خصوص مقرر گردید با هیأت عالی نظارت هماهنگی به عمل آید.

در ادامه شورای عالی وارد دستور جلسه اول و بررسی آیین نامه اجرایی مؤسسات حسابرسی موضوع ماده (۲۸) اساسنامه جامعه شد و موادی از آن به تصویب رسید و ادامه آن و موضوع دستور دوم برای بررسی به جلسه آتی موکول گردید.

مسابقات دوستانه‌ی فوتبال مؤسسات حسابرسی

نخستین دور مسابقات دوستانه‌ی فوتبال مؤسسات حسابرسی کشور توسط جامعه‌ی حسابداران رسمی برگزار شد. در این مسابقات که برگزاری آن از آبان‌ماه سال جاری آغاز شد شاهد حضور ۱۲ تیم فوتبال منتخب مؤسسات حسابرسی و تیم منتخب کارکنان ستادی جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران بودیم.

در این مسابقات که در مجموعه‌ی ورزشی شهدای دانشجو واقع در روبروی ورزشگاه شهید شیرودی برگزار شد. تیم‌های فوتبال مؤسسات ارقام‌نگر آریا، آرمان‌پژوهان محاسب، امجدتراز، ارقام نماد چرتکه، مفیدراهبر، تدبیر محاسب آریا، هادی حساب تهران، سینا فکر، ممیز، تدوین و همکاران، دیان و کارکنان ستادی جامعه حضور داشتند. همچنین مؤسسات امجدتراز، سروک پرهام، سینافکر، و تدوین و همکاران اخیراً به این مسابقات افزوده شدند. گفتنی است که این مسابقات دوستانه کماکان ادامه دارد.

و مؤسسات مفید راهبر ممیز و ارقام نماد چرتکه نتایج قابل قبولی نسبت به سایر تیم‌ها گرفتند.



